

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دوفصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات مهدوی

سال چهاردهم، شماره ۶۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛

مدیر مسئول:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی یوسفیان

سر دبیر:

حجت الاسلام والمسلمین سعید توسلی خواه

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام والمسلمین سید علی کاظمی

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

توسلی خواه سعید (دکتری مدرسی معارف

اسلامی و پژوهشگر مرکز تخصصی مهدویت)

حیدری چراتی حجت

(فاضل حوزوی و مدرس مرکز تخصصی مهدویت)

کامیاب مسلم (استادیار پژوهشکده مهدویت و

آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

مصلحی علی (فاضل حوزوی و مدرس مرکز

تخصصی مهدویت)

معنوی سید مجتبی (فاضل حوزوی و پژوهشگر

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا)

مالایی حسن (فاضل حوزوی و مدیر گروه اخلاق

تربیت مرکز تخصصی مهدویت)



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیة) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، پلاک ۲۴.

تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۴۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mahdaviatmag@gmail.com

وبسایت نشریه: www.mahdimag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شاپا: ۶۱۰۸-۲۶۷۶

قیمت: ۷/۵۰۰/۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر و در اختیار علاقه‌مندان مباحث مهدویت و موعود گرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله با مباحث مهدویت ارتباط مستقیم داشته باشد.
۲. حجم کل کلمات مقاله بین ۳۶۰۰ تا ۷۰۰۰ هزار هر صفحه ۳۰۰ کلمه باشد.
۳. فونت متن مقاله B Nazanin با شماره ۱۴ و پاورقی ۱۰ باشد.
۴. فونت آیات پررنگ باشد.
۵. ترجمه آیات و روایات ذکر شود.
۶. ترجمه کلمات عربی و انگلیسی و مفاهیم مهم در پاورقی ذکر شود.
۷. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود.

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث رعایت شود.
۱. **چکیده:** چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که شامل مسئله مقاله و تبیین آن باشد
 ۲. **واژگان کلیدی:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. **مقدمه:** مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
 ۴. **بدنه اصلی:** بدنه اصلی، محتوای تخصصی بوده و می‌بایست موارد ذیل مد نظر قرار گیرد:
 - ۴-۱. تبیین مباحث پیرامون مهدویت؛
 - ۴-۲. افزایش سطح دانش و آگاهی و گسترش مباحث مهدویت؛
 - ۴-۳. نقد و نظر پیرامون مباحث مهدویت؛
 - ۴-۴. آشنا سازی مخاطبان با مفاهیم حوزه مهدویت.

۵. جمع‌بندی یا نتیجه گیری:

- جمع‌بندی بیانگر کلیات مباحث مطرح شده در متن مقاله می‌باشد. به گونه‌ای که مسئله و ادله و جواب‌ها به صورت کلی و خلاصه ذکر می‌شود.
- نتیجه مقاله بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود

و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.

۶. ارجاعات: ارجاع به صورت پاورقی و به صورت ذیل آورده شود.

۶-۱. قرآن: بقره: ۵۰.

۶-۲. کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.

۶-۳. مجله: نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.

۶-۴. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.

۷. ارجاع پایانی (فهرست منابع): شناسنامه کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

۷-۱. کتاب: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب (پر رنگ)، مترجم / محقق / مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ.

۷-۲. مجله: نام خانوادگی، نام، عنوان مقاله (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر.

۷-۳. صفحه اینترنتی: نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل.

۷-۴. نرم افزار: نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

۱. فصلنامه با تلخیص و تقطیع مطالب (با حفظ مفهوم) آزاد است.

۲. مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد.

۳. نتیجه ارزیابی مقالات حداکثر تا ۳ ماه به نویسنده اعلام خواهد شد.

مطالب مندرج در فصلنامه صرفاً دیدگاه نویسنده بوده و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. حضوری: مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. غیر حضوری (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی)

۲-۱. از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹

۲-۲. از طریق سایت به آدرس: www.mahdimag.ir

۲-۳. از طریق رایانامه به آدرس: mahdavimag@gmail.com

۲-۴. از طریق فضای مجازی به آدرس: [@mahdaviatmag](http://mahdaviatmag)

فهرست مطالب

خوانش میان‌مکتبی جنگ‌های پیش از ظهور، برپایه تحلیل روایات نبوی ﷺ..... ۵

سید محمد حسین تقوی

بازتبیین نقش تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، با تأکید بر شیوه‌های هدایت و تربیت..... ۳۷

مینا سادات حسینی خانقاهی

بررسی و گونه‌شناسی روایات مهدوی در کتاب «کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر» ۶۱

سید علی کاظمی شیخ شبانی

آینده پژوهی روند گسترش سلطه رسانه‌ای غرب بر جوامع اسلامی و تأثیرات آن بر مهدویت . ۸۱

علیرضا اکبری

بررسی تحلیلی خرافات در فرهنگ مهدویت با رویکرد ایجابی «انتظار عقلانی»..... ۱۰۹

فاضل فاضلی داود

بررسی و تحلیل فصل نخست سریال «سیلو»، با تأکید بر نقش منجی در گفتمان دیستوپیایی..... ۱۲۷

مسعود برکتی

خوانش میان‌مکتبی جنگ‌های پیش از ظهور، برپایه تحلیل روایات

نبوی ﷺ

سیدمحمدحسین تقوی^۱

چکیده

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و میان‌مکتبی، به بررسی دامنه و ابعاد تحولات آخرالزمانی با تمرکز بر روایات مهدوی مستند به منابع نبوی ﷺ در کتاب‌های شیعه و سنی می‌پردازد. هدف پژوهش، واکاوی ابعاد نظامی، اجتماعی و اعتقادی فتنه‌های پیش از ظهور و تبیین آن‌ها به مثابه فراتر از آشوبی سیاسی و در قالب بحران گسترده نظم اجتماعی و اخلاقی جامعه اسلامی است. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی گزاره‌های روایی، با تمرکز بر فتنه‌هایی همچون احلاس، حرکت سفیانی و نقش نیروهای مشرقی است که بر اساس آن، الگوی مرحله‌ای تحولات آخرالزمان استخراج می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دوره پیش از ظهور، از فروپاشی داخلی و نزاع‌های درون‌دینی ناشی از دنیاطلبی آغاز می‌شود و با گسترش جنگ‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در شام و عراق، به اوج می‌رسد. در این فرایند، نصرت الهی از کانون شرق و اهل مشرق آغاز می‌شود و زمینه را برای قیام موعود فراهم می‌سازد. بر اساس یافته‌ها، عبور از این فتنه‌های بنیادین، بخش مهمی از مسیر منتهی به ظهور است. از این‌رو، آمادگی فعال، صبر و استقامت معنوی و به‌ویژه وحدت عملی مسلمانان در برابر جبهه کفر و طاغوت ضرورت می‌یابد. همچنین، اشتراکات روایی شیعه و سنی درباره این حوادث، می‌تواند زمینه‌ای برای تفاهم و اتحاد راهبردی امت اسلامی در زمینه تحقق اهداف مهدویت باشد.

واژگان کلیدی: فتنه‌های آخرالزمان، تحولات مشرق، جنگ و کشتار، روایات نبوی، ظهور مهدوی.

اندیشه مهدویت و تحولات پیش از ظهور، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده و در منابع معتبر شیعه و اهل سنت بازتاب گسترده‌ای داشته است. این اشتراک روایی، مهدویت را از باوری کلامی محدود فراتر برده و آن را به مسئله‌ای مشترک در میان امت اسلامی بدل ساخته است؛ مسئله‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی عملی مسلمانان در مواجهه با چالش‌های کلان جهان معاصر باشد. در این میان، یکی از مهم‌ترین محورهای روایات آخرالزمانی، تأکید بر فتنه‌ها، جنگ‌ها و درگیری‌های گسترده پیش از ظهور است؛ حوادثی که اگرچه در ظاهر، آشوب‌زا و خشونت‌آمیزند؛ در منطق روایی، بخشی از نظم الهی حاکم بر فرایند زمینه‌سازی قیام نهایی به شمار می‌آیند.

این مقاله به بررسی جنگ‌های پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر روایات نبوی می‌پردازد و تلاش می‌کند درک عمیق‌تری از ابعاد مختلف این موضوع ارائه کند. مقصود از «خوانش میان‌مکتبی» در این پژوهش، مقایسه اختلافی میان روایات شیعه و سنی نیست، بلکه تکیه بر روایات نبوی مشترک در منابع دو مکتب اسلامی و بازسازی ساختار و توالی حوادث پیش از ظهور بر اساس این میراث مشترک است. در این رویکرد، تمرکز بر نقاط اشتراک روایی است که می‌تواند تصویری منسجم تراز تحولات آخرالزمانی ارائه کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به تحلیل علائم ظهور و حوادث پیش از آن پرداخته‌اند. ورمزیار و پورسیدآقایی (۱۳۹۴) با تمرکز بر دیدگاه مفسران اهل سنت، برخی نشانه‌ها همچون خسوف و کسوف خاص، قتل نفس زکیه و خروج بنی‌الاصفر را از علائم صریح دانسته و در مقابل، نزول عیسی، دجال، سفیانی و خسف بیداء را در زمره علائم غیرصریح معرفی کرده‌اند. بیات (۱۴۰۲) نیز با تکیه بر روایات بحارالانوار، علائم ظهور را به دو دسته حتمی و غیرحتمی تقسیم کرده و صیحه آسمانی، خروج سید خراسانی و یمانی، شهادت نفس زکیه و خسف بیداء را از حوادث قطعی پیش از ظهور برشمرده است.

در حوزه مطالعات تطبیقی، امیری در کتاب «جنگ جهانی قبل از ظهور»، به بررسی باورهای آخرالزمانی در سنت صهیونیسم مسیحی پرداخته و نشان داده است که این باورها چگونه در سیاست‌های ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بازتاب یافته و به توجیه جنگ‌ها و بحران‌های گسترده جهانی منجر شده‌اند. همچنین وی در کتاب «آتش مشرق قبل از ظهور» (۱۳۶۱)، نشانه «آتش مشرق» را تحلیل کرده و آن را با سناریوهایی همچون قحطی جهانی یا جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیوند داده است. فقیه نیز در کتاب «سفیانی و نشانه‌های ظهور»، خروج سفیانی را به عنوان یکی از علائم حتمی ظهور عنوان و ارتباط آن را با جنگ‌های گسترده در منطقه شام تبیین کرده است.

جمع‌بندی این آثار نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً یا بر تقسیم‌بندی علائم ظهور تمرکز داشته‌اند؛ یا به تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی معاصر بسنده کرده‌اند. اگرچه برخی از این مطالعات به جنگ‌ها و بحران‌های پیش از ظهور پرداخته‌اند؛ کم‌تر پژوهشی به بازسازی «نظم درونی» و «توالی ساختاری» این حوادث بر اساس متن روایات نبوی توجه نشان داده است. از این رو، خلأ تحلیلی نظام‌مند که بتواند پیوند منطقی میان فتنه‌ها و جنگ‌های پیش از ظهور را آشکار سازد؛ همچنان محسوس است.

بر این اساس، پرسش محوری مقاله حاضر آن است که با توجه به اشتراک روایات نبوی در منابع شیعه و سنی، ساختار و توالی منطقی جنگ‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور چگونه قابل ترسیم است و این نظم به ظاهر آشوب‌زده، برای آمادگی فعال و تقویت وحدت عملی امت اسلامی در مواجهه با چالش‌های معاصر، دارای چه دلالت‌هایی است؟ نقطه تمایز اصلی این پژوهش، تمرکز مستقیم بر روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان منبع مشترک و مورد پذیرش دو مکتب اسلامی است؛ در حالی که بسیاری از مطالعات پیشین یا به روایات خاص یک مذهب محدود شده و یا تحلیل خود را از متن روایت فراتر نبرده‌اند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر تمامی روایات مورد استفاده را که بالغ بر سی روایت است؛

به طور مستقل مورد بررسی رجالی و حدیثی قرار داده است. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که تمام روایت، یا از حیث سندی واجد اعتبارند و یا از جنبه وثوق و صدور، قابلیت استناد علمی دارند و با روایات معتبر دیگر تأیید می‌شوند. از این رو، در اعتبار کلی نتایج پژوهش خللی ایجاد نمی‌کنند. و در صورت وجود ضعف غیرجبران در روایات، به آن ضعف اشاره شده است.

بخش اول: فراگیری کشتار و جنگ‌های داخلی پیش از ظهور

بر اساس روایات نبوی، حوادث پیش از ظهور را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم کرد. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از فتنه‌ها و جنگ‌ها، جامعه اسلامی را در آستانه ظهور به آشوب کامل می‌کشاند.

دسته اول: هرج و مرج خونریزی پیش از ظهور

این پنج روایت به روشنی نشان می‌دهند که پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه با هرج و مرج، فتنه‌ها و کشتار گسترده روبه‌رو خواهد شد.

روایت اول:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِذَا مَاتَ الْخَامِسُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَالْهَرْجُ الْهَرْجُ حَتَّى يَمُوتَ السَّابِعُ، ثُمَّ كَذَلِكَ حَتَّى يَقُومَ الْمَهْدِيُّ. قَالُوا: وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ كَذَلِكَ؛ وَفَتَى بِنَجْمِينَ نَفَرًا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ بَمِيرِد، هَرْجٌ وَمَرْجٌ أَغَاظٌ مِثْلُ هَفْتَمِينَ نَفَرًا بِمِيرِد. سَبَسَ هَمْچَنَانِ اِدَامَه دَارِد تَا مَهْدِي قِيَام كَنْد.» پرسیدند: هرج چیست؟ فرمود: «کشتار». این روایت نشان می‌دهد که در فاصله‌ای پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه به کشتارهای گسترده و فتنه‌های خونین دچار خواهد شد. تعبیر «الهرج الهرج» تکرار برای شدت و فراگیری این آشوب‌هاست.

روایت دوم:

«قیامت برپا نمی‌شود تا قائم اهل بیت به اذن خدا قیام کند؛ پیروانش نجات می‌یابند و مخالفانش هلاک می‌شوند. او خلیفه خداست و باید به سویش رفت؛ حتی در سخت‌ترین وضعیت». در این جا اصحاب سوال کردند:

قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَتَى يَأْتِيكَمُ قَالَ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱؛ ما [صحابه یا راویان] گفتیم: یا رسول الله! قائم شما چه زمانی قیام می‌کند؟ فرمود: «هنگامی که دنیا دچار هرج و مرج [قتل و کشتار و دروغ‌گویی] شود و او [قائم] نهمین نفر از صلب حسین علیه السلام است.»

روایت سوم:

راوی می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «کار شما [امت] همچنان ادامه می‌یابد تا آن که در فتنه و جور [ستم]، کسی متولد شود که جز آن [فتنه و جور] را نشناسد، تا آن که زمین از جور پر شود، و دیگر کسی نتواند بگوید “الله” [از ترس و فشار]. سپس خداوند عزّ و جلّ مردی را از من و از عترت من بر می‌انگیزد که زمین را از عدل پر می‌کند؛ همان گونه که پیش از او [ظالمان] آن را پر از جور کرده بودند. زمین گنج‌های درون خود [خیرات و معادن] را برای او بیرون می‌ریزد و مال را بی پایان می‌بخشد [با کف دستی می‌ریزد، نه با شمردن]. این [وضع عدل] ادامه می‌یابد تا اسلام پابرجا شود.»

پرسیدم: ای مولای من! آن چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمودند:

«فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثُرَ الْقُرَاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ وَ كَثُرَ الْقَتْلُ^۲؛ پس خداوند عزّ و جلّ وحی کرد: آن، زمانی خواهد بود که علم برداشته شود [از

۱. علی بن محمد الخزاز، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. الشیخ الصدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۱.

بین برود]، جهل آشکار گردد، قاریان زیاد شوند؛ ولی عمل کم شود، کشتار زیاد شود» و در ادامه به خروج سفیانی اشاره کردند.

کشتار داخلی میان مسلمانان

در این روایت، به یکی از تلخ‌ترین جلوه‌های فتنه‌های آخرالزمان پرداخته می‌شود؛ هنگامی که نزاع و کشتار، نه میان مسلمان و کافر، بلکه درون جامعه اسلامی و میان نزدیک‌ترین افراد رخ می‌دهد.

روایت چهارم:

كان رسول الله ﷺ يحدّثنا أنّ بينَ يدي الساعةِ الهرج. قيل: وما الهرجُ؟ قال: الكَذِبُ والقتلُ. قالوا: أكثرُ ممّا نقتلُ الآن؟ قال: إنّه ليس بقتلِكم الكفّارَ، ولكنّه قتلُ بعضِكم بعضًا، حتى يقتلَ الرجلُ جاره، ويقتلَ أخاه، ويقتلَ عمّه، ويقتلَ ابنَ عمّه. قالوا: سبحانَ الله! ومعنا عقولُنا؟ قال: لا، إنّما ينزِعُ عقولُ أهلِ ذاك الزمانِ، حتى يحسبَ أحدُكم أنّه على شيءٍ وليس على شيءٍ؛ ابوموسى اشعريّ گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «پیش از قیامت، هرج خواهد بود.» پرسیدند: هرج چیست؟ فرمود: «دروغ و کشتار.» گفتند: بیش‌تر از آنچه اکنون می‌کشیم؟ فرمود: «آری؛ اما نه کشتن کفار، بلکه کشتن یکدیگر؛ تا جایی که مرد همسایه‌اش را بکشد، برادرش را بکشد، عمویش را بکشد و پسرعمویش را بکشد.» گفتند: سبحان الله! با این که عقل داریم؟ فرمود: «نه، بلکه عقل‌های مردم آن زمان گرفته می‌شود، تا کسی گمان کند بر حق است، در حالی که بر چیزی نیست».

این روایت تصویری روشن از فتنه‌های خونین و جنگ‌های داخلی در میان مسلمانان ارائه می‌کند؛ وضعیتی که در آن، معیارهای عقلانی و تشخیص حق از باطل فرو می‌ریزد و هر گروه، با اطمینان ذهنی، خود را بر حق می‌پندارد، در حالی که در واقع بر باطل ایستاده است.

همین معنا در روایت دیگری تأکید شده است:

روایت پنجم:

«لا تقوم الساعة حتى تُقتلَ فئتانِ عظیمتانِ دعوایهما واحدةٌ؛ قیامت برپا نخواهد شد، مگر آن که دو گروه بزرگ که ادعایشان یکی است، با یکدیگر بجنگند [یا یکدیگر را بکشند].»

تعبیر «دعوایهما واحدة» نشان می دهد که نزاع، نزاعی اعتقادی ظاهری است. هر دو گروه از شعار و ادعایی واحد سخن می گویند و خود را نماینده حق می دانند؛ اما نتیجه این همسانی ادعا، نه وحدت، بلکه کشتار گسترده و فتنه ای فراگیر است..

در این جا پرسش مهمی مطرح می شود: مراد از «الساعة» در این روایات، آیا قیامت کبرا است یا ظهور؟

بررسی کاربرد «الساعة» در ادبیات حدیثی نشان می دهد که این واژه همواره به قیامت نهایی محدود نمی شود، بلکه در برخی روایات، به دوران تحولات عظیم آخرالزمان و مقطع ظهور نیز اطلاق شده است؛ به ویژه آن جا که سخن از نشانه ها و مقدمات تحولی بزرگ در سرنوشت بشر است.

چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «إنها لن تقوم الساعة حتى يرى قبلها عشر آيات، فذكر الدخان، والدجال، والدابة، وطلوع الشمس من مغربها، ونزول عيسى ابن مريم ويأجوج ومأجوج^۲...؛ قیامت برپا نمی شود تا پیش از آن ده نشانه دیده شود: دخان، دجال، دابة، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی بن مریم، یأجوج و مأجوج و...».

این نشانه ها همگی به حوادث بزرگ آخرالزمان مربوط اند که در فضای مقارن با ظهور رخ می دهند. تصریح روشن تر در روایت دیگری آمده است:

۱. البخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۳۶۰۸.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۵.

لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً وعدواناً، ثم يخرج من عترتي... من يملأها قسطاً و عدلاً؛ قيامت برپا نمی‌شود تا زمین از ظلم و ستم پر شود، سپس مردی از عترت من خروج می‌کند و آن را از قسط و عدل سرشار می‌سازد.

این روایت به روشنی «الساعة» را با خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند می‌زند و نشان می‌دهد که مقصود، صرفاً پایان عالم نیست، بلکه مرحله‌ای سرنوشت‌ساز از تاریخ بشر است که با اوج‌گیری ظلم، فروپاشی عقلانیت جمعی، جنگ‌های داخلی و در نهایت نیاز مبرم به منجی الهی همراه است.

مجموع این روایات نشان می‌دهد که پیش از ظهور، جامعه انسانی؛ به‌ویژه جامعه مسلمانان، به هرج و مرج فکری و خونریزی گسترده دچار می‌شود و کشتارهایی که نه در تقابل با کفار، بلکه در میان خود مسلمانان و با ادعاهای مشترک رخ می‌دهد. در چنین فضایی، «الساعة» در معنای حدیثی خود، به آستانه تحولی عظیم ناظر است که نهایت آن، قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استقرار عدالت پس از فراگیری ظلم خواهد بود.

دسته دوم: فتنه‌های پایدار و جنگ‌های طولانی‌مدت

روایت احلاس و فتنه‌های طولانی

در گزارش‌های نبوی مربوط به دوران پیش از ظهور، یکی از روشن‌ترین توصیف‌ها از گسترش فتنه‌ها و آشوب‌های فراگیر، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

«سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِتْنَةُ الْأَخْلَاسِ، يَكُونُ فِيهَا حَرْبٌ وَهَرْبٌ، ثُمَّ بَعْدَهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ، حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ، وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا صَكَّتْهُ، حَتَّى يُخْرَجَ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي.»^۱ در این روایت، فتنه‌ای به نام «احلاس» عنوان شده است؛ واژه‌ای که به پارچه چسبیده به پشت شتر اشاره دارد و نشان می‌دهد این فتنه، طولانی و رها

۱. ابن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۵۷ ح ۹۵.

نشدنی است. در ترجمه چنین می‌آید که در این دوره، «جنگ و گریز» فراوان خواهد بود و پس از آن، فتنه‌هایی سخت‌تر پدید می‌آیند. سپس فتنه‌ای آغاز می‌شود که «هرگاه گفته شود، پایان یافت، ادامه می‌یابد» و چنان فراگیر می‌شود که «هیچ خانه‌ای نمی‌ماند، مگر آن که این فتنه وارد آن شود» و «هیچ مسلمانی نمی‌ماند، مگر آن که آن را به شدت و مستقیم می‌زند»؛ اشاره‌ای روشن به این که این آشوب، فردی و جمعی، خصوصی و عمومی، و خانگی و اجتماعی را یکجا دربرمی‌گیرد. پایان این دوره، با خروج «مردی از عترت پیامبر» مطرح شده است.

این روایت، تصویری از دوره‌ای طولانی و فرسایشی ارائه می‌کند که در آن، جامعه اسلامی با جنگ‌های پراکنده، ناامنی گسترده و فتنه‌های پی‌درپی درگیر می‌شود. تشبیه فتنه به «احلاس»، نشان می‌دهد که این آشوب، همچون پارچهٔ چسبیده به پشت شتر، از جامعه جدا نمی‌شود و مردم را در حالت فرسایش دائم قرار می‌دهد. گستردگی فتنه تا سطح خانه‌ها، نشان‌دهندهٔ فروپاشی امنیت اجتماعی است؛ وضعیتی که تنها با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه پایان می‌یابد.

دسته سوم: آشوب و کشتار حاجیان در ذی القعدة؛ روایتی از نبرد و بیعت اجباری

شاید یک مصداق از درگیری بین مسلمین، همین روایت درگیری بین حجاج باشد:

فی ذی القعدة تحارب القبائل، و عامئذ ينهب الحجاج، فتكون ملحمة بني، فيكثر فيها القتل، و تسفك فيها الدماء... حتى يهرب صاحبهم، فيؤتى بين الركن و المقام فيبيع و هو كاره، و يقال له: إن أبيت ضربنا عنقك^۱؛ در ماه ذی القعدة، قبایل با یکدیگر دشمنی می‌کنند و در همان سال، حاجیان غارت می‌شوند. سپس نبرد بزرگی در منا رخ می‌دهد؛ در آن کشتگان فراوان می‌شوند و خون‌ها ریخته می‌شود... تا آن که صاحبشان [امام] می‌گریزد. سپس او را میان رکن و مقام می‌آورند و با او بیعت می‌کنند؛ در حالی که ناخشنود است، و به او گفته می‌شود: اگر بیعت را نپذیری، گردنت را می‌زنیم.

۱. الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۷۰۶.

در نگرش کلی تر این روایت در صدد بیان این نکات هست:

۱. نبرد در منا و تلفات فراوان:

این روایت به صراحت از ملحمه منا سخن می گوید؛ نبردی بزرگ در سرزمین مقدس حج. دو تعبیر کلیدی «یکثر فیها القتلی» (کشتگان فراوان می شوند) و «تسفک فیها الدماء» (خون ها ریخته می شود)؛ نشان دهنده شدت کشتار و خونریزی در این حادثه است. اهمیت این نکته در آن است که حتی مکان مقدس حج، که باید محل امنیت و عبادت باشد؛ به صحنه جنگ و قتل عام تبدیل می شود. این امر بیانگر سقوط کامل امنیت اجتماعی و مذهبی در آستانه ظهور است.

۲. غارت حاجیان:

عبارت «ینهب الحاج» نشان می دهد که حاجیان، یعنی زائران خانه خدا، در این فتنه مورد غارت قرار می گیرند. این غارت نه تنها جنبه اقتصادی دارد، بلکه نشان دهنده بی حرمتی به مقدسات و حرمت شکنی در مناسک حج است. چنین وضعیتی، شدت آشوب و بی قانونی را در جامعه اسلامی پیش از ظهور آشکار می سازد.

۳. بیعت تحت تهدید:

پس از این آشوب و کشتار، امام عَلَيْهِ السَّلَام در مکانی مقدس (بین رکن و مقام) حاضر می شود؛ اما روایت تصریح می کند که بیعت با ایشان به اجبار و تحت تهدید قتل صورت می گیرد: «إن أبيت ضربنا عنقك». این عبارت نشان می دهد که حتی آغاز ظهور از دل فشارهای نظامی و تهدیدهای خونین بیرون می آید. بیعت اجباری، نماد شدت بحران و خشونت حاکم بر جامعه است.

این روایت به وقوع آشوبی گسترده در موسم حج اشاره دارد؛ نبردی خونین و غارت زائران که گویای فروپاشی امنیت دینی و اجتماعی در حرم الهی است. در اوج این بحران، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به گونه ای تحت فشار به بیعت واداشته می شود. در مجموع، روایت تصویرگر

مرحله‌ای از اوج بی‌ثباتی و درگیری در آستانه ظهور است.

دسته چهارم: قتل و مظلومیت اهل بیت (علیهم‌السلام) تا ظهور منتقم

در این بخش، روایتی نقل می‌شود که از استمرار مظلومیت، کشتار و آوارگی اهل بیت (علیهم‌السلام) در طول تاریخ سخن می‌گوید و نشان می‌دهد این رنج‌ها تا آستانه ظهور ادامه می‌یابد؛ تا آن‌گاه که وعده الهی انتقام از ستمگران و احقاق حق مظلومان تحقق یابد.

روزی رسول خدا ﷺ در حالی که دستشان در دست علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) بود، به شخصی فرمودند:

یا فلان- لا یؤمن بما یکون من علی فی آخر الزمان إلا ملک مقرب، أو عبد قد امتحن الله قلبه للإیمان، یا فلان أنه سیصیب ولد عبد المطلب بلاء شدید، وإثرة و قتل و تشدید، فإله الله- یا فلان- فی أصحابی و ذریتی و ذمتی، فإن الله یوم (الله یوما) ینتصف فیہ للمظلوم من الظالم؛ به خدا سوگند، ای فلانی! کسی به آنچه از علی (علیه‌السلام) در آخرالزمان رخ می‌دهد، ایمان نمی‌آورد، مگر آن که فرشته‌ای مقرب باشد، یا بنده‌ای که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده باشد. ای فلان! به راستی که به فرزندان عبدالمطلب [که شامل اهل بیت (علیهم‌السلام) است] بلا و سختی شدید، و ستم و خونریزی و پراکندگی می‌رسد. پس خدا را، خدا را [تقوای الهی را پیشه کنید] درباره اصحاب و ذریه و پیمان من [کسانی که مورد حمایت من هستند]؛ زیرا خداوند روزی [در آخرالزمان] انتقام مظلوم را از ظالم خواهد گرفت.

این روایت، به طور مشخص بر ظلم و ستمی که در آستانه ظهور بر فرزندان عبدالمطلب (اهل بیت (علیهم‌السلام)) وارد خواهد آمد؛ تأکید دارد. پیامبر ﷺ با بیان این که ستم و کشتار و پراکندگی به ایشان خواهد رسید؛ عمق مظلومیت این سلاله پاک را نمایان می‌سازند. با وجود این، روایت با وعده نصرت الهی پایان می‌یابد و خداوند در روزی معین، انتقام مظلومان را از ظالمان خواهد

۱. فرات الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، ج ۱، ص ۴۲۵.

گرفت که این امر با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برقراری کامل عدالت، محقق خواهد شد.

روایت بعدی:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از ذکر فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام (شامل واقعه خیبر و غدیر)، به شدت گریستند و سپس فرمودند که جبرئیل علیه السلام به ایشان چنین خبر داده است: «قَالَ أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عليه السلام أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُ وَيَنْعَوْنَهُ حَقَّهُ وَيَقَاتِلُونَهُ وَيَقْتُلُونَ وَلَدَهُ وَيَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ؛ امت، علی عليه السلام را مظلوم واقع و حقش را سلب می‌کنند. با او می‌جنگند و فرزندان او را نیز پس از ایشان به شهادت می‌رسانند و بر آنان ستم می‌کنند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمود: ... «أَخْبَرَنِي جَبْرَائِيلُ عليه السلام عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ ذَلِكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَ عَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَأَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ» ... و جبرئیل علیه السلام از جانب پروردگار عزوجل به من خبر داد که آن ستم‌ها و ظلم‌ها [که ذکر شد] از بین خواهد رفت [یزول]؛ هنگامی که قائم ایشان قیام کند، و کلام و سخن ایشان برتر گردد، و امت بر محبت ایشان متحد شوند»

دسته پنجم: فشار دشمنان خارجی و شدت بلا

جایگاه «روم» در منازعات نظامی آخرالزمانی

در آستانه ظهور، احادیث متعددی به نقش قدرت‌های نظامی در منطقه شام و نبردها اشاره دارند. در این میان، «روم» به عنوان یکی از قدرت‌های اصلی که رویارویی سختی با مسلمانان خواهد داشت؛ معرفی شده است.

روایت محوری در این زمینه، که شدت برخورد آنان را بیان می‌دارد؛ این است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَشَدَّ النَّاسِ عَلَيْكُمُ الرُّومُ، وَإِنَّمَا هَلَاكُهُمْ مَعَ السَّاعَةِ^۱؛ شدیدترین مردم در برخورد با شما، رومیان هستند و هلاکت آنان [به طور کامل] با وقوع قیامت مقارن است.»

۱. الشيخ الطوسي، الأمالي، ج ۱، ص ۳۵۱.

۲. أحمد بن حنبل، مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۳۰.

اشاره اجمالی به ابعاد نظامی

این حدیث، بر مواجهه‌ای خصمانه تأکید دارد. در کنار این روایت، سایر احادیث نظامی، بر تحولات منطقه‌ای که رومیان در آن دخیل هستند؛ انگشت می‌گذارند:

- **حضور در سواحل:** گزارش‌هایی از استقرار نیروهای غربی (روم) در مناطق ساحلی شام قبل از ظهور وجود دارد.

- **لشکرکشی به رمله:** اشاره شده است که «مارقة الروم»، هم‌زمان با گروه‌های دیگر، به سوی شام لشکر می‌کشند و تا رمله در فلسطین پیشروی می‌کنند، که نشان‌دهنده وقوع جنگ‌های منطقه‌ای گسترده در آن دوران است.

این حضور نظامی، «روم» را به یکی از بازیگران اصلی در صحنه منازعاتی تبدیل می‌کند که زمینه‌ساز ظهور است.

تذکر: به سبب این که تمرکز این مقاله صرفاً بر روایات نبوی است، برای مطالعهٔ بیش‌تر در مورد جزئیات تحولات نظامی؛ از جمله گزارش‌هایی که از منابع شیعی به آن‌ها اشاره شد؛ به منابع تکمیلی دیگر رجوع کنید.^۱

دسته ششم: استمرار درگیری حق و باطل تا ظهور

در این بخش، به روایتی پرداخته می‌شود که نشان می‌دهد جبهه حق در برابر باطل تا پایان تاریخ و آستانه ظهور به صورت مستمر باقی خواهد ماند:

- «لا تزال طائفة من أمتی یقاتلون علی الحق... فینزل عیسی ابن مریم...»^۲ همواره گروهی از

۱. منابع تکمیلی برای مطالعه:

مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة: تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ه؛ پورسیدآقای، علی، مواجهه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۲ و همان، نقش ایرانیان در عصر ظهور، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۵.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷.

امت من بر حق می‌جنگند تا روز قیامت، سپس عیسی فرود می‌آید.»

- «...مَهْدِيُّ أُمِّي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ خداوند مردی از عترت من را برمی‌انگیزد که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود.»

این دسته از روایات گویای آن است که فتنه‌ها به اوج می‌رسند. در چنین اوضاعی قیام قائم رخ می‌دهد و با نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و ظهور مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْقِيقَهُ، عدالت جهانی جایگزین آشوب‌ها می‌شود.

این فصل نشان می‌دهد که پیش از ظهور، جامعه اسلامی و فضای جهانی، به مرحله‌ای از هرج و مرج خونین فراگیر وارد می‌شود که شاخص اصلی آن کشتار گسترده، جنگ‌های داخلی، و درگیری‌های طولانی و فرسایشی است. روایات، از افزایش بی‌سابقه قتل‌ها، نبرد میان گروه‌هایی با ادعاهای مشترک، فروپاشی امنیت حتی در مکان‌های مقدس، غارت و قتل حاجیان، و تداوم جنگ علیه اهل بیت سخن می‌گویند. در کنار این خشونت‌های درون‌دینی، فشار و مداخلات نظامی دشمنان خارجی شدت می‌یابد. مجموع این شواهد، تصویری از جهانی مملو از جنگ، خونریزی و ناامنی مستمر ترسیم می‌کند که تا آستانه ظهور ادامه دارد.

بخش دوم: تحولات شرق و تمرکز جنگ‌ها در آستانه ظهور

بر اساس روایات نبوی، بخش مهمی از حوادث آخرالزمانی در مشرق رخ می‌دهد. منطقه شام و مشرق، به ویژه خراسان، در این روایات جایگاهی محوری دارند؛ هم به عنوان خاستگاه فتنه‌ها و آشوب‌ها و هم به عنوان زمینه‌سازان ظهور. این تمرکز جغرافیایی نشان می‌دهد که شرق، کانون اصلی تحولات و جنگ‌ها پیش از قیام مهدی عَجَلُ اللَّهِ تَحْقِيقَهُ خواهد بود؛ چه قیام‌های بر حق، مثل خراسانی و یمانی و چه باطل، مثل سفیانی و جریان دجال.

دسته اول: پناه آوردن مردم به شام و آغاز فتنه‌ها

در منابع روایی، حدیثی از عوف بن مالک نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن به سلسله‌ای از تحولات اجتماعی، سیاسی و نظامی پیش از ظهور اشاره کند. ایشان فرمودند: «ای عوف! چگونه خواهی بود آن‌گاه که این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم شود؛ یک فرقه در بهشت و سایر آنان در آتش؟» عوف پرسید: ای رسول خدا! آن زمان چه وقت خواهد بود؟ پیامبر نشانه‌هایی را برشمرد:

- فراوانی شرطه‌ها (نیروهای حکومتی و نظامی)؛
 - نشستن کودکان بر منبرها و ... سروری فاسقان بر قبایل و زعامت افراد پست بر قوم.
- مردم در این زمان به شام پناه خواهند برد تا آنان را از دشمنشان حفظ کند؛ «و یفزع الناس یومئذ إلى الشام یعصمهم من عدوهم، قلت: و هل یفتح الشام؟ قال: نعم و شیکا، ثم تقع الفتن بعد فتحها، ثم تجيء فتنه غبراء مظلمة، ثم یتبع الفتن بعضها بعضها حتی یخرج رجل من أهل بیتی یقال له المهدی، فإن أدركته فاتبعه و کن من المهتدین^۱؛ و مردم در آن روز به شام پناه می‌برند که آنان را از دشمنشان نگاه می‌دارد.» پرسیدم: آیا شام فتح خواهد شد؟ فرمود: «آری، به زودی. پس از فتح آن، فتنه‌ها رخ می‌دهد. آن‌گاه فتنه‌ای تیره و تاریک پدید می‌آید؛ سپس فتنه‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند تا آن‌که مردی از اهل بیت من که نامش مهدی است، خروج کند. پس اگر او را درک کردی، پیروی اش کن و از هدایت یافتگان باش.»

این حدیث یک نقشه زمانی از تحولات آخرالزمان ارائه می‌کند که در آن نشانه‌های درگیری نظامی و اجتماعی برجسته‌اند:

۱. ازدیاد شرطه‌ها: نشانه‌ای از گسترش قدرت نظامی و امنیتی در جامعه؛
۲. پناه بردن مردم به شام: نشان‌دهنده وجود تهدید دشمن و نیاز به منطقه‌ای امن؛

۱. الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۵۱.

۳. فتح شام: شاهد بر وقوع یک درگیری نظامی و جنگی در منطقه؛

۴. وقوع فتنه‌های پی‌درپی و فتنه غبراء مظلومه: بیانگر آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی و

منطقه‌ای پس از فتح شام؛

۵. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: پایان این سلسله بحران‌ها و جنگ‌ها با قیام منجی الاهی.

بدین ترتیب، روایت عوف بن مالک نشان می‌دهد که جنگ‌ها و فتنه‌های گسترده در شام و

اطراف آن مقدمه‌ای برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود و تنها با قیام او جامعه اسلامی سامان خواهد یافت.

دسته دوم تحولات نظامی شرق در آستانه ظهور

روایات مهدوی، تصویری روشن از دگرگونی‌های سیاسی و نظامی شرق در دوران پیش از ظهور ارائه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این گزارش‌ها، روایت ثوبان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در منابع حدیثی اهل سنت نقل شده است و به عنوان یکی از اسناد کلیدی در تحلیل جنگ‌های شرق پیش از ظهور شناخته می‌شود.

رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةُ ابْنِ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تَطْلُعُ الزَّيَاثُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَا يَقْتُلُهُ قَوْمٌ، ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ، ثُمَّ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ»؛ سه نفر که همگی فرزند خلیفه‌اند، بر سر گنج شما با یکدیگر به جنگ می‌پردازند و حکومت به هیچ‌یک از آنان نمی‌رسد. سپس پرچم‌های سیاه از سوی مشرق پدیدار می‌شوند و مردمی را می‌کشند، به گونه‌ای که هیچ قومی پیش از آنان چنان نکشته است! سپس پیامبر مطلبی فرمود که راوی آن را به یاد ندارد، و آن‌گاه فرمود: «هرگاه او را دیدید، با او بیعت کنید؛ حتی اگر ناچار باشید بر روی برف و یخ سینه‌خیز بروید.»

نزاع قدرت در ساختار خلافت

روایت، نخست از بروز جنگی داخلی میان سه تن از خاندان خلافت سخن می‌گوید. این نزاع، نشانه‌ای از فروپاشی نظم سیاسی موجود و آغاز دوره‌ای از بی‌ثباتی در شرق جهان اسلام است. جنگ میان این سه مدعی، نه تنها ساختار قدرت را متزلزل می‌کند، بلکه زمینه را برای ظهور نیروهای جدید فراهم می‌کند. این مرحله، در ادبیات مهدوی، یکی از مقدمات مهم تحولات آخرالزمانی به شمار می‌آید.

طلوع پرچم‌های سیاه از مشرق

مرحله دوم روایت، به ظهور «الرایات السود» از ناحیه شرق اشاره دارد. این پرچم‌ها، نماد خیزش نیرویی نظامی و سازمان‌یافته‌اند که با شدت و خشونت بی‌سابقه وارد میدان می‌شوند. تعبیر «فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ قَوْمٌ» نشان‌دهنده وقوع جنگ‌هایی خونین و گسترده است که شرق را با آشوبی فراگیر درگیر می‌سازد. این جریان، در منابع روایی، گاه با عنوان «اهل المشرق» یا «خراسانیان» نیز شناخته شده و در تحولات پیش از ظهور نقش مهمی دارد.

پیوند تحولات شرق با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

در پایان روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پس از اشاره به نکته‌ای که راوی آن را فراموش کرده است، به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اشاره می‌کند و بیعت با او را فرمان می‌دهد. این توصیه، نشان می‌دهد که جنگ‌های شرق، مقدمه‌ای برای شکل‌گیری شرایط ظهور است. آشوب‌های سیاسی و نظامی، ویرانگر؛ اما به ظهور رهبری الهی منتهی می‌شود که مأموریت او برقراری عدالت جهانی است.

دسته سوم: اشاره به ظهور حجت از مشرق (یمن)

در این بخش، روایتی آورده می‌شود که ضمن تبیین مسئله غیبت، به چگونگی و محل آغاز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف در اوضاع آشوب‌زده آخرالزمان اشاره دارد.

رسول خدا ﷺ پس از شمردن ائمه علیهم السلام، فرمودند: «سپس امامشان برای مدتی که خدا بخواهد از ایشان غایب می‌شود و برای او دو غیبت خواهد بود که یکی از دیگری طولانی‌تر است.» سپس رسول خدا ﷺ رو به ما کردند و با صدای بلند فرمودند: «برحذر باشید، برحذر باشید! هنگامی که پنجمین نفر از فرزندان هفتمین نفر از فرزندان من غایب شد ...» در این جا علی علیه السلام سؤال می‌کند و پاسخ از این جا آغاز می‌شود:

قَالَ عَلِيٌّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يَكُونُ حَالُهُ عِنْدَ غَيْبَتِهِ قَالَ يُصْبِرُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَرْيَةٍ يَقَالُ هَا كَرْعَةٌ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَتِي مُتَدَرِّجٌ بِدِرْعِي مُتَقَلِّدٌ بِسَيْفِي ذِي الْفَقَارِ وَمَنَادٍ يَنَادِي هَذَا الْمُهْدَى خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَيَعَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحُمُ الصَّغِيرَ وَلَا الْقَوِيُّ يَرْحُمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛^۱ علی علیه السلام فرمود: پس گفتم: یا رسول الله! حال و وضعیت او در زمان غیبتش چگونه خواهد بود؟

فرمود: «او صبر می‌کند تا خداوند به او اذن خروج دهد. پس او از یمن، از روستایی به نام کرعه خروج می‌کند. بر سرش عمامه من است؛ زره مرا پوشیده و شمشیرم ذوالفقار را بر کمر بسته است. و منادی بی‌ندا می‌دهد: این مهدی، خلیفه خداست؛ پس او را پیروی کنید. او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده است و این خروج، آن زمان است که دنیا به هرج و مرج تبدیل شود و برخی بر برخی دیگر غارت کنند؛ به طوری که نه بزرگ به کوچک رحم می‌کند و نه قوی به ضعیف. پس در آن هنگام، خداوند به او اذن خروج می‌دهد.

البته روایات اهل سنت درباره محل آغاز قیام مهدوی از نظر سندی معتبر نیستند و احتمال دارد تنها به خروج یمانی از یمن ناظر باشند. در مقابل، روایات معتبر شیعی، به‌ویژه روایات الکافی و الغیبة نعمانی، به‌روشنی مکه را خاستگاه ظهور می‌دانند؛ جایی که امام مهدی علیه السلام با

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

تکیه بر کعبه و آیه «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ...» خود را «بقیة الله» معرفی می کند.^۱

دسته چهارم: سه فتنه بزرگ در شام، شرق و غرب

در این بخش، روایتی نقل می شود که از وقوع سه فتنه بزرگ و پیاپی در مناطق شام، شرق و غرب خبر می دهد و آن ها را از نشانه های آشوب فراگیر پیش از ظهور معرفی می کند. این روایت با ترسیم گستره و شدت این فتنه ها، فضای ناآرام و بی ثبات آخرالزمان را به عنوان زمینه تحقق حوادث بزرگ بعدی تبیین می کند:

تكون فتن ثلاث كأمسكم الذّاهب: فتنّة تكون بالشّام، ثمّ الشرقيّة هلاك الملوك، ثمّ تتبعها الغربيّة، وذكر الرايات الصّفر. قال: و الغريّة هي العمياء^۲؛ سه فتنه همانند روز گذشته شما رخ خواهد داد: نخست فتنه ای در شام، سپس فتنه شرقی که نابودی پادشاهان را در پی دارد، و پس از آن، فتنه غربی که کور و نابینا است. در این میان از پرچم های زرد نیز یاد شده است.

این روایت سه بخش مهم دارد:

الف) فتنه شام:

این روایت نخستین کانون درگیری را شام معرفی می کند؛ منطقه ای که در روایات آخرالزمانی، جایگاه ویژه ای دارد. فتنه شام به معنای آشوب ها و جنگ های خونین در این سرزمین است که آغازگر سلسله ای از درگیری ها خواهد بود. اهمیت این فتنه در آن است که به عنوان نقطه شروع بحران های بزرگ پیش از ظهور شناخته می شود و نشان دهنده فروپاشی امنیت اجتماعی و سیاسی در قلب جهان اسلام است.

ب) فتنه شرقی و نابودی پادشاهان:

دومین فتنه در روایت، در شرق رخ می دهد و ویژگی اصلی آن، «هلاک الملوك»، یعنی نابودی

۱. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱ و نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۱.

۲. ابن حمّاد، الفتن، ج ۱، ص ۵۶، ح ۹۷.

پادشاهان است. این بخش نشان دهنده قتل و براندازی خشونت آمیز رهبران و فروپاشی قدرت های سیاسی در شرق اسلامی است. فتنه شرقی نه صرفاً آشوبی سیاسی، بلکه جنگ داخلی خونینی است که با قتل رهبران و فروپاشی ساختارهای حکومتی همراه می شود و زمینه را برای قیام های بعدی و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می آورد.

ج) فتنه غربی کور و نابینا:

سومین فتنه در روایت، در غرب رخ می دهد و به عنوان «العمیاء»، یعنی کور و نابینا توصیف شده است. این تعبیر نشان دهنده خشونت بی منطق و کشتار بی هدف است؛ جنگی که عقل و بصیرت در آن از میان رفته و تنها خونریزی و نابودی باقی مانده است. اشاره به «الرایات الصفر» (پرچم های زرد) نیز نشان دهنده حضور نیروهای نظامی سازمان یافته در این فتنه است. در مجموع، فتنه غربی نماد آشوب کور و خونین است که جامعه را در آستانه ظهور به نهایت بحران می رساند. این سه فتنه، تصویری از جهان اسلام در آستانه ظهور ارائه می کند؛ جهانی که به جنگ های داخلی، قتل رهبران، و آشوب های کور گرفتار است. چنین فضایی، ضرورت قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آشکار می سازد؛ قیامی که تنها راه پایان دادن به این چرخه ی خونریزی و آشوب خواهد بود.

این فصل نشان می دهد که در آستانه ظهور، کانون اصلی جنگ ها و خونریزی ها، به شرق و منطقه شام منتقل می شود. روایات از پناه بردن مردم به شام، فتح نظامی این سرزمین و سپس آغاز فتنه ها و جنگ های پی درپی خبر می دهند. در شرق، نزاع های شدید قدرت، جنگ میان مدعیان خلافت، و ظهور نیروهایی با خشونت و کشتاری بی سابقه تصویر می شود. این درگیری ها با نابودی حاکمان، قتل گسترده و فروپاشی امنیت همراه است. هم زمان، سه فتنه بزرگ در شام، شرق و غرب رخ می دهد که همگی ماهیتی خونین، ویرانگر و فرسایشی دارند. مجموع این روایات، جهانی را ترسیم می کنند که پیش از ظهور، با تمرکز جنگ ها، قتل های گسترده و

آشوب‌های نظامی فراگیر درگیر است و این وضعیت تا لحظه ظهور ادامه می‌یابد.

بخش سوم: نصرت اهل بیت و پرچم‌های سیاه مشرق

در این بخش، روایاتی بررسی می‌شوند که از نصرت الاهی اهل بیت علیهم‌السلام به وسیله سپاهی از مشرق سخن می‌گویند و حرکت پرچم‌های سیاه از مشرق و یا همان خراسان را به عنوان جریانی تعیین‌کننده در عبور از دوران ابتلا و ظلم و زمینه‌ساز دولت حق و قیام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف معرفی می‌کنند. این دسته از روایات، برخلاف بخش‌های پیشین که بر فتنه‌ها و آشوب‌ها تمرکز داشتند؛ بر خروج نیروهای مؤمن از شرق، نقش حیاتی مشرق در آماده‌سازی ظهور و فراهم‌سازی بستر حکومت جهانی امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف تأکید دارند. و بخش مذکور مجموعه‌ای از احادیث نبوی را در چند محور قابل بررسی ارائه می‌کند.

نخستین روایت، به اصل «نصرت الاهی» و نقش پرچم‌های سیاه مشرق، به عنوان نقطه آغاز تحول پس از دوره‌ای طولانی از بلا و مظلومیت اهل بیت اشاره می‌کند.

- «ذکر بلاء یلقاه اهل بیته حتی یبعث الله رایة من المشرق سوداء، من نصرها نصره الله، ومن خذها خذله الله، حتی یأتوا رجلاً اسمه کاسی، فیؤثونه أمرهم، فیؤیده الله و ینصره؛ پس از رنج‌ها و مصایب فراوانی که بر اهل بیت علیهم‌السلام وارد می‌شود، خداوند پرچمی سیاه از مشرق برمی‌انگیزد. این پرچم حامل معیارهای الاهی است. سرنوشت کسانی که این پرچم را یاری کنند، یا آن را خوار شمارند، توسط خداوند رقم خواهد خورد. این لشکر سرانجام به مردی می‌رسند که همانم پیامبر است و زمام امور را به دست می‌گیرد؛ خداوند او را تأیید و یاری می‌کند. این روایت نشان‌دهنده آن است که نصرت اهل بیت از سوی مشرق، نقطه آغاز انتقال قدرت از آشفتگی‌ها به سوی آمادگی برای ظهور نهایی خواهد بود.

در روایت بعد، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم با نگاهی کلان‌تر، مسیر تاریخی بلا، مقاومت و در نهایت

واگذاری امر حکومت به امام از اهل بیت را ترسیم می‌فرمایند:

روایت بعدی:

رسول خدا ﷺ فرمودند: «فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَتَظْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْصَرُّونَ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَّوْهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ» ما اهل بيتی هستيم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا برگزیده است و اهل بیت من پس از من، بلا و پراکندگی و رانده شدن را خواهند دید، تا زمانی که قومی از جانب مشرق بیایند؛ در حالی که پرچم‌های سیاه همراهشان است. آن‌ها حق را می‌طلبند، ولی به آن‌ها داده نمی‌شود. پس می‌جنگند و یاری می‌شوند. سپس آنچه را خواسته‌اند، به آن‌ها داده می‌شود، ولی نمی‌پذیرند [ممکن است منظور این باشد که خواسته اصلی‌شان که حق کامل است، با این مقدار برآورده نمی‌شود یا شرایط پذیرش سخت است]. تا این‌که آن [=امر حکومت و حق] را به مردی از اهل بیت من واگذار می‌کنند. پس او [=آن مرد از اهل بیت] آن [=زمین] را از عدل و قسط پر می‌کند، همان‌گونه که [دیگران] آن را از جور پر کرده بودند. پس هر کس از شما آن زمان را درک کند، باید به سوی آن‌ها [=آن گروه با پرچم‌های سیاه] برود؛ هرچند خزیده بر روی برف باشد.

در ادامه، تمرکز روایت‌ها از «مشرق به صورت کلی» به «خراسان» به عنوان کانون مشخص این حرکت انتقال می‌یابد.

پرچم‌های سیاه خراسان و پیوند با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السَّوَدَ خَرَجْتَ مِنْ قِبَلِ خِرَاسَانَ فَاتُوهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ؛^۱

۱. همان ص ۲۱۳؛ سید بن طاووس؛ الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۳۰.

۲. ابن حمّاد، الفتن، ج ۱، ص ۳۱۱، ح ۸۹۶.

هنگامی که پرچم‌های سیاه از خراسان خروج کردند، به سوی آنان بروید، حتی اگر با سختی و خزیدن بر روی یخ باشد؛ زیرا در میان آنان خلیفه خدا، مهدی، حضور دارد. این روایت صراحتاً پرچم‌های سیاه خراسان را به وجود مهدی موعود پیوند می‌زند و نشان می‌دهد که خراسان مرکز تجمع نیروهای مؤمن و آماده‌ای است که در پی تحقق وعده الاهی هستند.

در مرحله بعد، روایات به معرفی نقش اجتماعی و سیاسی مردمان مشرق در شکل‌گیری دولت حق می‌پردازند.

زمینه‌سازان ظهور و دولت حق در مشرق

إِذَا خَرَجَتِ الرِّايَاتُ السَّوْدُ فَاستَوْصُوا بِالْفَرَسِ خَيْرًا، فَإِنَّ دَوْلَتَنَا مَعَهُمْ؛ هنگامی که پرچم‌های سیاه آشکار شدند، درباره فارس نیکی روا دارید؛ زیرا حکومت ما با ایشان خواهد بود. یخرج نأش من المشرق، فیوْطُنون للمهدی^۲؛ مردمی از مشرق خروج می‌کنند تا مسیر را برای حکومت مهدی هموار سازند.

این روایات نشان می‌دهند که اهل مشرق نه تنها درگیر فتنه‌ها هستند، بلکه نقش اصلی در آماده‌سازی حکومت جهانی مهدی دارند. آنان با پرچم‌های سیاه خروج می‌کنند، می‌جنگند، پیروز می‌شوند و حکومت را به امام می‌سپارند.

در نهایت، روایت پایانی با ذکر نام اشخاص و مناطق، این جریان زمینه‌ساز را از حالت کلی خارج و به سطحی عینی و تاریخی نزدیک می‌کند:

یخرج رجل من وراء التَّهْرِ یقال له: الحارث بن حِزَّاث، علی مقدَّمته رجل یقال له: منصور، یوْطُن أو یَمَّکَن لآلِ مُحَمَّد کما مَکَّنت قَریش لرسول الله ﷺ، وجب علی کلِّ مؤمن نصره، أو قال: إجابته^۳؛ مردی از سرزمین پشت رود [وراء النهر] خروج می‌کند که او را حارث بن حراث می‌نامند. در پیشاپیش او

۱. ذهبی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ب ۳۴، ح ۴۰۸۸.

۳. ابو داود، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۴۲۹۰.

مردی است که منصور نامیده می‌شود. [این دو] زمینه را برای آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام آماده می‌کنند و اقتدار را برای آنان فراهم می‌سازند، همان‌گونه که قریش برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زمینه را فراهم ساخت. بر هر مؤمنی لازم است که او را یاری کند، یا فرمود: به او پاسخ دهد [=دعوتش را لبیک گوید].

ارتباط با روایات «یوطئون للمهدی» و سپاه مشرق

این روایت از سنن ابی داود، اشاره‌ای بسیار مهم به دوران ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى دارد. عبارت کلیدی «یوطن أو یمکن لآل محمد» (زمینه را برای آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آماده و اقتدار را برای آنان فراهم می‌کنند) به طور مستقیم با مفهوم «یوطئون للمهدی» (زمینه را برای ظهور سلطنت و حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فراهم می‌کنند) هم‌خوانی دارد. البته نسبت به روایت مذکور -یوطئون للمهدی- بحث سندی و دلالتی مفصلی انجام گرفته است و طبعاً موافقان و مخالفانی دارد.^۱

می‌توان این‌گونه برداشت کرد:

۱. نقش حارث بن حراث و منصور: این دو شخصیت، که از منطقه «وراء النهر» که می‌تواند مناطقی فراتر از آسیای مرکزی را شامل باشد؛ ظهور می‌کنند؛ نقش کلیدی در فراهم آوردن مقدمات حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى دارند. نام «منصور» نیز خود بشارت‌دهنده پیروزی است.

۲. تمهید حکومت: عمل «یوطن» یا «یمکن»، به معنای آماده‌سازی، تسهیل و ایجاد بسترهای لازم برای امری مهم است. در این‌جا، این عمل برای «آل محمد» که در رأس آن حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قرار دارند؛ صورت می‌گیرد. این آماده‌سازی می‌تواند ایجاد آمادگی‌های روحی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی در میان مؤمنان را شامل باشد.

۳. مقایسه با سیره قریش: تشبیه این نقش به نقش قریش در فراهم آوردن زمینه برای پیامبر

۱. ر.ک: سلیمیان: مقاله بررسی و نقد روایت یوطئون للمهدی ص ۲۳.

اسلام ﷺ هرچند که این فراهم سازی همراه با مخالفت ها و سختی ها بود؛ نشان می دهد که این نقش، نقشی محوری و تعیین کننده در استقرار حکومت الهی است.

۴. **وظیفه مؤمنان:** تأکید بر «وجب علی کل مؤمن نصره» (بر هر مؤمنی لازم است او را یاری کند) نشان می دهد که این بخشی از وظایف قطعی مؤمنان در زمان ظهور است و صرفاً نوعی گزینه نیست، بلکه تکلیفی الهی است.

۵. **ارتباط با سپاه مشرق:** با توجه به این که روایات متعددی به نقش سپاه مشرق در یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارند و این سپاه از سمت شرق [وراء النهر] حرکت می کند؛ بسیار محتمل است که همین لشکریانی که در این روایت از آن ها یاد شده (حارث بن حراث و منصور)، همان سپاه مشرق باشند که وظیفه «تمهید و تسهیل» حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر عهده دارند. این، بدان معناست که ظهور حضرت با کمک نیروهایی از شرق آغاز و زمینه برای سلطنت ایشان فراهم می شود.

بنابراین، این روایت را می توان به عنوان یکی از شواهدی در نظر گرفت که به چگونگی شکل گیری یاران و مقدمات ظهور اشاره دارد و نشان می دهد که پیش از استقرار کامل حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افرادی نقش مهمی در تمهید و تسهیل این امر ایفا خواهند کرد و این نقش آفرینی، از مشرق آغاز خواهد شد و قوم مشرق حکومت را به مهدی می سپارند: **حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سَوْدَاءٌ... فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْصَرُونَ... حَتَّى يَدْفَعُوها إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا...^۱؛ تا آن که قومی از مشرق با پرچم های سیاه بیایند... می جنگند و پیروز می شوند...** تا آن که حکومت را به مردی از اهل بیت من بسپارند که زمین را از عدل و داد پر می کند. این روایت تکمیل کننده دسته پنجم است؛ اهل مشرق نه تنها قیام می کنند و پیروز می شوند، بلکه حکومت را به مهدی می سپارند و زمینه ساز تحقق عدالت جهانی می شوند.

۱. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۶۱، ح ۴۰۸۲.

این دسته از روایات، نقش محوری مشرق را در آماده سازی ظهور نشان می دهد. پرچم های سیاه از مشرق و خراسان بر می خیزند؛ اهل مشرق نصرت اهل بیت را بر عهده می گیرند؛ با دشمنان می جنگند و پیروز می شوند، و در نهایت حکومت را به مهدی می سپارند. این روایات بیانگر آن است که مشرق، علاوه بر خاستگاه فتنه ها، خاستگاه نجات و زمینه سازی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم خواهد بود.

بخش چهارم: سفیانی

اگرچه سفیانی نیز از مشرق قیام می کند؛ به دلیل اهمیت و گستردگی روایات مربوط به او، یک فصل مستقل به بررسی خروج و جنگ های سفیانی اختصاص داده می شود. این روایات، تصویری روشن از خشونت، لشکرکشی ها و سرانجام فتنه سفیانی ارائه می کنند.

آغاز فتنه ها و خروج سفیانی

در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با هشدار نسبت به فتنه های گسترده پس از رحلت خود، از ظهور فتنه ای سرنوشت ساز در شام خبر می دهد که با عنوان «سفیانی» شناخته می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب فرمود: أحذركم سبع فتن تكون بعدی؛ فتنه تقبل من المدینة، و فتنه بمكة، و فتنه تقبل من الیمن، و فتنه تقبل من الشام، و فتنه تقبل من المشرق، و فتنه تقبل من المغرب، و فتنه من بطن الشام، و هی السفیانی؛ شما را از هفت فتنه پس از من برحذر می دارم؛ و یکی از آن ها فتنه ای از درون شام است که همان سفیانی است.

این روایت، جایگاه سفیانی را در میان فتنه های آخرالزمانی مشخص می کند. او فتنه ای ویژه از درون شام است که به عنوان یکی از بزرگ ترین آشوب ها شناخته می شود و نشان می دهد شام به کانون بحران بدل خواهد شد.

خشونت و جنایات سفیانی در شام، در حدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۶۶۳، ح ۳۴۹۲.

يُخرج رجل يقال له السفيفاني في عمق دمشق، و عامة من يتبعه من كلب، فيقتل حتى يبقّر بطون النساء، و يقتل الصبيان؛^۱ مردی به نام سفیانی از دمشق خروج می‌کند و بیش‌تر پیروانش از قبیله کلب خواهند بود. او زنان را شکم می‌درد و کودکان را می‌کشد. این روایت خشونت بی‌سابقه سفیانی را نشان می‌دهد؛ جنایاتی که نه تنها نظامی، بلکه اجتماعی و اخلاقی‌اند و جامعه را در وحشت فرو می‌برند و عمق فاجعه را آشکار می‌سازند.

لشکرکشی‌ها و کشتارهای گسترده، غارت و ویرانی

روایات با ترسیم لشکرکشی‌های هم‌زمان سفیانی به مشرق و حجاز، از کشتارهای بی‌سابقه و خشونت‌پرده برمی‌دارد که نشان‌دهنده ماهیت خون‌ریز و فراگیر فتنه اوست. در این گزارش، گستره ویرانی‌های سفیانی از کوفه و مدینه تا مسیر مکه ترسیم می‌شود؛ اما در نهایت با خسف لشکر او در بیداء، پایان الهی و قطعی این فتنه خونین به تصویر کشیده می‌شود: فینما هم كذلك إذ خرج عليهم السفيفاني من الوادي اليابس... فبيعت جيشين، جيشا إلى المشرق، و جيشا إلى المدينة... فيقتلون أكثر من ثلاثة آلاف، و يقرون بها أكثر من مائة امرأة^۲؛ در همان حال، سفیانی از وادی یابس خروج می‌کند و دو لشکر می‌فرستد؛ یکی به سوی مشرق و دیگری به مدینه. در بابل بیش از سه هزار نفر را می‌کشند و بیش از صد زن را شکم می‌درند.

این روایت نشان‌دهنده گستردگی جنایات سفیانی است. او هم به مشرق لشکر می‌فرستد و هم به مدینه، و کشتارهای وسیع و بی‌رحمانه‌ای انجام می‌دهد که ابعاد سیاسی و اجتماعی فتنه را برجسته می‌کند.

در جای دیگر رسول خدا ﷺ فرمودند:

۱. همان، ج ۴، ص ۵۶۵.

۲. سیوطی، الدر المنثور، ج ۱۲، ص ۲۴۰.

ثمَّ يَنحَدِرُونَ إِلَى الْكَوْفَةِ فَيُخْرِبُونَ مَا حَوْلَهَا... وَ يَخْلِي حَيْشَهُ التَّالِي بِالْمَدِينَةِ، فَيَنْتَهَبُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لِيَالِهَا، ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ جِبْرِئِيلَ... فَيُخَسِّفُ اللَّهُ بِهِمْ^۱؛ سَپِسْ بَه كُوفَه مِی رُوند و اطراف آن را ویران می کنند. لشکر دیگر در مدینه باقی می ماند و آن را سه روز و شب غارت می کند. سَپِسْ بَه سَوی مکه حرکت می کنند و در سرزمین بیداء، خداوند آنان را به وسیله جبرئیل به زمین فرو می برد.

این روایت نشان می دهد که جنایات سفیانی به شام محدود نیست، بلکه عراق، مدینه و حتی مسیر مکه را نیز در بر می گیرد؛ اما سرانجام لشکر او در بیداء نابود می شود و این شروعی ست بر زوال فتنه ای خونین .

سرانجام لشکر سفیانی

در این گزارش نبوی، با پناه بردن فردی به بیت الله و فرو رفتن لشکر مهاجم در بیداء، سرنوشت قطعی سپاه سفیانی و پایان حتمی حرکت نظامی او ترسیم می شود: یَعُوذُ عَائِدٌ بِالْبَيْتِ، فَيُبْعَثُ إِلَيْهِ جَيْشٌ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِبَيْدَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ خَسَفَ بِهِمْ^۲...؛ پیامبر ﷺ فرمود: مردی به خانه خدا پناه می برد؛ لشکری به سوی او فرستاده می شود و هنگامی که به بیداء می رسند، خداوند آنان را در زمین فرو می برد.»

این روایت پایان حرکت نظامی سفیانی را نشان می دهد. لشکر او در بیداء به امر الهی نابود می شود و این نقطه پایان فتنه عظیم اوست که زمینه را برای قیام مهدی ﷺ فراهم می سازد.

جمع بندی فصل قیام سفیانی

- خروج از شام و دمشق با حمایت قبیله کلب؛
- خشونت شدید و کشتار گسترده: قتل هزاران نفر، شکم دریدن زنان، قتل کودکان و

۱. همان.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۸.

بزرگان؛

- لشکرکشی به عراق، کوفه، مدینه و مکه، همراه با غارت و ویرانی؛

- خسف لشکر در بیداء، به عنوان شروع زوال حرکت نظامی او.

نتیجه‌گیری

بررسی روایات نبوی مرتبط با حوادث پیش از ظهور، نشان داد که جنگ‌ها و فتنه‌های این دوره در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، مجموعه‌ای پراکنده و منفصل از رخدادها نیستند، بلکه در سطحی کلان، مؤلفه‌هایی به هم پیوسته، از یک دوره فراگیر بحران را ترسیم می‌کنند. این بحران از گسترش هرج و مرج، افزایش کشتار و درگیری‌های درون اسلامی آغاز می‌شود و با استمرار فتنه‌های فرسایشی، تشدید ناامنی در عرصه اجتماعی و سیاسی و تمرکز درگیری‌ها در مناطقی همچون شام و مشرق، به مراحل حادثری می‌رسد. در این میان، روایات مربوط به سفیانی و لشکرکشی او به عراق، مدینه و مکه، و در نهایت خسف بیداء، تصویری از اوج‌گیری و سپس افول یک حرکت نظامی ویرانگر ارائه می‌کنند.

همچنین، دسته‌بندی موضوعی و جغرافیایی روایات، نشان می‌دهد که در کنار کانون‌های فتنه و نزاع، مشرق در بخشی از گزارش‌های نبوی جایگاهی متفاوت دارد و به عنوان خاستگاه نیروهایی مطرح می‌شود که در روند تحولات منتهی به حکومت اهل بیت نقش ایفا می‌کنند. با این حال، بر اساس شواهد بررسی شده، نمی‌توان همه گزارش‌های مربوط به مشرق، پرچم‌های سیاه و نیروهای یاری‌کننده را، بدون بررسی سندی و دلالتی مستقل، جریانی واحد و قطعی تلقی کرد. از این رو، پیوند میان این روایات باید در حدی مطرح شود که مجموعه شواهد حدیثی آن را پشتیبانی می‌کند.

برآیند این بررسی آن است که در منظومه روایات نبوی، ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه در بستری از تحولات گسترده اجتماعی، سیاسی و نظامی تصویر شده است؛ بستری که در آن، فروپاشی امنیت، کثرت نزاع و کشتار، گسترش فتنه و تشدید درگیری‌های منطقه‌ای به اوج می‌رسد و با

نابودی برخی جریان‌های ستمگر و فراهم شدن شرایط تحقق عدالت، به قیام مهدوی منتهی می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین یافته پژوهش، نه صرفاً شمارش جنگ‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور، بلکه کشف نوعی پیوستگی درونی میان این رخدادها و امکان بازسازی الگویی کلی از تحولات پیشاظهار بر پایه مجموعه روایات نبوی است.

بر این اساس، می‌توان گفت که روایات مورد بررسی، تصویری چندسطحی از دوره پیش از ظهور ارائه می‌کنند که در آن، بحران‌های درون جامعه اسلامی، منازعات منطقه‌ای و ظهور جریان‌های نظامی و سیاسی در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. با این همه، این تصویر باید با رعایت تفاوت درجات اعتبار سندی، دلالی و میزان صراحت هر روایت تفسیر و از تطبیق شتاب‌زده حوادث روایی بر وقایع تاریخی یا معاصر پرهیز شود. از این منظر، حاصل پژوهش را می‌توان ارائه چارچوبی منظم‌تر برای فهم روایی جنگ‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور دانست؛ چارچوبی که می‌تواند مبنای بررسی‌های دقیق‌تر حدیثی درباره نسبت این حوادث با نشانه‌های ظهور و روند شکل‌گیری حکومت مهدوی قرار گیرد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۵۹.
۲. ابن حمّاد، محمد بن احمد، **الفتن**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دارالقلم، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن حمّاد، نعيم بن حماد مروزی، **الفتن**، تحقیق: سمير أمين الزهيري، مكتبة التوحيد، ۲ جلد، نوبت اول، قاهره، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، **الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر** عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، منشورات الشريف الرضي، ۱ جلد، نوبت اول، قم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، **سنن ابن ماجه**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دارالفکر، ۲ جلد، بیروت، (بی تا).
۶. احمد بن حنبل، احمد بن محمد، **مسند احمد بن حنبل**، تحقیق: احمد محمد شاكر، دارالمعارف، ۱۵ جلد، نوبت اول، مصر، ۱۹۵۳م.
۷. بخاری، محمد بن إسماعیل، **صحیح البخاری**، دارإحياء التراث العربی، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: احمد شاكر، دارالفکر، ۵ جلد، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۹. _____، **تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا**، دارالکتب العلمیة، ۵ جلد، نوبت اول، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۰. خزاز، علی بن موسی، **کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر**، تحقیق: عبداللطیف حسنی کوهکمری، دارالکتب الإسلامية، ۱ جلد، نوبت اول، تهران، ۱۴۰۱ق.
۱۱. سجستانی، سلیمان بن الأشعث (ابوداود)، **سنن أبی داود**، تحقیق: محمد محیی الدین

- عبدالحمید، دارالفکر، ۴ جلد، بیروت، (بی تا).
۱۲. سلیمان، خدامراد، **للمهدی یوطنون؛ روایت، نقد و بررسی**، نشریه موعود انتظار (کلام و فلسفه)، شماره ۶۰، بهار ۱۳۹۷.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، دار هجر، ۱۲ جلد، نوبت اول، قاهره، ۱۴۲۴ق.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، **الأمالی**، تحقیق: مؤسسه البعثة، دارالثقافة، ۱ جلد، نوبت اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تحقیق: محمد الکاظم، دارالأضواء، ۱ جلد، نوبت اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)**، دار إحياء التراث العربی، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مسلم، محمد بن الحجاج القشیری النیسابوری، **صحیح مسلم**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، دار إحياء التراث العربی، ۴ جلد، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیة، ۱ جلد، نوبت دوم، تهران، ۱۳۹۷ق.

بازتبیین نقش تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت، با تأکید بر شیوه‌های هدایت و تربیت

مینا سادات حسینی خانقاهی^۱

چکیده

از منظر شیعه، امام معصوم به عنوان جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمامی وظایف پیامبر، به جز دریافت وحی را برعهده دارد. از جمله مهم‌ترین وظایف امام می‌توان به هدایت‌گری، مرجعیت علمی و تعلیم و تربیت معنوی جامعه اشاره کرد. امام معصوم در مقام انسان کامل، دارای نقش تکوینی در هدایت و رساندن مؤمنان به کمال است و نور هدایت او در قلوب مؤمنان جریان دارد. به عنوان سوال اساسی این نکته مطرح است که وظایف امام، بخصوص تربیت مؤمنان در عصر غیبت چگونه انجام می‌شود؟ در مقاله حاضر این مطلب تبیین شده است که در عصر غیبت، اگرچه امام به صورت ظاهری در دسترس نیست؛ حضور باطنی دارد و وظایف غیرظاهری او همچنان مستمر است. نقش تربیتی امام زمان در عصر غیبت را می‌توان در هدایت تکوینی و باطنی، هدایت مؤمنان در بستر ابتلائات الهی، هدایت از طریق نظام نیابت و واسطه، عنایات ویژه و تقویت فرهنگ انتظار فرج بررسی کرد. این مقاله بر اساس روش توصیفی-تحلیلی نگارش شده است.

واژه‌گاه کلیدی: مهدویت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تربیت، هدایت، عصر غیبت.

از دیدگاه شیعه وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان نوعی ضرورت نقلی و عقلی مطرح است. شیعه معتقد است که مسیر هدایت پس از پیامبر به دست امام معصوم است و از آن جا که جامعه و مردم همواره به هدایت نیاز دارند، همیشه به وجود امام معصوم نیاز می باشد.^۱ همچنین تنها فردی که برپاکننده عدالت واقعی می باشد، امام معصوم است. او با برخورداری از نَفَس پاک و همچنین علم الهی نسبت به مفساد و مصالح افراد و جامعه، شرایط لازم را برای ایجاد عدالت عمومی و واقعی دارا می باشد. همین مسئله به عنوان یکی از بشارت های زمان ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام نیز در روایات مطرح شده است.^۲

امام در دو ساحت هدایت تکوینی و هدایت تشریعی، به هدایت جامعه و افراد می پردازد و با تربیت افراد در رشد آن ها به سمت کمالات سعی و اهتمام می ورزد. امام معصوم در ابعاد مختلف فکری، اعتقادی، عملی، اخلاقی و اجتماعی به تربیت افراد جامعه می پردازد و نقش محوری و اساسی را در رسانیدن افراد به قله های کمال و تقوا ایفا می کند. البته نقش امام معصوم به این موارد محدود نمی شود، بلکه او با به نمایش گذاشتن نمونه انسان کامل، مردم را در مسیر صحیح تربیت می کند و هدایتگر معنوی و اخلاقی جامعه می باشد؛^۳ اما تلاقی این وظایف با عصر غیبت امام معصوم ممکن است سؤالاتی را ایجاد کند و این اندیشه شیعی را به چالش بکشد: چگونه امام می تواند نقش هدایت گری و تربیتی خود را ایفا کند، درحالی که از نظر ظاهری در جامعه و دسترس مردم حضور ندارد؟ چگونه با وجود این که امام از نظر ظاهری در جامعه غایب است، بر قلوب و عقائد امت تأثیر می گذارد؟ نقش تربیتی امام معصوم در عصر غیبت چگونه است و به چه صورت تربیت افراد و جامعه صورت می گیرد؟ در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش

۱. صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۹-۳۱.

۲. طوسی، الغیبه، ص ۷۹.

۳. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

توصیفی - تحلیلی، ضمن تبیین برخی وظایف امام، شیوه تربیتی امام معصوم در عصر غیبت مورد بررسی قرار بگیرد.

در خصوص غیبت امام زمان و وظایف امام، کتاب‌ها و مقالات مختلفی نگارش شده که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سید حسین حسینی و سیده آمنه حسینی (۱۴۰)، مقاله‌ای با عنوان «آثار تربیتی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» نگاشته‌اند. در این مقاله آثار تربیتی امام در دو عرصه آثار فردی و آثار اجتماعی بررسی شده است. در این مقاله برخی آثار فردی مانند خودسازی، به یاد امام بودن و ... و آثار اجتماعی مانند ظلم ستیزی، آماده جهادبودن و ... تبیین شده است.

۲. روح‌الله استیری، (۱۴۰۳)، با نگارش مقاله «هدایت معنوی امامت در کلام امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحقق آن در عصر غیبت»، به تبیین شئون امامت، به ویژه شأن هدایت معنوی و تزکیه نفوس پرداخته و تحقق آن را در عصر غیبت بررسی کرده است.

۳. زهره صادقی (۱۳۹۲)، مقاله‌ای با عنوان «فواید و آثار وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت» را به رشته تحریر درآورده و در آن به بررسی علل غیبت حضرت و همچنین فواید و آثار وجود حضرت در دوره غیبت پرداخته است.

هرچند تلاش این محققان شایسته و درخور سپاس است؛ مقاله پیش‌رو با بررسی وظایف امامت در دوران غیبت و شیوه‌های تربیت حضرت در دوران غیبت، این مطلب را تبیین می‌کند که وظایف امامت در دوران غیبت تعطیل نشده است، بلکه به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود. تفاوت این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها در تبیین چگونگی و شیوه نقش تربیتی امام عصر در زمان غیبت است.

جایگاه تربیتی امام در اندیشه شیعی

از دیدگاه شیعه، امام به عنوان خلیفه الهی و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و بعد از

رسول اکرم ﷺ تمامی وظایف پیامبر را بر عهده خواهد داشت. تنها تفاوتی که امام معصوم با پیامبر دارد، دریافت نکردن وحی تشریعی می‌باشد.^۱ از جمله وظایفی که امام معصوم همانند پیامبر عهده‌دار است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(الف) هدایت‌گری: امام معصوم به عنوان انسان کامل و خلیفه خداوند بر روی زمین، صفات خداوند را در خود تجلّی داده است. هرکاری که از خداوند متعال به صورت استقلالی برمی‌آید، از امام معصوم نیز به صورت تبعی برمی‌آید؛ چنان‌که از عبارت «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ» در دعای رجبیه، این مطلب به خوبی استنباط می‌شود.^۲ یکی از این صفات امام، هادی بودن امام معصوم می‌باشد. قرآن کریم همواره ذکر امامت را با وصف هدایت‌گری همراه ساخته است و از امام به عنوان شخصی یاد شده که هادی است. خداوند در مورد ذریّه حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»^۳؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش‌کنندگان ما بودند.» اگر چه هدایت، به دو معنای ارائه طریق و ایصال به مطلوب می‌باشد؛^۴ در این آیات، مراد از هدایت، ایصال به مطلوب است. هدایت به معنای ارائه طریق از شئون نبوت است و همچنین تمامی مؤمنان می‌توانند به وسیله موعظه و ... این نوع هدایت را انجام بدهند. لذا چنین وصفی نمی‌تواند به عنوان صفت ممتاز و خاص امام معصوم باشد.^۵ بر این اساس، می‌توان گفت هدایت و رساندن مؤمنان به مقصد و کمالات از ویژگی‌های

۱. سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ص ۱۶۶.

۲. سید بن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۳، ۲۱۴.

۳. انبیاء: ۷۳.

۴. حلی، منهاج الکرامه فی معرفه الامامه، ص ۳۱۸.

۵. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۲.

امام معصوم است. در روایات متعددی نیز به این مسئله اشاره شده که نور امام در قلوب مؤمنان قرار دارد و قلب آنان را نورانی می‌کند.^۱ در حقیقت این هدایت به برخی از انسان‌ها مربوط می‌باشد که زمینه پذیرش آن را در خود ایجاد کرده باشند.

ب) مرجعیت علمی و تعلیم: قرآن کریم یکی از وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تبیین دین و معارف قرآن کریم عنوان می‌کند. خداوند در سوره نحل می‌فرماید: ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۲؛ و قرآن را هم به سوی تو نازل کردیم، به خاطر این که برای مردم، آنچه را برای هدایتشان به سویشان نازل شده است، بیان کنی و برای این که [در پیامبری تو و آنچه را به حق نازل شده] بیندیشند. در حقیقت یکی از وظایف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پاسخ به نیازهای علمی و مسائل پیش آمده در جامعه می‌باشد. با توجه به این که این نیاز در زمان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مطرح بوده است و مسائل جدیدی برای جامعه اسلامی و مسلمانان رخ می‌داد؛ این سوال مطرح می‌شود که مرجعیت علمی و تعلیم جامعه برعهده چه کسی است؟ آیا خداوند بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی را به عنوان مرجع علمی و معلّم معارف و مسائل دین انتخاب نکرده؛ یا این که در زمان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز این مسئولیت بر عهده افرادی بوده است؟ با توجه به حکمت خداوند متعال نمی‌توان قبول کرد که بعد از زمان پیامبر، شخصی به عنوان مرجع دینی و علمی از طرف خداوند انتخاب نشده باشد؛ چرا که در این صورت، جامعه از لحاظ یادگیری معارف الهی و احکام مرتبط با مسائل پیش آمده، به مشکل دچار می‌شود.^۳ بر همین اساس، اهل بیت علیهم السلام همواره خود را به عنوان مراجع دینی و مفسّران قرآن کریم به مردم معرفی می‌کردند.^۴ بنابراین، یکی از وظایف امامان معصوم مرجعیت علمی و تعلیم جامعه است.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۶.

۲. نحل: ۴۴.

۳. سبحانی، محاضرات فی الالهیات، ص ۳۲۲.

۴. بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۲۳-۴۲۹.

ج) تزکیه: در آیات قرآن، یکی از وظایف پیامبر عنوان معرفی شده است.^۱ اهل بیت نیز که جانشینان حضرت هستند، چنین وظیفه‌ای دارند. آنان با سیره عملی و یا در گفتار خود در تزکیه افراد می‌کوشیدند تا استعداد انسان‌ها در راه رسیدن به قرب الهی شکوفا شود. قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان الگو و اسوه مسلمانان معرفی و آنان را به الگوگیری از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده است.^۲ اهل بیت علیهم السلام از راه‌های مختلفی در راه تزکیه افراد می‌کوشیدند. گاهی تزکیه افراد جامعه در سایه حکومت اسلامی و وضع قوانین اسلامی اتفاق می‌افتاد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایجاد حکومت اسلامی و اجرای قوانین اسلام، در برقراری عدالت عمومی و رشد جامعه سعی و اهتمام داشتند. ایشان با ارج نهادن به قوانین اسلامی در ایجاد یک فرهنگ عمومی و نظم عمومی تلاش داشتند. در مورد اجرای حدود و قوانین الهی ایشان فرمودند: «حَدُّ يَقَامُ فِي الْأَرْضِ أَزْكَى مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ بر پا شدن يك حد [الهی] در روی زمین، از عبادت شصت سال پاکیزه تر است.»^۳ تزکیه گاهی به وسیله معارف الهی و انتقال آن‌ها در قالب دعا و ادعیه رخ می‌داد؛ چنان‌که امام سجاد علیه السلام از این شیوه استفاده می‌کردند. همچنین در برخی زمان‌ها معصومان علیهم السلام با پرورش اصحاب خود و انتقال اسرار به آنان و معرفی آن‌ها به عنوان صاحب سر خود، به تزکیه این افراد می‌پرداختند. از این افراد می‌توان به کمیل بن زیاد نخعی اشاره کرد که صاحب اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام بودند.^۴ گاه نیز ائمه با دستگیری باطنی و هدایت تکوینی افراد، در زمینه هدایت و تزکیه آنان می‌کوشیدند. داستان بشر حافی و هدایت او توسط امام کاظم علیه السلام نمونه‌ای از این نوع تربیت است.^۵

۱. بقره: ۱۲۹.

۲. احزاب: ۲۱.

۳. نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۸، ص ۹.

۴. شوشتری، مجالس المومنین، ج ۲، ص ۱۱.

۵. حلی، منهاج الکرامه فی معرفه الامامه، ص ۵۹.

اما تربیت مؤمنان در عصر غیبت امام معصوم چگونه اتفاق می‌افتد؟ با توجه به این‌که مؤمنان در عصر غیبت از دیدن امام معصوم محروم هستند، آیا این وظیفه امام در عصر غیبت ترک می‌شود و یا این‌که به طریقی دیگر انجام می‌شود؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال باید به بررسی مسئله تربیت توسط امام معصوم پرداخت. در ادامه، این مطلب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تربیت و هدایت از دیدگاه اسلام

واژه «تربیت» مصدر ثلاثی مزید از ریشه «ربو» به معنای «افزایش و زیاده» است.^۱ کلمه «تربیت» مصدر باب تفعیل است که به دلیل معتل ناقص بودن، بر وزن «تفعلة» آمده است؛ مانند تصلیه و تزکیه.^۲ بنابراین، واژه «تربیت» از منظر شامل هرگونه افزایش و زیادتی را شامل می‌شود؛ چه از جنبه مادی باشد و چه از جنبه معنوی.

«تربیت» در اصطلاح برای رشد معنوی و روحی به کار می‌رود. شهید مطهری در مورد اصطلاح تربیت می‌گوید: «تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌یی را که بالقوه در يك شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیر جاندار به کار برده‌ایم، نه این‌که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم؛ یعنی يك سنگ و یا يك فلز را نمی‌شود پرورش داد؛ آن‌طور که يك گیاه یا يك حیوان و یا يك انسان را پرورش می‌دهند. این پرورش دادن‌ها به معنای شکوفاکردن استعدادهای درونی آن موجودها است که فقط در مورد موجودهای زنده صادق است.»^۳

بنابراین، منظور از تربیت در این مقاله بیش‌تر به همین معنا و جنبه معنوی و کمالی انسان ناظر می‌باشد.

۱. زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، ص ۴۴۳.

۲. طباطبایی، سرف صاده، ص ۱۷۱.

۳. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۲، ص ۷۱۵.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، هدف نهایی تربیت همان تحقق هدایت الاهی در وجود انسان است. انبیا و اولیای الاهی تنها مأمور ابلاغ پیام نبوده‌اند، بلکه وظیفه تربیت و تزکیه انسان‌ها را نیز بر عهده داشته‌اند؛ چنان‌که قرآن درباره رسالت پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^۱. بنابراین، می‌توان گفت هدایت سمت و سو مقصد حرکت انسان را مشخص و تربیت زمینه تحقق عملی این هدایت را در شخصیت فرد فراهم می‌کند؛ از همین رو، تربیت در اندیشه اسلامی تجلی عینی و تدریجی هدایت الاهی در زندگی انسان است. امامان معصوم ﷺ هم که جانشین خداوند هستند، به همین ترتیب عمل کرده و با هدایت افراد، آنان را تربیت می‌کنند. هدایت الاهی و بالتبع هدایت اهل بیت ﷺ به دو صورت تشریعی و تکوینی صورت می‌پذیرد.^۲ برای تبیین بیش‌تر این مسئله باید این دو اصطلاح را به اختصار شرح داد:

الف) هدایت تشریعی: هدایت تشریعی، همان راهنمایی و ارائه طریق است. خداوند با بیان حلال و حرام و تشریع قوانین، راه رسیدن به سعادت را نشان می‌دهد. در این نوع هدایت، بندگان می‌توانند با اختیار خود این راه را طی کنند و یا نسبت به آن کفران بورزند. آیاتی مانند «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۳؛ ما راه را به او نشان دادیم یا سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس.» به این نوع از هدایت ناظر است.

ب) هدایت تکوینی: هدایت تکوینی، به معنای اعطای ابزارهای رسیدن به کمال و رساندن به مقصود می‌باشد. در این نوع هدایت، اختیاری برای افراد وجود ندارد و در برابر آن، کسی نمی‌تواند گمراه شود. البته این نوع هدایت دارای مراتبی است که از آن به «هدایت تکوینی اولیه» و «هدایت تکوینی پاداشی» یاد می‌شود. آیاتی مانند «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ

۱. جمعه: ۲.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۶۷.

۳. انسان: ۳.

هَدَى: ^۱ گفت: پروردگار ما کسی است که به هر موجودی، آفرینش [ویژه] او را [آن گونه که سزاوارش بود] به وی عطا کرده است؛ سپس هدایت کرد: ^۲ «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ» و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می‌کند. به این نوع از هدایت ناظر است.^۳

امام معصوم علیه السلام نیز به عنوان خلیفه الهی در روی زمین، افراد را به دو صورت هدایت می‌کند: هدایت تشریعی و هدایت تکوینی.^۴ بنابراین، می‌توان گفت تربیت امامان نیز به دو صورت انجام می‌گیرد: تربیت ظاهری و تربیت باطنی.

غیبت امام معصوم و تربیت امت

یکی از سوالات و چالش‌هایی که در بحث امامت مطرح است، این که اگر امام معصوم غایب باشد، آیا وظایف امام تعطیل می‌شود؟ در دوره غیبت که امام معصوم غایب است، به چه شیوه‌ای این وظایف انجام می‌شود؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا باید توجه کرد که غیبت امام به چه معناست. آیا وقتی گفته می‌شود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب هستند، به معنای «نبود» ایشان در جامعه است، یا این که معنای دیگری دارد؟

امیرالمؤمنین علیه السلام در بخشی از سخنان خود به کمیل بن زیاد این گونه می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ حُجَّةٍ إِمَامًا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَإِمَامًا خَائِفًا مَغْمُورًا، لِيَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ؛^۵ آری، زمین هیچگاه از حجت قائم خداوند خالی نمی‌ماند؛ خواه آشکار و مشهور باشد، یا ترسان و پنهان از دیده‌ها، تا حجت‌ها و نشانه‌های روشن دین

۱. طه: ۵۰.

۲. تغابن: ۱۱.

۳. جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶، ص ۴۷-۵۰.

۴. طباطبائی، شیعه در اسلام، ص ۱۶۳.

۵. شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۴۹۷.

خدا از میان نرود.»

با توجه به این سخن و همچنین روایات فراوانی که با این مضمون در آثار حدیثی موجود است، مشخص می‌شود که همواره امام معصوم بر روی زمین وجود دارد.^۱ بنابراین، غیبت امام معصوم به معنای «نبود» ایشان نمی‌باشد.

امام زمان با وجود این که غایب هستند؛ همواره در جامعه حضور دارند. امام علی (ع) در مورد زمان غیبت می‌فرماید:

«فَوَرَبِّ عَلِيٍّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ مَّاشِيَةٌ فِي طَرَفِهَا دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَفُصُورُهَا جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَلَا تُرَى إِلَى الْوَقْتِ وَالْوَعْدِ؛^۲ به پروردگار علی سوگند که همان وقت حجت امت بر پا است و در کوچه هایش رفت و آمد می‌کند و به خانه‌ها و کاخ‌های داخل می‌شود و در خاور و باختر به گردش است. سخن مردم را می‌شنود و بر جماعتشان سلام می‌کند. می‌بیند و دیده نمی‌شود تا وقت و وعده اش فرا رسد.»

بنابراین، می‌توان گفت که امام زمان در عصر غیبت ظهور ندارند؛ اما حضور دارند. در این زمان، دسترسی مردم به امام عصر به سادگی نیست و امام به‌طور ناآشنا در بین افراد جامعه زندگی می‌کنند.

با توجه به این مسئله می‌توان گفت، آن دسته از وظایف امام معصوم که به حضور امام در جامعه و ارتباط مستقیم مردم با ایشان نیاز دارد، در زمان غیبت توسط خود امام معصوم انجام نمی‌شود؛ اما آن دسته از وظایف امام که به حضور مستقیم و آشکار امام در جامعه نیاز ندارد، در زمان غیبت هم توسط خود امام معصوم انجام می‌پذیرد.

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۷۴.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۴.

از جمله وظایفی که در دوره غیبت، از عهده امام معصوم برداشته شده، مسئله «خلافت ظاهری» است. در توقیع شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در جواب اسحاق بن یعقوب صادر شده، این گونه آمده است:

«وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ؛^۱ و اما درباره مسائلی که پیش می آید پس در آن ها به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشانم.»

بنابراین، مشخص می شود که وظیفه تشکیل حکومت و ولایت ظاهری در دوره غیبت بر عهده امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نمی باشد. همچنین نیاز تشکیل حکومت به حضور فیزیکی و آشکار شخص حاکم نیز از دیگر دلایل این مطلب می باشد.

از دیگر وظایفی که در دوره غیبت از عهده امام معصوم برداشته شده، مسئله «مرجعیت علمی و تبیین معارف و آیات قرآن» می باشد که این امر نیز با توجه به آشکار نبودن امام در جامعه و عدم امکان دسترسی آسان به ایشان به دست می آید. این وظیفه در دوران غیبت بر عهده نایبان عام امام معصوم و علمای دین قرار داده شده است.

اما براساس آنچه در معنای غیبت گفته شد، در دوره غیبت امام در جامعه حضور دارد و برخی از وظایف امامت در دوره غیبت نیز جاری است؛ وظایفی مانند هدایت باطنی (تکوینی)^۲، واسطه فیض بودن^۳، پاسداری از دین و حمایت از شیعیان^۴ در دوره غیبت نیز جاری است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این وظایف را عهده دار هستند. همان طور که گفته شد، تربیت معصومان در قالب هدایت انجام می شود و می توان از نقش تربیتی معصومان به نقش هدایتی نیز تعبیر کرد.

۱. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

بنابراین، می‌توان گفت نقش تربیتی امام معصوم نیز در دوره غیبت پابرجا است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با شیوه‌های مختلف به تربیت افراد و جامعه می‌پردازند. در ادامه به بررسی این نقش و شیوه‌های آن در دوره غیبت پرداخته می‌شود.

شیوه‌های تربیتی امام در عصر غیبت

در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به رغم این که ارتباط ظاهری و مستقیم شیعیان با حضرت قطع شده است؛ امام همچنان نقش مؤثر و فعال خود را انجام داده و وظایفی را که اشاره شد، عهده‌دار هستند. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند دیگر ائمه علیهم السلام، نقش تربیتی و هدایت‌گری را نسبت به شیعیان عهده‌دار بوده و با شیوه‌های خاصی که متناسب با دوره غیبت است، به تربیت افراد و جامعه می‌پردازند. برخی از شیوه‌های تربیتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره غیبت عبارتند از:

الف) هدایت تکوینی و باطنی؛ جلوه‌ای از استمرار هدایت امام

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ولایت باطنی هستند و این ولایت، با آشکار بودن یا غایب بودن ایشان ارتباطی ندارد. امام معصوم به عنوان واسطه فیض الهی، سبب متصل بین خداوند متعال و مخلوقات می‌باشد و اگر یک لحظه این وساطت از بین برود، نظام عالم مختل می‌شود.^۱ بر همین اساس، آن حضرت، ولایت تکوینی نسبت به عالم دارند و توسط همین ولایت به هدایت تکوینی افراد می‌پردازند.

همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، این نوع هدایت، به معنای دست‌گیری و رساندن افراد به کمال می‌باشد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ولایت تکوینی خود در نفوس و جان افراد تصرف می‌کنند و آنان را به کمالات مختلف می‌رسانند. هنگامی که ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر آیه ﴿فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أُنْزِلَنَا﴾^۲ می‌پرسد؛ امام چنین پاسخ می‌دهد:

۱. ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۱، ص ۵۰۹.

۲. تغابن: ۸.

«ای اباخالد! به خدا سوگند که مقصود از نور، امامان آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشند تا روز قیامت.

به خدا که ایشانند همان نور خدا که فرو فرستاده؛ به خدا که ایشانند نور خدا در آسمان‌ها و زمین. به خدا ای اباخالد! نور امام در دل مؤمنان از نور خورشید تابان در روز، روشن‌تر است. به خدا که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام، دل‌های مؤمنان را منور می‌سازند و خدا از هر کس خواهد نور ایشان را پنهان می‌دارد. پس دل آن‌ها تاریک می‌گردد. به خدا ای اباخالد! بنده‌ای ما را دوست ندارد و از ما پیروی نکند، مگر این که خدا قلبش را پاکیزه کرده باشد و خدا قلب بنده‌ای را پاکیزه نکند مگر این که با ما خالص شده و آشتی کرده باشد و چون با ما سازش کرد، خدا از حساب سخت نگاهش می‌دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنش می‌سازد.»^۱

این نور، همان هدایت تکوینی است که امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَحْقِيقَهُ به وسیله آن بندگان شایسته خداوند را تربیت می‌کند و آنان را به کمالات الهی می‌رساند. البته باید توجه کرد که این نوع از تربیت و هدایت، به زمینه نیاز دارد و شامل همه افراد نمی‌شود. این نوع از تربیت، پاداشی ویژه است که بر اثر فراهم کردن زمینه آن توسط خود افراد، شامل حال آنان می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ»^۲؛ و هر کس به خدا ایمان بیاورد، خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می‌کند. در این جا خداوند ایمان را شرط هدایت قرار داده است؛ یعنی اگر افراد می‌خواهند از این هدایت بهره‌مند شوند، باید از قبل تلاش کنند و ایمان بیاورند تا خداوند نیز در پاداش به آنان هدایت دیگری را نصیب کند.

آیت‌الله جوادی آملی در زمینه با این نوع از هدایت می‌فرماید: «خدای سبحان هدایت اهل سلوک و عمل را افزایش می‌دهد که با آن، پیمودن بقیه راه آسان می‌شود و ممکن است به صورت کشش و جذبه‌ای ظهور کند که گاهی انسان آن را در درون خود می‌یابد و چنین گرایشی او را به کار نیک وای می‌دارد..... برخی از مراحل این هدایت تکوینی، شهود اسرار و حقایقی است که

۱. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. تغابن: ۱۱.

باریافتگان به پایگاه رفیع شهود ملکوت از آن بهره‌مند می‌شوند؛ خود را در برابر گناه ایمنی بخشیده‌اند. قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، رموز این حقایق را آشکار ساخته، معرفت آن را به انسان‌ها ارزانی می‌دارد؛ مثلاً در مورد خوراک اهل جهنم می‌فرماید: «فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ * وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينَ * لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ»^۲؛ اولیای الهی درون گناه را در این دنیا این‌گونه می‌بینند و از آن گریزانند و هرگز به آن دست نمی‌آیند.^۳

در عصر غیبت، هدایت‌تکوینی و تربیت‌نفوس مؤمنان از راه‌های مختلفی اتفاق می‌افتد. امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌وآخروجه‌الموت گاهی از طریق الهام، گاهی از طریق رؤیای صادقه و گاه به صورت ناشناس، نفوس مؤمنان را تربیت و هدایت می‌کند. داستان معروف کمک امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌وآخروجه‌الموت به شیخ مفید در اصلاح فتوایی که داده بودند، نمونه‌ای از این هدایت و دست‌گیری می‌باشد.^۴

ب) نقش تربیتی امام در بستر امتحان و ابتلائات الهی

هرچند حضور امام معصوم و دسترسی آسان به ایشان بر تربیت افراد تأثیر زیادی دارد؛ غیبت ایشان و دسترسی نداشتن آسان به آن حضرت، می‌تواند در بستر امتحانات و ابتلائات الهی، زمینه‌ای مؤثر برای تربیت مؤمنان حقیقی باشد. غیبت امام، خود به عنوان میدان تربیتی و عامل رشد، می‌تواند باعث تربیت و رشد بیش‌تر افراد بشود. در دوره حضور امام در جامعه، مردم با دیدن ایشان و معجزات و کرامات آن حضرت به او ایمان می‌آورند؛ اما در زمان غیبت، مومنان باید با شناخت عقلانی و قلبی و معرفت درونی ایمان بیاورند. این مسئله، خود تقویت‌کننده «ایمان به غیب در مومنان» خواهد بود؛ ویژگی‌یی که خداوند آن را به عنوان اولین صفت اهل تقوا معرفی می‌کند: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ

۱. لذا امروز در اینجا یار مهربانی ندارد. و نه طعامی جز از چرک و خون. غذائی که جز خطاکاران آن را نمی‌خورند. (الحاقه: ۶۹، آیات ۳۵ الی ۳۷).

۲. الحاقه: ۳۵-۳۷.

۳. جواد آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۱۶، ص ۴۹-۵۵.

۴. معلم، برکات حضرت ولی عصر، ص ۲۱۶.

همچنین دوره غیبت، دوره تمرین انتظار و آمادگی برای مؤمنان است و این مسئله، خود بر رشد و تربیت نفوس افراد تاثیرگذار است. این دوره با توجه به شباهات و سختی‌هایی که دارد، دوره امتحان و غربال افراد بوده و مؤمنان حقیقی از مؤمنان غیرحقیقی جدا می‌شوند. در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است: «وَاللّٰهُ لَتُمَحِّصَنَّ، وَاللّٰهُ لَتُمَيِّزَنَّ، وَاللّٰهُ لَتُعَرِّبَنَّ حَتّٰى لَا يَبْقَىٰ مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ...»^۲ به خدا قسم که در بوته آزمایش گداخته می‌شوید؛ به خدا قسم که از یکدیگر متمایز می‌شوید؛ به خدا قسم که غربال می‌شوید؛ چندان که از شما جز اندک‌ترین شمار باقی نماند. بنابراین، امتحان و ابتلا در زمان غیبت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف)، به عنوان یکی از سنت‌های الهی، می‌تواند میدان مهمی برای تربیت و رشد نفوس مؤمنان باشد و نقش امام در این عرصه، هدایت و تقویت مؤمنان در مواجهه با این ابتلائات است.

ج) نقش نیابت و واسطه‌های دینی در هدایت و تربیت جامعه شیعی

یکی دیگر از سازکارهای استمرار هدایت امام عصر (عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف) در عصر غیبت، ارجاع شیعیان به فقها و علمای دین است. این روش که در دوره غیبت صغرا نیز جریان داشت، با اعتباردادن به فقها و علمای دین و ارجاع مردم به آنان صورت پذیرفت.

امام در دوره غیبت صغرا، افراد مشخصی را به عنوان «نایب خاص» خود انتخاب و به مردم معرفی کردند.^۳ همچنین برای دوره غیبت کبرا به طور عمومی مردم را به فقها و علمای دین‌شناس ارجاع داده و آنان را به عنوان حجت خود بر مردم معرفی کردند.^۴ این روش از تربیت توسط امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌و فرجه‌الشریف)، ابزار پرورش علمی، دینی و اجتماعی جامعه شیعه به شمار می‌آید و در

۱. بقره: ۲ و ۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۱۶.

۳. کشی، رجال، ص ۵۸۰.

۴. طبرسی، الاحتجاج علی اهل الجاج، ج ۲، ۲۴۷۰.

رشد جمعی و اجتماعی شیعه، به عنوان یک اجتماع بسیار مهم و تاثیرگذار بوده است. در این روش، افراد جامعه شیعی در مسیر اجتهاد، تعقل و مسئولیت‌پذیری رشد کرده و به جای وابستگی مستقیم به منبع اصلی فهم دین، خود در جریان حیات دینی و تعقل دینی قرار گرفتند. علاوه بر آن، با اعتبار بخشی به علمای دین و فقها، نوعی نظم اجتماعی و رشد جمعی در بین شیعیان شکل گرفت. این ساختار اجتماعی و علمی، آثار فراوانی داشت، از جمله مقابله با انحرافات و بدعت‌ها، تربیت نخبگان دینی، نظم اجتماعی شیعیان. بنابراین، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ارجاع مردم به علمای دین و فقها در زمان غیبت، علاوه بر حل مشکلات علمی مومنان و رفع شبهات آنان، زمینه رشد و تربیت اجتماعی جامعه شیعی را ایجاد کردند.

د) تربیت از طریق عنايات ویژه

یکی دیگر از جلوه‌های مورد گزارش از نقش هدایتگر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، عنايات ویژه به برخی از مؤمنان است. این روش، گرچه عمومی نیست و تنها شامل حال برخی از خواص شیعیان می‌شود؛ در تربیت مؤمنان حقیقی نقش برجسته‌ای دارد. هرچند نمی‌توان ادعای عنایت ویژه توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از هر شخصی قبول کرد؛ در طول تاریخ غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مواردی وجود دارد که با توجه به قرائن و شواهد، می‌توان به درستی و صحت آن اعتماد کرد. در ادامه دو مورد از این عنايات ویژه بیان می‌شود:

الف. علامه سید مهدی بحرالعلوم، از جمله شخصیت‌هایی بود که عشق و ارادت واقعی نسبت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در وجودش موج می‌زد و همواره به آن حضرت توسل می‌جست. در دوران تحصیل، با میرزای قمی هم درس بودند. میرزا نقل می‌کند: چون استعداد ایشان در آن زمان چندان برجسته نبود، معمولاً من مطالب درسی را برای او توضیح می‌دادم. سال‌ها بعد که به ایران بازگشتم و پس از مدتی توفیق زیارت عتبات عالیات نصیبم شد؛ سید بحرالعلوم را دیدم که آوازه علمی‌اش بسیار گسترده شده بود. وقتی با او ملاقات کردم، با عالمی روبه‌رو شدم که

گویی دریایی خروشان از دانش در وجودش جریان دارد. از سرّ این دگرگونی از وی پرسیدم؛ او در خلوت چنین روایت کرد: شبی به مسجد کوفه رفته بودم و حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را در حال عبادت دیدم؛ ایستادم و سلام دادم. پاسخ مرا با لطف دادند و فرمودند که جلوتر بیایم؛ کمی پیش رفتم اما از سر ادب ایستادم. بار دیگر امر کردند که نزدیک تر شوم؛ باز چند گامی برداشتم؛ سپس آن حضرت، آغوش خود را با مهربانی گشود و مرا در برگرفت و به سینه مبارکشان چسبانده. در همان لحظه، آنچه را خداوند می خواست در قلب و جانم جای گیرد، در آن دیدار به من عطا شد.^۱

ب. مرحوم مقدّس اردبیلی از بزرگان برجسته شیعه بود. شاگردش، سید میرعلّام تفرشی این مطلب را از او نقل کرده است: شبی در تاریکی شب، استادم را دیدم که به طرف حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام حرکت کرد. درب حرم به طور غیرعادی برای ایشان گشوده و ایشان داخل شد. من از دور، صدای گفت و گویی را شنیدم؛ هرچند جزئیات آن را نمی فهمیدم. پس از مدتی، استاد از حرم خارج و راهی مسجد کوفه شد. من نیز بی صدا دنبال ایشان رفتم. ایشان وارد محراب مسجد شد و باز هم صدایی از گفت و گویی مبهم به گوشم رسید. وقتی استاد در مسیر بازگشت به نجف قرار گرفت، متوجه حضور من شد. من ایشان را به حق حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قسم دادم که حقیقت ماجرا را بیان کند. ایشان پس از گرفتن عهد از من که تا پایان عمر ایشان، این راز را نزد کسی فاش نکنم، فرمود: چند مسئله دشوار و پیچیده ذهنم را مشغول کرده بود و در یافتن پاسخ آن ها ناتوان مانده بودم؛ به همین دلیل، به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام متوسل شدم. ایشان مرا به فرزندشان، حضرت حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف که امام زمان ماست، ارجاع دادند و فرمودند که ایشان اکنون در مسجد کوفه حضور دارند. به آن جا رفتم، پاسخ سؤالاتم را دریافت کردم، و اکنون به نجف بازمی گردم.^۲

۱. نوری، النجم الثاقب، ص ۴۷۳.

۲. همان، ص ۴۵۴.

بر همین اساس، می‌توان گفت یکی دیگر از روش‌های تربیتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، عنایات ویژه به برخی از مؤمنان است. البته همان‌طور که گفته شد، این نوع از تربیت عمومی نبوده و فقط برخی از مؤمنان برجسته را شامل می‌شود.

انتظار فرج و کارکرد تربیتی آن در عصر غیبت

شیعه به وجود امامی موعود معتقد است که روزی خواهد آمد. بر همین اساس، معصومان علیهم السلام از همان ابتدا، شیعه را به انتظار فرج امام موعود تشویق کرده و آن را افضل اعمال دانسته‌اند: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمِّي أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.^۱ انتظار، صرفاً نوعی حالت روحی نیست؛ بلکه سازکار تربیتی فعال در عصر غیبت است که در پرتو آموزه‌ها و هدایت‌های مهدوی، موجب خودسازی و اصلاحگری اجتماعی می‌شود. نقش تربیتی «انتظار فرج» در زمان غیبت از سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از دو ناحیه قابل بررسی است: ۱. خودسازی فردی؛ ۲. اصلاح‌گری اجتماعی.

خودسازی فردی، از روش‌های تربیتی اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت است. این خودسازی فردی، هم از حیث اعتقادی است و هم از حیث رفتاری. ایمان به وجود موعود و انتظار فرج آن، برخاسته از اعتقادی راسخ است. در روایتی از امام صادق علیه السلام، نزدیک‌ترین حالت بنده به خدای متعال و چیزی که خدا را بیش‌تر از هر چیز دیگری راضی می‌کند؛ انتظار فرج در صبح و شام است؛ چرا که شخص منتظر معتقد است با وجودی که حجت خدا غایب است و جای ایشان معلوم نیست؛ حجت خدا باطل‌پذیر نیست و میثاق با او همچنان برقرار است.^۲ پس، انتظار فرج از حیث اعتقادی، این اثر تربیتی را دارد. از حیث رفتاری نیز در روایت علاوه بر انتظار فرج، به ورع و حسن خلق توصیه شده است. امام صادق علیه السلام در حدیثی، ضمن توصیه شیعیان

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۴.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۳.

به انتظار فرج حجت خدا، ایشان را به ورع و حسن خلق توصیه کردند: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ؛^۱ هرکس دوست دارد از یاران حضرت قائم باشد، باید انتظار داشته باشد و در همین حالت انتظار، به ورع و حسن خلق رفتار کند.» در کنار هم قراردادن انتظار فرج و توصیه به ورع و حسن خلق، نشان می‌دهد که انتظار فرج حضرت مهدی، بر تربیت افراد در زمان غیبت نقش موثری دارد.

یکی دیگر از جنبه‌های تربیتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت از راه انتظار فرج، اصلاح‌گری اجتماعی است. تفاوت انتظار در مکتب اهل بیت با دیگر مکاتب این است که شیعه در انتظار طلوع شمس موجود است و دیگران منتظر ستاره معدوم.^۲ این نوع از انتظار، با اصلاح‌گری اجتماعی همراه است. شیعه دل به انتظار حضرت سپرده و در دل به ظهور چنین امامی امید دارد. شیعه معتقد است دیر یا زود، صالحان، حاکمان زمین خواهند بود و حق به صاحبانش برمی‌گردد. با ظهور حضرت، ستم و بیداد از جامعه محو و امر جامعه اصلاح می‌شود. چنین شخص منتظری، در اصلاح جامعه خواهد کوشید، تا زمینه ایجاد و تشکیل آن دولت کریمه را فراهم آورد.^۳

انتظار فرج امام زمان در دوره غیبت، این اثر تربیتی را دارد که شخص، هم به دنبال خودسازی و هم به دنبال دیگرسازی است. آیت الله جوادی آملی با اشاره به روایت حضرت حجت که فرمودند: «عَلَيْكُمْ بِالذَّعَاءِ وَ انْتِظَارِ الْفَرَجِ؛^۴ بر شما باد به دعا و انتظار فرج»؛ معتقد است که اگر دعا به جنبه فردی ناظر باشد، انتظار فرج به هر دو جنبه فردی و اجتماعی ناظر است^۵ و این همان

۱. النعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۲. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۶۵.

۳. همان، ص ۱۸۴.

۴. سید ابن طاووس، مهج الدعوات، ص ۳۳۲.

۵. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۱۸۴.

نقش تربیتی انتظار، در دوره غیبت است.

بنابراین، انتظار فرج در عصر غیبت را نباید صرفاً نوعی حالت روحی و یا انتظار منفعلانه برای ظهور دانست، بلکه در منظومه آموزه‌های مهدوی، یکی از مهم‌ترین سازکارهای تربیتی است که می‌تواند با تقویت ایمان، امید، ورع، حسن خلق و احساس مسئولیت؛ زمینه خودسازی فردی و اصلاح اجتماعی را فراهم سازد. از این منظر، نقش تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه انتظار، نه به معنای اعمال مستقیم انتظار به عنوان روشی تربیتی، بلکه از طریق هدایت و جهت‌دهی به فرهنگ انتظار و تبیین شاخص‌های منتظر حقیقی قابل تحلیل است؛ به گونه‌ای که انتظار حقیقی، فرد را برای رشد معنوی، اصلاح رفتار و ایفای مسئولیت اجتماعی در عصر غیبت آماده می‌سازد.

نتیجه‌گیری

از دیدگاه شیعه، امام معصوم جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خلیفه الهی بر روی زمین است و وظایف او همان وظایف پیامبر است، به جز دریافت وحی تشریعی. این وظایف در چند محور اصلی هدایت‌گری، مرجعیت علمی و تعلیم دین و تربیت و رشد معنوی انسان‌ها قابل دسته‌بندی است. در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام معصوم حضور ظاهری ندارد؛ نقش خود را در تربیت و هدایت امت از طریق راه‌های غیرمستقیم ایفا می‌کند.

یکی از عرصه‌های تربیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت، تربیت از طریق هدایت تکوینی و باطنی است. امام معصوم به عنوان واسطه فیض، سبب متصل بین خداوند متعال و مخلوقات است و اگر یک لحظه این وساطت از بین برود، نظام عالم نیز مختل می‌شود. این همان تربیت از طریق هدایت تکوینی و باطنی است.

نقش تربیتی امام در بستر امتحان و ابتلائات الهی، از دیگر عرصه‌های استمرار هدایت ایشان در عصر غیبت است. غیبت امام، خود به عنوان میدان تربیتی و عامل رشد می‌تواند باعث تربیت

و رشد بیش‌تر افراد شود. در دوره حضور امام در جامعه، مردم با دیدن ایشان و معجزات و کرامات آن حضرت، به او ایمان می‌آورند؛ اما در زمان غیبت، مومنان باید با شناخت عقلانی و قلبی و معرفت درونی ایمان بیاورند.

از دیگر سازکارهای استمرار هدایت و تربیت در عصر غیبت، ارجاع شیعیان به فقها و علمای دین و نیابت عام ایشان است. این شیوه با اعتباردادن به فقها و علمای دین و ارجاع مردم به آنان صورت پذیرفت. در این روش جامعه شیعی در مسیر اجتهاد، تعقل و مسئولیت‌پذیری رشد می‌کند و به جای وابستگی مستقیم به منبع اصلی فهم دین، خود در جریان حیات دینی و تعقل دینی قرار می‌گیرد.

تربیت از طریق عنایات ویژه، چهارمین راه تربیت امت توسط امام زمان در عصر غیبت است. این عنایات، گاهی به علمای شیعه صورت گرفته است.

انتظار فرج نیز یکی از مهم‌ترین سازکارهای تربیتی در منظومه مهدوی عصر غیبت است. شیعه در این زمان، با ایجاد انتظار حقیقی در خود، علاوه بر خودسازی، به دیگرسازی و اصلاح جامعه می‌پردازد و این همان تربیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق انتظار حقیقی است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، **الغیبة للنعمانی**، محقق: غفاری، علی اکبر، نشر صدوق، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، **الإقبال بالأعمال الحسنة**، محقق: قیومی اصفهانی، جواد، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۶.
۳. ———، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، محقق: کرمانی، ابوطالب و محرر، محمد حسن، دار الذخائر، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.
۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان، **البرهان فی تفسیر القرآن**، موسسه البعثة قسم الدراسات الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۱۰۷ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله، **امام مهدی موجود موعود**، مرکز نشر اسراء، چاپ سیزدهم، قم، ۱۳۹۶.
۶. ———، **تفسیر موضوعی قرآن کریم**، (هدایت در قرآن)، مرکز بین المللی نشر اسراء، قم، ۱۳۸۵.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، **منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه**، موسسه عاشوراء، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۹.
۸. زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، دار الفکر، بیروت، ۱۳۷۳ق.
۹. سبحانی، جعفر، **محاضرات فی الالهیات**، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ یازدهم، قم، ۱۴۲۸ق.
۱۰. ———، **منشور عقاید امامیه**، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دهم، قم، ۱۴۰۰ق.
۱۱. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، محقق: صبحی صالح، چاپ هجرت، قم،

۱۴۱۴ق.

۱۲. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، *مجالس المؤمنین*، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۷۷.

۱۳. صدوق ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، اسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ق.

۱۴. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، محقق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ق.

۱۵. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، بیروت، ۱۳۹۰ق.

۱۶. _____، *شیعه در اسلام*، بوستان کتاب، چاپ پنجم، قم، ۱۳۸۸.

۱۷. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، محقق: محمدباقر خراسان، نشر مرتضی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ق.

۱۸. طوسی، محمد بن الحسن، *الغیبة*، محقق: عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.

۱۹. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، ترجمه: موسوی دامغانی، انتشارات الهادی، چاپ سی و چهارم، قم، ۱۳۹۱.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، المحقق: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، تهران، ۱۴۰۷ق.

۲۱. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی* (إختیار معرفة الرجال)، محقق: محمد بن الحسن طوسی، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۹ق.

۲۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲۳. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، صدرا، چاپ هشتم، قم، ۱۳۷۲.
۲۴. معلم، سید جواد، **برکات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف**، انتشارات تکسوار حجاز، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم، تهران، ۱۳۷۱.
۲۶. نوری، میرزا حسین، **نجم الثاقب**، انتشارات آستان مقدس صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ دوم، قم، ۱۴۱۲ ق.
۲۷. _____، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسة آل البيت عليه السلام، چاپ اول، قم، ۱۴۰۸ ق.

بررسی و گونه شناسی روایات مهدوی در کتاب «کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر»

سید علی کاظمی شیخ شبانی^۱

چکیده

این پژوهش، به بررسی و گونه شناسی روایات مهدوی در کتاب «کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر»، اثر علی بن محمد خزاز قمی (قرن ۴ق) پرداخته است. این کتاب به عنوان مجموعه‌ای از روایات و نصوص دال بر خلافت و امامت ائمه اثنا عشری شناخته می‌شود که بخشی از مطالب آن، به طور مستقیم به مهدویت و احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد. هدف این مطالعه، استخراج و نظام دهی آموزه‌های مهدوی موجود در این منبع کهن، و ارزیابی ارزش سندی و محتوایی آن‌هاست. روش کار، تحلیل متنی روایات مرتبط (شناسایی موضوعی، دسته‌بندی مضامین مهدوی، و بررسی اسناد و مسیرهای روایی) می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد، علی خزاز قمی، شمار قابل توجهی روایت صریح درباره امامت و ظهور منجی آخرالزمان نقل کرده است (در گزارش‌هایی تا حدود ۱۷۰ حدیث مرتبط ذکر شده است) و این روایات در چند محور کلیدی، نظیر نص بر امامت، نشانه‌ها و وظایف مصلح آخرالزمان، نسب و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام، قابل طبقه‌بندی‌اند. همچنین کیفیت اسناد و تکرار منابع میان مذهبی روایی به تقویت نقش این اثر در گفتمان مهدوی‌گری شیعی کمک کرده است.

واژگان کلیدی: مهدویت، امام زمان، کفایة الأثر، روایات مهدوی، حدیث.

۱. دانش آموخته سطح ۴ موسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) sayed.ali.kazemi67@gmail.com

از منظر پژوهش‌های تاریخی و کلامی، بررسی کتاب‌های دست‌اول و کهن در حوزه مهدویت، دارای اهمیتی دوجندان است. در ادامه، این اهمیت در قالب سه نکته بیان می‌شود: نخست آن‌که این آثار نزدیک‌ترین متون به عصر شکل‌گیری روایات و گفتمان مهدوی‌اند و امکان بازسازی دقیق‌تر از روند تطور اعتقادی و حدیثی شیعه را فراهم می‌سازند؛ دوم آن‌که این منابع، غالباً شامل سلسله اسناد و طرقی‌اند که بعدها در منابع متأخر با تلخیص یا تغییر نقل شده‌اند. از این‌رو، مطالعه آن‌ها به بازیابی زنجیره‌های راویان و سنجش اعتبار احادیث یاری می‌رساند؛ سوم آن‌که توجه به این متون، مقایسه تطبیقی میان روایت‌های اولیه و صورت‌بندی‌های متأخر مهدوی را ممکن کرده و وجوه قوت و ضعف در انتقال روایی را آشکار می‌سازد. بدین ترتیب، پژوهش در مورد کتاب‌هایی چون «کفایة الأثر»، نه تنها برای تحلیل سندی و محتوایی روایات مهدوی اهمیت دارد، بلکه در بازشناسی سیر تاریخی گفتمان مهدویت و تبیین جایگاه آن در هویت دینی و اجتماعی شیعه نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

منابع اولیه‌ای مانند «کفایة الأثر»، به واسطه جمع‌آوری روایات مرتبط، منبع مهمی در گفتمان مهدوی در قرون میانی محسوب می‌شوند و مطالعه دقیق آن‌ها می‌تواند نسبت میان انتقال روایی، شکل‌گیری آموزه‌ها و تغییرات مفهومی نسبت با متون هم‌دوران را روشن سازد. علاوه بر این، نسخه‌های دیجیتال و چاپ‌های موجود این کتاب، امکان دسترسی به متن اصلی را میسر ساخته‌اند که این کار زمینه بررسی سندی و متنی را تسهیل می‌کند.

هدف این پژوهش، استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل روایات مهدوی موجود در «کفایة الأثر» و ارزیابی محتوایی و سندی آن‌ها است. پرسش‌های محوری عبارتند از: ۱. کدام آموزه‌های مهدوی (نسبت امام زمان، نشانه‌های ظهور، وظایف مصلح و غیره) در این مجموعه برجسته‌اند؟ ۲. کیفیت اسنادی روایات چگونه است و چه نقشی در اعتباربخشی روایات مهدوی دارند؟ ۳.

نسبت این آموزه‌ها با متون معاصر خراز و منابع روایی هم‌دوره چگونه است؟

روش کار توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی کتاب و کاتب و تحلیل محتوایی خواهد بود: جمع‌آوری روایت‌ها و نصوص مرتبط با مهدویت از متن کتاب، گونه‌شناسی، بررسی برخی زنجیره‌های راویان (رجال و اسناد). قلمرو مطالعه به متن «کفایة الاثر» محدود است؛ اما در بخش بحث به اختصار برخی مقایسات تاریخی به متون پسین نیز اشاره می‌شود. در ادامه یافته‌ها (طبقه‌بندی موضوعی، نتایج مرتبط با موضوع، و تبیین برخی موارد) به تفصیل ارائه خواهد شد.

مؤلف کتاب

مؤلف کتاب «کفایة الاثر»، علی بن محمد بن علی خزاز قمی، از چهره‌های علمی و نام‌آشنای شیعه در نیمهٔ دوم قرن چهارم هجری و از معاصران شیخ صدوق و شیخ مفید است. منابع تراجم دربارهٔ او سخنانی ستایش‌آمیز آورده‌اند که هر یک، علاوه بر بیان تعظیم مؤلفان تراجم، بار معناشناختی ویژه‌ای در رجال‌شناسی شیعی دارد. نجاشی که مشهورترین رجالی شیعه و نویسنده کتاب «فهرست اسماء مصنفی الشيعة»، معروف به «رجال نجاشی» است؛ در توصیف ایشان از این عبارت استفاده کرده است: «ثقة من أصحابنا، و كان فقيها وجهاً».^۱ در ادامه برای تبیین جایگاه این عالم برجسته، به صورت مختصر به این سه واژه اشاره می‌شود: «ثقة» واژه‌ای است در علم رجال که گویای مورد اعتماد بودن راوی است. برخی از رجال‌شناسان، آن را به معنای راوی‌یی دانسته‌اند که امامی، عادل و همچنین ضابط است؛ یعنی توانایی به‌یادسپاری روایات را دارد و برخی این‌گونه نوشته‌اند: قولاً و مذهباً مورد اعتماد است.^۲ واژه ثقة، در کلام معصومان و همچنین در سخنان مُحَدِّثان هم‌عصر با امامان معصوم، برای معرفی راویان مورد اعتماد، به کار رفته است. بنابراین، نقل‌های علی بن محمد خزاز قمی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ هرچند با

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۶۸.

۲. زنجانی، کتاب نکاح، ج ۱، ص ۹۸.

این پذیرش اولیه، نباید پژوهشگر، خود را از رعایت قواعد درایه و تطبیق اسناد با منابع موازی بی‌نیاز بداند. نجاشی همچنین او را «از علمای شیعه» و «فقیه» خوانده است؛ این توصیف‌ها بر این نکته دلالت دارد که مؤلف در صف نخبگان علمی شیعی است که تسلط او بر مباحث فقهی نیز ثابت می‌شود. پس مشخص می‌شود که مؤلف صرفاً ناقل روایت نبوده، بلکه در حوزه استنباط و تحلیل فقهی جزء بزرگان اصحاب بوده است. وصف «آبرومند و وجیه» که از نجاشی نقل شده، نمایانگر وجهه اجتماعی و نفوذ است که برای دسترسی به شبکه‌های روایی، جلب شاگرد و نشر اقوال اهمیت عملی دارد. چنین مرتبه‌ای معمولاً به استحکام موقعیت علمی و تسهیل دسترسی به منابع معتبر کمک می‌کند. در تایید و تاکید توصیفات نجاشی می‌توان به عبارات شیخ طوسی در الفهرست اشاره کرد که مؤلف کفایة الاثر را «متکلمی جلیل‌القدر»^۱ معرفی کرده که با فقه نیز مأنوس بوده است. این ترکیب عبارات نشان می‌دهد که فضای فکری مؤلف تلفیقی از دغدغه‌های کلامی و دغدغه‌های فقهی بوده است. در نهایت گزارش شیخ طوسی^۲ درباره اقامت و وفات او در شهر ری نیز از حیث بازسازی شبکه‌های علمی و مسیرهای نشر روایت حائز اهمیت است؛ زیست در یک مرکز شهری و علمی مانند ری، امکان ارتباط با حلقات متعدد علمی و دسترسی به منابع متنوع را افزایش می‌داده است. این تعابیر و تعبیر مختلف دیگری را همچون «الثقة؛ الصدوق»^۳ و «الشیخ السعید»^۴؛ علمای بعد از او در توصیف این شخصیت جلیل‌القدر به کار برده اند.

در جمع‌بندی، تعابیر تراجم‌نویسان، نه تنها گواه احترامی است که معاصران و متأخران نسبت

۱. طوسی، الفهرست، ص ۲۹۰ (متکلم جلیل، له کتب فی الکلام و له أنس بالفقه، و کان مقیماً بالری و بها مات رحمه الله).

۲. همان.

۳. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۱۵۶.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۶۵.

به مؤلف داشته‌اند، بلکه به عنوان شاخص‌هایی تحلیلی قابل استناد، برای قرار دادن او در پهنه فکری قرن چهارم هجری و برای هدایت مطالعات آتی درباره اعتقادات، روش استنباط و شبکه‌های روایی‌اش عمل می‌کنند. بدین‌رو، پژوهشگرانی که با متون و روایت‌های منسوب به او سروکار دارند، می‌بایست هم به اعتبار ضمنی این تعابیر نظر داشته باشند و هم بر مبنای شواهد متقن سندی و متنی به سنجش و بازبینی دقیق سهم او در اندیشه شیعی زمانش اهتمام ورزند. در ادامه به استادان، شاگردان و تالیفات دیگر این عالم برجسته اشاره خواهد شد:

استادان:

وی استادان بسیاری داشته که اسامی نزدیک به چهل نفر از آن‌ها در کتاب کفایه الاثر آمده است. به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. ابو عبد الله حسین بن محمد بن سعید خزاعی؛^۱

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق؛^۲

۳. ابو الفضل محمد بن عبد الله الشیبانی؛^۳

۴. قاضی ابو الفرج المعافا بن زکریا البغدادی؛^۴

۵. علی بن الحسین بن محمد بن ابن منده؛^۵

۶. احمد بن محمد بن عبد الله عیاش الجوهری.^۶

۱. خزاز رازی قمی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۲۷، ۴۳، ۷۷، و....

۲. همان، ص ۴۹، ۵۵، ۶۱ و....

۳. همان، ص ۲۳، ۳۵، ۵۳، ۶۲ و....

۴. همان، ص ۲۰، ۳۶، ۷۷ و....

۵. همان، ص ۳۳، ۳۸، ۹۱، ۲۱۳ و....

۶. همان، ص ۷۲، ۲۲۶ و....

شاگردان:

۱. ابوالبرکات علی بن الحسین جوری؛
۲. محمد بن ابی الحسن بن عبدالصمد القمی؛
۳. محمد بن الحسین بن سعید قمی.^۱

تألیفات:

۱. الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه؛
۲. الایضاح فی اصول الدین علی مذهب اهل البیت علیهم السلام؛
۳. کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر.^۲

انگیزه تألیف

مؤلف پس از حمد و ثنای الهی و شهادت به ارسال رسولان، درباره دلیل تألیف این اثر می‌گوید: آنچه مرا به گردآوری این اخبار از صحابه و عترت پاک در مورد نصوص مربوط به امامان نیکوکار واداشت؛ این بود که گروهی از شیعیان ضعیف‌الایمان یا متوسط‌العلم را یافتیم که در این امر حیران و ناتوانند و از شدت شبهه‌هایی که بر آنان وارد می‌شود، در شک افتاده‌اند و گروه‌های معتزله با فریب و تزویر از این شبهه‌ها حمایت می‌کنند، تا جایی که برخی از آنان به انکار نصوص مربوط به امامان رسیده‌اند؛ به گونه‌ای که عذرشان پذیرفته نیست؛ حتی برخی با گرافه‌گویی، ادعا کرده‌اند که هیچ اثری از صحابه یا اخباری از عترت در این باره وجود ندارد.

پس هنگامی که این وضعیت را دیدم، خود را به تحقیق جامع در این باب موظف کردم، تا آنچه از دلایل نزد من است، روشن و شبهات مخالفان باطل شود، در طلب خشنودی

۱. سبحانی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۵، ص ۲۵۱.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۶۶.

خدا و تقرب به پیامبرش و امامان پس از او.

کار خود را با ذکر روایاتی آغاز می‌کنم که از طریق اصحاب مشهور رسول خدا ﷺ درباره نصب امامان علیهم‌السلام نقل شده است. پس از آن، اخباری را ذکر می‌کنم که از امامان علیهم‌السلام نقل شده و با احادیث مربوط به نصب امامان مطابق است، و این که هر یک از ایشان، جانشین پس از خود را معین کرده‌اند. تا مردم بدانند که انصاف را رعایت کنند و به این امر معتقد شوند، و مانند کسانی نباشند که خداوند سبحان درباره آن‌ها فرموده است: «و اختلاف نکردند مگر پس از آن که علم برایشان آمد، از روی ستمگری میان خود»^۱

زیرا چنین اخباری، شک و تردید را از بین می‌برد و عذر را می‌برد، و نشان می‌دهد که این امر از آنچه آنان پنداشته‌اند، قطعی‌تر و مهم‌تر است و از خداوند، توفیق و هدایت به آنچه دوست دارد و می‌پسندد، مسئلت می‌کنم، تا «هر کس که هلاک می‌شود، با دلیل روشن هلاک شود، و هر کس که زنده می‌ماند، با دلیل روشن زنده بماند؛ و به راستی خداوند شنوای داناست»^۲.

وضعیت سنجی کتاب کفایه الاثر

مؤلف کتاب کفایه الاثر، در این کتاب در پی اثبات آن است که پیامبر اکرم ﷺ با صراحت تمام و در موارد متعدد تکلیف خلافت و امامت را معین کرده‌اند و این مطلب، با استفاده از روایات به صورت یقینی قابل اثبات است. مؤلف در این کتاب، نصوص و تصریحات پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم‌السلام را بر این مطلب گردآوری کرده است. کتاب دارای ۳۹ باب است. ابواب این اثر را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول آن نصوص و تصریحاتی را شامل است که صحابه پیامبر گرامی نقل کرده‌اند. در این قسمت وی اعتراف و تصریح بیست و پنج تن از صحابه پیامبر

۱. جاثیه، ۱۷.

۲. خراز قمی، کفایه الاثر فی النص علی الأئمة الاثني عشر، ص ۷ و ۸.

اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امامت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و فرزندانش عَلَيْهِمُ السَّلَام را نقل کرده است که اسامی برخی از آن‌ها عبارت است از: عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، ابوذر غفاری، سلمان فارسی جابر بن سمرة، جابر بن عبدالله انصاری، انس بن مالک، ابوهریره و عمار یاسر.^۱

مؤلف گاه از هر صحابی چندین حدیث در این موضوع نقل کرده است.

اما قسمت دوم ابواب، نصوص بیان شده از طرف خود ائمه را ذکر کرده است که در این نصوص گاه به امامت ائمه دوازده گانه تصریح شده و گاهی امام قبلی، امام بعدی را معرفی کرده است.^۲

در پایان نیز روایاتی از زید بن علی بن الحسین نقل شده است که بر امامت ائمه دوازده گانه دلالت دارد. در این بخش، توضیح داده شده است که زید هرگز خود مدعی امامت نبوده، بلکه به امامت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام اقرار و اعتراف کامل داشته است.^۳

سند روایات

تمام روایات این مجموعه دارای سند کامل هستند و با لفظ «حدثنا» و «اخبرنا» که بیانگر شیوه تحمل حدیث است؛ شروع شده اند.^۴ از این رو، معلوم است که مؤلف، تمام این روایات را از شیوخ خود شنیده است، نه این که آن‌ها را در کتاب‌ها دیده و نقل کرده باشد که این شیوه تحمل حدیث، برترین شیوه^۵ نقل احادیث است.

بیانات مؤلف

مؤلف ابتدا در مقدمه کوتاهی، علت نگارش و نیز فهرست مطالب کتاب را بیان کرده است.

۱. ر.ک: ص ۱۰ - ۱۴۳

۲. ر.ک: همان، ص ۱۴۳ - ۲۹۸.

۳. ر.ک: ص ۲۹۸ - ۳۰۴.

۴. ر.ک: ص ۲۲۰، ۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۶ و ...

۵. السماع الذی هو اعلی الطرق. (مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، خاتمة، ص ۹۵).

سپس به ذکر روایات می‌پردازد و در بخش اول کتاب، در پایان روایات هر راوی کسانی را که از وی روایت کرده اند، معرفی می‌کند. مثلاً در پایان بخش اول می‌گوید: «فهذا عبد الله بن عباس روی عنه سعيد بن جبیر و مجاهد و طاووس یمانی والاصبغ بن نباته و عطاء^۱» و نیز در ابواب منقول از امامان معصوم پس از نقل نصوص هر امام، تاریخ شهادت و محل دفن آن امام را بیان می‌کند^۲ و در چند جا نیز مباحثی را مطرح کرده است.^۳

پاسخ به برخی شبهات

مؤلف در پایان کتاب، به برخی شبهات در مورد روایات ذکر شده می‌پردازد و به این ادعا که اگر کسی بگوید زیدیه هم مثل شما روایاتی را نقل کرده اند که بر اعتقادات آنان دلالت دارد؛ پاسخ می‌دهد. در یک مورد می‌نویسد:

«آنچه را ما روایت کرده ایم، گفتار بیش از پانصد شیخ مشهور و معروف می‌باشد که امام صادق (علیه السلام) را ملاقات کرده و از آن حضرت روایت کرده اند و اگر بخواهیم اسامی تک تک آن‌ها را بنگاریم، برای ما ممکن است و اگر بخواهیم کتاب‌های فقهی که از آن‌ها نقل شده است، روایت کنیم؛ می‌توانیم و آنچه را دیگران نقل می‌کنند از یک یا دو نفر می‌باشد و همانند روایت‌های بی پایه‌ای است که برخی از عامه از علی نقل کرده اند».^۴

مهدویت در کفایه الاثر

مؤلف در باب آخر اثر خود با عنوان «ما جاء عن أبي محمد الحسن بن علي (عليه السلام) ما يوافق هذه الأخبار و نصه علي ابنه الحجة»؛ به روایات مهدویت امام عسکری (علیه السلام) و در ادامه به روایات زید بن علی اشاره دارد. این روایات را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

۱. همان، ص ۲۲.

۲. ر.ک: همان، ص ۲۲۲ - ۲۲۹ و

۳. ر.ک: ۲۰۱ - ۲۱۲.

۴. همان، ص ۳۰۰ - ۳۰۴.

دسته اول: روایات خاص مهدویت

مراد، آن دسته از روایاتی است که به صورت ویژه از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان آورده اند که در چند گونه قابل شناسایی است:

۱. تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

برخی از روایت در کفایه الاثر، در زمینه با تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گزارش شده است. این روایات خود متنوع هستند:

۱-۱. روایت اراده خداوند بر عدم انقطاع نسل امام عسکری علیه السلام:

ترس و هراس عباسیان از فرزند امام و جانشین او، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آنان را بر این وا داشت تا امام حسن عسکری علیه السلام را به قتل برسانند تا نسل او را منقطع کنند، از این رو، امام در واکنش به فعالیت آنان - به نقل از موسی بن جعفر بن وهب - توقیعی صادر کرده و در آن امام فرمودند: «زَعَمُوا أَنَّهُمْ يَرِيدُونَ قَتْلِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ وَقَدْ كَذَّبَ اللَّهُ تَعَالَى قَوْلَهُمْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ»؛ موسی بغدادی می گوید: از امام عسکری علیه السلام توقیعی صادر شد که در آن نوشته بودند: «پنداشتند که می توانند مرا بکشند تا این نسل منقطع شود و خدای تعالی گفتار آن ها را باطل کرد و الحمد لله».^۱

یا در روایت دیگری احمد بن اسحاق می گوید: از امام عسکری علیه السلام چنین شنیدم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِي مَا أَشَبَّهَ النَّاسُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَلْقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي غَيْبَتِهِ وَيُظْهِرُهُ فِيمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آن که جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه ترین مردم به رسول خداست. خدای تعالی او را در غیبتش حفظ می فرماید. سپس او را آشکار می کند و او زمین را پر از عدل و

۱-۲. گزارش تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَلَانُ الرَّازِي قَالَ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ لَمَّا حَمَلَتْ جَارِيَةُ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ سَتَحْمِلِينَ ذَكَرًا وَاسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي؛ عَلَانُ رَازِي مِي گويد: يکي از اصحاب به من خبر داد که چون جاريه امام عسکري عليه السلام باردار شد، به او فرمود: تو حامل پسري هستي که نامش محمد است و او قائم پس از من مي باشد.»^۲

و پراکند می‌گردند.^۳

هنگام شهادت امام حسن عسکری علیه السلام شیعیان و یاران ایشان پراکنده شدند. برخی به جعفر [کذاب] گرویدند، گروهی سرگردان و دچار تردید شدند؛ عده‌ای در حیرت و سردرگمی فرو رفتند و برخی نیز به توفیق خداوند متعال بر دین خود استوار ماندند.^۴

٤. همان، ص ٢٩٤.

خزاز قمی در روایت دیگری چنین نقل آورده است:

«حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ وَهْبٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيَّ عليه السلام يَقُولُ كَأَنِّي بِكُمْ وَقَدْ اخْتَلَفْتُمْ بَعْدِي فِي الْخُلَافِ مَتَى إِلَّا إِنَّ الْمُقَرَّرَ بِالْأَمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ الْمُتَنَكِّرِ لَوْلَدِي كَمَنْ أَقَرَّ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوَّلِنَا وَالتُّنْكَرَ لِآخِرِنَا كَالْتُّنْكَرِ لِأَوَّلِنَا أَمَا إِنَّ لَوْلَدِي غَيْبَةٌ يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ؛ مُوسَى بَغْدَادِي مَيَّ گوید: از امام عسکری عليه السلام چنین شنیدم: گویا شما را می بینم که پس از من در باره جانشین من اختلاف می کنید. آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا اقرار کند؛ اما منکر فرزندانم شود، مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد؛ اما نبوت رسول اکرم را انکار کند و منکر رسول خدا، مانند کسی است که جمیع انبیای الهی را انکار کند؛ زیرا اطاعت از آخر ما مانند اطاعت از اول ماست و منکر آخر ما مانند منکر اول ماست. آگاه باشید که برای فرزندانم غیبتی است که مردم در آن [در وجود فرزندانم] شک می کنند مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید.»^۱

دسته دوم: روایات عام مهدویت

۱. روایات اثنا عشر

خزاز رازی در انتهای اثر خود، به بحثی درباره زید بن علی اشاره دارد که در آن به مناسبت به روایات «اثنا عشر» (ائمه دوازده گانه) می پردازد. در این روایات از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام برده شده است:

روایت اول:

حَدَّثَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شاذَانَ بْنِ حُبَابِ الْأَزْدِيِّ الْحَلَالِ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ الْعَرَبِيُّ الصُّوفِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ يَعْلَى الْأَسْلَمِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ مُوسَى الْوَجِهِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ فَبَيْنَمَا هُوَ يَحْدِثُهُ إِذْ خَرَجَ أَخِي مُحَمَّدٌ مِنْ بَعْضِ الْحُجَرِ فَأَشْخَصَ جَابِرٌ بِبَصَرِهِ نَحْوَهُ ثُمَّ قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا غُلَامُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلْتُ ثُمَّ قَالَ أَذِيرُ فَأَذِيرَ فَقَالَ شَمَائِلُ كَشَمَائِلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مَا أَتَمُّكَ يَا غُلَامُ قَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ ابْنُ مَنْ قَالَ ابْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ أَنْتَ إِذَا الْبَاقِرُ قَالَ فَأَبْكِي [فَانْكَبَ] عَلَيْهِ وَ قَبَّلَ رَأْسَهُ وَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم يَقْرِئُكَ السَّلَامَ قَالَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلَ السَّلَامِ وَ عَلَيْكَ يَا جَابِرُ بِمَا أَبْلَغْتَ السَّلَامَ ثُمَّ عَادَ إِلَى مُصَلَّاهُ فَأَقْبَلَ يَحْدِثُ أَبِي وَ يَقُولُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ لِي يَوْمًا يَا جَابِرُ إِذَا أَدْرَكْتَ وَلَدِي الْبَاقِرَ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ فَإِنَّهُ سَمِيَ وَ أَشَبَّهُ النَّاسُ بِي عِلْمُهُ عِلْمِي وَ حُكْمُهُ حُكْمِي سَبْعَةَ مِنْ وَلَدِهِ أَمَنَاءُ مَعْصُومُونَ أَمَّةٌ أَبْرَارٌ وَ السَّابِعُ مَهْدِيهِمْ الَّذِي يَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ جَعَلْنَاهُمْ أَمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَاءَ الزَّكَاةَ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ؛ عمرو بن موسى و جیهی از زید بن علی چنین نقل می کند: «نزد پدرم، علی بن الحسین علیه السلام بودم که جابر بن عبد الله انصاری بر او وارد شد. در حالی که با هم سخن می گفتند، برادرم، محمد [امام باقر علیه السلام] از یکی از حجره ها خارج شد. جابر نگاهش را به او دوخت و سپس برخاست و به سویش رفت و گفت: ای پسر! به جلو بیا. او آمد. سپس گفت: برگرد. او برگشت. جابر گفت: سیمایت سیمای رسول خداست! نامت چیست ای پسر؟ گفت: «محمد». پرسید: پسر کیستی؟ گفت: «پسر علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب». جابر گفت: پس تو همان باقری! سپس بر او افتاد و سر و دستش را بوسید و گفت: ای محمد! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به تو سلام رساند. امام باقر علیه السلام فرمود: «بر رسول خدا

بهترین سلام باد و بر تو ای جابر؛ به خاطر ابلاغ این سلام». سپس جابر به جایگاهش بازگشت و به پدرم گفت: روزی رسول خدا ﷺ به من فرمود: ای جابر! وقتی فرزندم، باقر را دیدی، سلام مرا به او برسان. او هم نام من و شبیه ترین مردم به من است. علمش علم من و حکمش حکم من است. هفت تن از فرزندانش امینان معصوم و امامان نیکوکارند و هفتمین آن ها مهدی آن هاست که دنیا را از عدل و داد پر می کند؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.» سپس رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت فرمود: «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان تنها ما را عبادت می کردند».

روایت دوم:

حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَلِيٍّ الْخُزَاعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ بِالْكُوفَةِ قَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ سَحْلَحٍ الْكِنْدِيُّ قَالَ حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَيْمُونٍ قَالَ حَدَّثَنِي الْمُسْعُودِيُّ أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْفَرَارِيِّ [الْفَرَارِيُّ] عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْوَأَسِطِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا حُسَيْنُ أَنْتَ الْإِمَامُ وَ أَخِي [أَخ] الْإِمَامِ وَ ابْنُ الْإِمَامِ تِسْعَةَ مِنْ وَلَدِكَ أَمَنَاءُ مَعْصُومُونَ وَ التَّاسِعُ مَهْدِيهِمْ فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُمْ وَ الْوَيْلُ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ؛ زید بن علی از پدرش علی بن الحسین علیهما السلام نقل می کند که امام حسین علیهما السلام فرمود: «رسول خدا ﷺ به من فرمود: "ای حسین! تو امام هستی، برادرت امام است و پدرت امام است. نه تن از فرزندان امینان معصومند و نهمین آن ها مهدی آن هاست. خوشا به حال کسی که آنان را دوست بدارد و وای بر کسی که آنان را دشمن بدارد"».

روایت سوم:

حَدَّثَنِي إِبرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْعَلَاءِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ بُكَيْرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ عِنْدَهُ صَالِحُ بْنُ بَشْرٍ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْعِرَاقِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَدِّثْنِي بِشَيْءٍ سَمِعْتَهُ مِنْ أَبِيكَ عليه السلام فَقَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيُحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ اسْتَبْطَأَ الرِّزْقَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَ مَنْ حَزَنَهُ أَمْرٌ فَلْيُقِلْ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَقُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ - قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةٌ أَنَا شَفِيعٌ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُكْرِمُ لِذَرِيَّتِي وَ الْقَاضِي لَهُمْ حَوَائِجَهُمْ وَ السَّاعِي لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ عِنْدَ اضْطِرَّارِهِمْ إِلَيْهِ وَ الْمُحِبُّ لَهُمْ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ قَالَ فَقُلْتُ زِدْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مِنْ فَضْلِ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْكُمْ قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي اللَّهِ حُسْرَ مَعْنَا وَ أَدْخَلَنَا مَعْنَا الْجَنَّةَ يَا ابْنَ بُكَيْرٍ مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا فَهُوَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى اضْطَفَى مُحَمَّدًا ﷺ وَ اخْتَارَنَا لَهُ ذُرِّيَّةً فَلَوْلَانَا لَمْ يَخْلُقِ اللَّهُ تَعَالَى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ يَا ابْنَ بُكَيْرٍ بِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَ بِنَا عَبْدُ اللَّهِ وَ نَحْنُ السَّبِيلُ إِلَى اللَّهِ وَ مِنَّا الْمُصْطَفَى وَ الْمُتَرْضَى وَ مِنَّا يَكُونُ الْمُهْدَى فَأَيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ عَهْدٌ إِلَيْكُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ قَالَ يَا ابْنَ بُكَيْرٍ إِنَّكَ لَنْ تَلْحَقَهُ وَ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ بِلَيْهِ سَيَّةٌ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ هَذَا ثُمَّ يَجْعَلُ خُرُوجُ قَائِمِنَا فَيَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَسْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ أَنَا مِنَ الْعِتْرَةِ فَعُدْتُ فَعَادَ إِلَيَّ فَقُلْتُ هَذَا الَّذِي تَقُولُهُ عَنْكَ أَوْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ لَا وَلَكِنْ عَهْدُ عَهْدِهِ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ أَنْشَأَ يَقُولُ .. ؛ مُحَمَّدُ بْنُ بُكَيْرٍ كُفْتُ: خَدَمْتُ زَيْدَ بْنَ عَلِيٍّ رَسِيدَم؛ صَالِحُ بْنُ بَشِيرٍ نِيز حَضُور دَاشْت؛ سَلام كَرْدَم؛ مِی خَواست بَه طَرف عِراق بَروَد، گُفْتَم: یا ابنِ رَسولِ اللهِ! حَدِیثِی کَه از پَدَرْت شَنِیدِه‌ای، بَرایم نَقْل کَن. فرمود: «پَدَرَم از پَدَر خُود و او از جَدَش نَقْل کَرَد کَه پیغمبر فرمود: هَر کَه را خُداوند نَعْمَتی عَنایت کَرَد، باید سَپاس و حَمْد آن را بَنماید و هَر کَه کَم رُوزی گَرَدید، اسْتَغْفار نَماید [تا رُوزی اش زیاد گَرَدَد] و هَر کَه از چِیزی غَمگین بُوَد، بَرای رَفع آن بگوید: لا حَول و لا قُوَّةَ اِلا بِاللَّهِ.» گُفْتَم: مُنور بفرمایید! گُفْت: «پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

من در باره چهار نفر در روز قیامت شفاعت می‌کنم: ۱. احترام‌کننده به اولاد؛ ۲. برآورنده نیاز آن‌ها؛ ۳. کسی که در راه بر طرف کردن گرفتاری آن‌ها کوشش می‌کند؛ ۴. دوستدار آن‌ها با دل و زبان.» گفتیم: از آن نعمت‌ها که خدا به شما ارزانی داشته است، باز بفرمایید! گفت: پیغمبر اکرم فرمود ﷺ: «هر که ما خانواده را دوست داشته باشد، با ما محشور می‌شود و با خود او را به بهشت می‌بریم. پسر بکیر! هر که به دامن ما چنگ بزند، با ما خواهد بود در مقام‌های عالی بهشت. خداوند بزرگ محمد ﷺ را برگزید و ما را برای او ذریه قرار داد. -فلو لا نالم یخلق الدنیا و الآخرة. اگر ما نبودیم دنیا و آخرت را نمی‌آفرید. یا ابن بکیر بنا عرف الله، و بنا عبد الله، و نحن السبیل الی الله. خدا به واسطه ما شناخته شد و به واسطه ما پرستش گردید. ما راهنمای به سوی خداییم. از ما خانواده محمد مصطفی ﷺ است و از ما خواهد بود مهدی و قائم این امت.» گفتیم: آقا! آیا از پیامبر در مورد زمان قیام قائم به شما چیزی رسیده است؟ فرمود: «پسر بکیر! تو آن زمان را درك نخواهی کرد. متصدی مقام امامت بعد از این شش نفر خواهند شد؛ بعد خروج قائم ما خواهد بود که خداوند زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان طور که از ظلم و جور پر شده است.» گفتیم: مگر شما امام نیستی؟ گفت: «نه. من از اولاد پیامبرم.» باز سؤال خود را تکرار کردم همان جواب را داد. گفتیم: آنچه فرمودی از جانب خودت بود یا از پیغمبر نقل کردی؟ این آیه را خواند لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ؛ و اگر من از غیب [جز آنچه به وحی می‌دانم] آگاه بودم؛ بر خیر و نفع خودم می‌افزودم. و در جواب فرمود: «نه، این پیمان از جانب پیغمبر به ما رسیده است. آن گاه این اشعار را خواند:

نحن انوار التی من قبل کون الخلق کنا
ما همان نورهایی هستیم که پیش از آفرینش وجود داشتیم
فبنا قد عرف الله و بالحق اقمنا^۲
خداوند به واسطه ما شناخته شد
و به حق برخاستیم

نحن سادات قریش و قوام الحق فینا
ما سروران قریشیم و پاسداران حق در میان ماست.
نحن منا المصطفی المختار و المهدی منا از ماست
برگزیده خدا (محمد مصطفی)
و مهدی موعود نیز از ماست

۱. اعراف، ۱۸۸.

۲. خراز قمی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۳۰۰

۲. ضرورت وجود حجت الاهی و معرفت به امام

مقتضای حکمت الاهی آن است، که راه دیگری به جز حس و عقل، برای شناختن مسیر تکامل، در اختیار بشر قرار دهد، و آن راه وحی است، که انسان از طریق انبیا و اولیای الاهی، مانند ائمه طاهرین، آن چه را برای رسیدن به کمال نهایی لازم دارد، فرا می گیرد. به همین دلیل، در روایات فراوانی به وجود ضرورت حجت الاهی و معرفت به آنان اشاره شده است. برخی از این روایات، توسط خراز قمی منتشر شده است؛ مانند:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو هَمَّامٍ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعُمَرِيَّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَأَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبَرِ الَّذِي رَوَى عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ التَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَنِ الْحُجَّةُ وَالْإِمَامُ بَعْدَكَ قَالَ ابْنِي مُحَمَّدٌ هُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يُخْرَجُ وَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تُحَقِّقُ [تَحْفِقُ] فَوْقَ رَأْسِهِ بَنَجَفِ الْكُوفَةِ ؛ ابو على بن

همام می گوید: از محمد بن عثمان عمری - قدس الله روحه - چنین شنیدم: از پدرم شنیدم که می گفت: من نزد امام عسکری علیه السلام بودم که از آن حضرت، از خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است پرسش کردند که زمین از حجت الاهی بر خلائق تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است. فرمود: «این حق است؛ همچنان که روز روشن حق است.» گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: «فرزندم، محمد. او امام و حجت پس از من است. کسی که بمیرد و او را نشناسد، به مرگ جاهلیت در گذشته است، آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان می شوند و مبطلان در آن

طالع محمد

پژوهشی و گونه شناسی روایات مهدوی در...

هلاک می‌گردند و کسانی که برای آن وقت معین کنند، دروغ می‌گویند. سپس خروج می‌کند و گویا به پرچم‌های سپیدی می‌نگرم که بر بالای سر او در نجف کوفه در اهتزاز است.

نتیجه‌گیری

بر اساس این پژوهش، نشان می‌دهد که کتاب کفایة الأثر فی النّصّ علی الأئمة الاثنی عشر، اثر ابوالقاسم علی بن محمد خزاز قمی (قرن چهارم ق) به عنوان منبعی دست‌اول، مجموعه‌ای قابل توجه از روایات مهدوی را در قالب محورهای نصّ بر امامت، نسب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نشانه‌های غیبت و ظهور و وظایف مصلح آورده است. بدین لحاظ این کتاب می‌تواند نقشی محوری در تایید و تاکید بر گفتمان مهدوی داشته باشد. تحلیل محتوایی متن، تنوع موضوعی و تکرار مضامین مهدوی را نشان می‌دهد که بازسازی الگوهای فکری قرون میانی شیعی را ممکن می‌سازد. کتاب کفایة الأثر به خاطر قدمت و جایگاه شاخص مولف آن، به عنوان شاهدی مهم برای فهم بهتر مهدویت در مکتب شیعی و درک اصالت و جایگاه آن در اسلام تاثیر بسزایی دارد. در نهایت میتوان گفت، «کفایة الأثر»، منبعی کلیدی برای مطالعات مهدوی است؛ اما تبدیل این شناخت به استنتاج‌های محکم‌تر، به کار انتقادی دقیق‌تر بر نسخه‌ها، رجال و تطبیقات متنی منوط است.

منابع

قرآن کریم.

۱. خزاز رازی، علی بن محمد، **کفایه الاثر**، تصحیح: حسینی کوهکمری، بیدار، قم، ۱۴۰۱.
۲. زنجانی، سید موسی شبیری، **کتاب نکاح (زنجانی)**، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۲۵ جلد، نوبت اول، قم، ۱۴۱۹ ق.
۳. سبحانی تبریزی، جعفر، **موسوعة طبقات الفقهاء**، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ ق.
۴. طوسی، محمد بن الحسن، **الفهرست**، المكتبة المرتضوية، نجف، (بی تا).
۵. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۳ جلد، نوبت اول، قم، ۱۴۰۹ ق.
۶. مامقانی، عبدالله، **تنقیح المقال فی علم الرجال**، ۳ جلد، چاپ اول، بی تا، بی جا، بی تا.
۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار**، مؤسسه الطبع و النشر، ۳۳ جلد، نوبت اول، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۸. نجاشی، احمد بن علی، **رجال**، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۳۶۵.

آینده پژوهی روند گسترش سلطه رسانه‌ای غرب بر جوامع اسلامی و تأثیرات آن بر مهدویت

علیرضا اکبری^۱

چکیده

جستار حاضر به بررسی روند گسترش جنگ نرم و تأثیرات مخرب آن بر تضعیف باورها و ارزش‌های فرهنگی جوامع اسلامی، به‌ویژه شیعیان با تأکید بر تاثیر بر ظهور و آرمان‌گرایی اسلامی می‌پردازد. در این مطالعه، ضمن مقایسه جنگ سخت و جنگ نرم، ویژگی‌ها، ابزارها، پیامدهای منفی جنگ نرم را تحلیل کرده است و مانعیت آن بر زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را واکاوی می‌کند.

دشمنان اسلام در جنگ نرم از ابزارهای جدید رسانه‌ای بهره می‌گیرند تا افکار عمومی را به سوی اهداف فرهنگی و سیاسی مورد نظر خود هدایت کنند. این پژوهش همچنین به برخی عوامل موثر بر گسترش روند سلطه رسانه‌ای دشمن بر مسلمانان، نظیر ضعف شیعیان در برابر امپراتوری رسانه‌ای دشمن، عدم سواد رسانه، افول اخلاق اجتماعی در رسانه‌ها و افزایش بی‌اعتمادی مردم به رسانه‌های داخلی در جوامع اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: جنگ نرم، رسانه، روند، ظهور، مهدویت

تغییرات و تحولات شگرف جهانی در ساحت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، ارتباطاتی، امور بین‌المللی و... سبب شده است تا نیاز به دینی در سطح جهانی، برای تکمیل و تسریع در امر «جهانی‌سازی یا جهانی شدن»، بیش‌تر نمایان می‌شود.

مهم‌ترین تفاوت شیعه با دیگر مذاهب اسلامی، اعتقاد به امامت و الهی بودن جانشینی پیامبر ﷺ و باور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به عنوان آخرین امام و منجی بشر، در آیین تشیع است. رشد روزافزون دین اسلام در طول تاریخ، موجب شده است تلاش‌های متعددی از سوی دشمنان اسلام برای نابودی آن و در رأس آن انکار و تضعیف مهدویت صورت بگیرد. جیمز دار مستتر^۱ مستشرق مشهور می‌گوید: «قومی را که هر لحظه منتظر ظهور است، می‌توان کشتار کرد؛ اما مطیع نمی‌توان ساخت»^۲.

دشمنان اسلام، باور به مهدویت را مانعی در برابر اهداف خود می‌دانند و می‌کوشند با تضعیف یا انکار آن، به مقاصدشان دست یابند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، ایمان به مهدویت، عامل امید، پویایی و روحیه مقاومت در میان مسلمانان است. انتظار ظهور، انسان را به تلاش برای اصلاح وضع موجود و دستیابی به اوضاع مطلوب ترغیب می‌کند و به همین دلیل، اندیشه مهدویت همواره مورد مخالفت دشمنان قرار می‌گیرد^۳.

افزایش پیروان دین اسلام و گسترش آن به سرزمین‌های دیگر، سبب شده است تا دشمنان اسلام و به‌ویژه دشمنان مهدویت، از راه‌های گوناگون برای نابودی آن اقدامات مختلفی صورت دهند که یکی از اساسی‌ترین آن اقدامات، جنگ نرم است.

پژوهش‌های مرتبط با این موضوع در دو دسته قرار می‌گیرند: نخست، آثار مربوط به جنگ نرم

1. James Darmsteter

۲. دارمستتر، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری، ص ۹۷.

۳. نایینی، مقاله جان و جانان از نظر مقام معظم رهبری، ص ۵۹.

و رسانه و دوم، پژوهش‌های مرتبط با موانع و عوامل تعجیل یا تأخیر ظهور است. نوآوری این پژوهش در تلفیق این دو حوزه با بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی برای تحلیل و بررسی موضوع است.

برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً به روش کتابخانه‌ای انجام شده‌اند؛ این پژوهش با بهره‌گیری از دانش آینده‌پژوهی و روش تحلیل روند، تأثیر جنگ نرم بر باورهای مهدوی و آمادگی جهانی را بررسی می‌کند.

مفهوم‌شناسی

آینده‌پژوهی

«آینده» مسئله‌ای است که مردم می‌توانند برای آن به برنامه‌ریزی مبادرت و آن را ترسیم کنند. مردم برای آن که هوشمندانه اقدام کنند، باید از نتایج اعمال خود و دیگران آگاهی و درک کافی داشته باشند و نیز باید واکنش افراد و نیروهای خارج از کنترل آن‌ها را بررسی کنند؛ زیرا این پیامدها فقط در آینده خود را نشان می‌دهد.

آینده‌نگاری، آینده‌پژوهی، پیش‌بینی و... اصطلاحاتی هستند که در متون علمی و پژوهشی برجسته‌اند. در واقع، امروزه رشته علمی جدیدی که هدف آن مطالعه سیستماتیک آینده است، آینده‌پژوهی، آینده‌نگری یا پژوهش‌های معطوف به آینده نامیده می‌شوند و پژوهشگران این حوزه را «آینده‌پژوه»^۱ می‌نامند. پرومیچیچ از صاحب‌نظران، آینده‌پژوهی را مقوله میان رشته‌ای می‌داند که در پی کشف آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب است. هدف آینده‌پژوهی، تولد روش‌مند دانش راهنما و توجه به آینده در فرآیند تصمیم‌گیری است.^۲ در واقع، آینده‌پژوهی^۳،

1. futurist .

۲. کارگر، جستارهایی در مهدویت، ص ۸۳.

3. Futures Studies.

دانش ساختن آینده، بر اساس خواسته‌ها و آرمان‌های فرد است. آینده پژوهی را می‌توان «علم آینده» نامید؛ زیرا می‌کوشد تغییرات امروز را به شکلی خاص و مشخص به واقعیت مطلوب فردا تبدیل سازد و از این طریق، امکان همسوسازی تغییرات را با خواسته‌ها و آینده‌های مطلوب ما برآورده کند. بنابراین، همه انرژی ما بر این همسوسازی متمرکز خواهد شد.^۱ این توانایی آینده نگری برای پیش بینی تهدیدها و فرصت‌های پایان ناپذیر آینده بوده است تا بتوانیم با آن برای آینده استراتژی منطقی داشته باشیم.^۲

روند

مفهوم «رند» از رایج‌ترین مفاهیم در حوزه آینده اندیشی است که ما هر روز از آن استفاده و آن را درک می‌کنیم و بر اساس آن اعمال و واکنش‌های خود را تغییر می‌دهیم. روند در لغت به معنای حرکت عمومی در طول زمان برای تغییرات قابل اندازه گیری آماری است که از طریق داده‌های آماری به دست می‌آید.^۳ افت قیمت نفت، افزایش دما، گرایش به معنویت و... همگی روندهایی است که در سطوح مختلف مورد بحث قرار می‌گیرند.

روند در آینده پژوهی، تغییرات منظم داده‌ها در طول زمان است.^۴ تغییرات داده‌ها را می‌توان بر اساس الگویی ساده نشان داد، روندها بر اساس این فرض شکل می‌گیرند که تغییرات در جهان دارای تداوم تاریخی است.^۵ روندها از گذشته شروع شده‌اند و تا آینده ادامه می‌یابند. ماهیتی تکراری و تناوبی دارند و پیچیدگی‌ها را ساده می‌کنند و این ساده‌سازی از الگویی خاصی پیروی می‌کند.^۶

۱. حیدری، مقاله مبانی و مفاهیم آینده پژوهی، ص ۸۴.

۲. کورنیش، آینده پژوهی پیشرفته، ص ۱۵.

۳. محمود زاده، روش‌های تحلیل آینده با رویکرد راهبردی، ص ۸۰.

۴. بوشهری و نظری زاده، روندهای راهبردی جهان مؤثر بر دفاع و صنایع دفاعی، ص ۲۳.

۵. کارگر، آینده پژوهی خانواده در ایران، ص ۸۱.

۶. مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده نگری، آشنایی با مبانی آینده پژوهی، ص ۸.

روند، نشان دهنده تغییر است. درک مفهوم روند بر درک مفهوم تغییر مبتنی می‌باشد. لذا هر چه تفکر بیش‌تر به سوی تغییر حرکت کند، بیش‌تر می‌تواند به درک روندها دست یابد. روند مجموعه‌ای از رویدادهای مرتبط است که در طول زمان رخ می‌دهند و ذهن انسان با تشخیص ارتباط منطقی میان آن‌ها، این رویدادها را در قالب روند تفسیر می‌کند.

نخستین گام در آینده‌پژوهی، شناسایی و تحلیل کلان‌روندهای جهانی مرتبط با حوزه مورد مطالعه است؛ زیرا این روندها چارچوب مراحل بعدی را تعیین می‌کنند.^۱

تبیین مسئله

گسترش زندگی ماشینی و کاهش تعاملات اجتماعی، زمینه افزایش وابستگی افراد به رسانه‌ها را فراهم کرده است. در نتیجه، رسانه‌ها به یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شکل‌گیری افکار، نگرش‌ها و سبک زندگی انسان معاصر تبدیل شده‌اند. ازاین‌رو، رسانه‌ها با برخورداری از نفوذ گسترده و مستمر در زندگی روزمره، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت افکار عمومی و جهت‌دهی به باورها و رفتارهای اجتماعی ایفا می‌کنند.

الوین تافلر معتقد است که وسیله ارتباطی، عرصه نبرد آینده را می‌سازند که از گلوله‌های سلاح جنگی بسیار مرگبارترند.^۲

جنگ نرم، مهم‌ترین ابزارهای نفوذ فرهنگی، نقش مؤثری در تضعیف باورها و ارزش‌های جوامع ایفا می‌کند. بررسی تجربه تاریخی اندلس اسلامی نشان می‌دهد که تهاجم فرهنگی و تغییر تدریجی نگرش‌ها و ارزش‌های دینی، از عوامل مهم افول این تمدن بوده است. بسیاری از پژوهشگران تاریخ اندلس، تغییر باورهای اسلامی را در میان حاکمان و مردم، از مهم‌ترین زمینه‌های فروپاشی اندلس دانسته‌اند. این تجربه تاریخی، بیانگر آن است که حفظ هویت

۱. پدرام، روندهای حاکم بر آینده جهان اسلام، ص ۱۰.

۲. شکرخواه، مقاله جنگ روانی رسانه ای، ص ۸۵.

فرهنگی، اعتقادی و ارتقای آگاهی اجتماعی، از الزامات مصون‌سازی جوامع اسلامی در برابر تهدیدهای جنگ نرم محسوب می‌شود.

با التفات به ابزارهای به کار رفته می‌توان جنگ‌ها را به سه دسته «جنگ سخت»، «جنگ نیمه سخت»، «جنگ نرم» تقسیم کرد.^۱

جنگ نرم که موضوع پژوهش است، نوعی تقابل فرهنگی است که بدون درگیری نظامی، با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، رسانه‌ای و فکری، درصدد تغییر باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های جامعه هدف است. هدف اصلی این راهبرد، ایجاد دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای فکری جامعه، به گونه‌ای است که ارزش‌ها و دیدگاه‌های طرف مقابل پذیرفته شود. در نتیجه، زمینه برای تحقق اهداف سیاسی و فرهنگی فراهم و بدون نیاز به مداخله مستقیم نظامی، بلکه با کم‌ترین میزان مقاومت امکان‌پذیر می‌شود.^۲

در عصر حاضر، رسانه، مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت کشورهاست که، نقش مؤثری بر افکار عمومی و شکل‌دهی به نگرش‌ها ایفا می‌کند. رسانه‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای اقناعی و شناختی، می‌توانند بر باورها، ارزش‌ها و فرآیندهای تصمیم‌گیری مخاطبان اثر گذاشته و زمینه تغییر نگرش‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی را فراهم سازند. پژوهشگر مشهور آمریکایی به نام «جوزف نای» قدرت نرم را به «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» و «قدرت برای جذب» تعریف می‌کند.^۳

امتیازات جنگ نرم

تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که جنگ‌های سخت و نیمه‌سخت، به دلیل هزینه‌های بالا و نیز آثار محدود و ناپایدار و پیامدهای امنیتی و اجتماعی؛ از کارآمدی کم‌تری نسبت به

۱. شریفی، جنگ نرم، ص ۲۴.

۲. همان، ص ۲۷.

۳. عسگری، مقاله رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم، ص ۶۴.

راهبردهای غیرنظامی برخوردارند. از این رو، بسیاری از قدرت‌های مداخله‌گر، به تدریج تمرکز خود را از تقابل نظامی به راهبردهای فرهنگی و شناختی معطوف کرده‌اند و جنگ نرم را به عنوان ابزاری مؤثرتر برای تأثیرگذاری بلندمدت بر جوامع و تحقق اهداف سیاسی و فرهنگی برگزیده‌اند. لذا جنگ نرم ویژگی‌های خاصی دارد؛ نظیر:

- غیرمستقیم و تدریجی بودن؛

- تمرکز بر نگرش، ارزش و هویت؛

- دشواری شناسایی و ماندگاری اثر.

اهتمام به مسئله ظهور و ضرورت آمادگی در عرصه‌های فکری و عملی منتظران، از حقایقی است که بر هیچ شیعه منتظری پوشیده نیست و با ملاحظه عملکرد رسانه‌های جهانی در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان، در می‌یابیم که اعتقاد به منجی به صورت جدی به خطر افتاده و تبلیغات گسترده تخریبی و برنامه ریزی شده‌ای به منظور نفی و خرافاتی نشان دادن اعتقاد به منجی و همچنین زدودن حس عمیق انتظار و مهدی ستیزی وجود دارد.

اهداف جنگ نرم

مهم‌ترین اهداف جنگ نرم را می‌توان استحاله فرهنگی، استحاله سیاسی، اسلام هراسی، قومیت گرایی، آرمان زدایی، نمایش ناتوانی‌های ملت و فروپاشی نهاد خانواده اسلامی برشمرد.

ابزار جنگ نرم

ارتباط به ابزار نیاز دارد و رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن، معنا و مفهوم مورد نظر خود را به گیرنده منتقل می‌کند. لذا رسانه وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است.^۱ امروزه ابزارهایی مانند رایانه، ماهواره و اینترنت، همه جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در بر گرفته و با زندگی روزمره انسان‌ها عجین شده‌اند؛ به گونه‌ای که مرزهای

۱. تیموری، رسانه‌ها و محیط‌های آموزشی- یادگیری، ص ۱۶.

سیاسی دولت‌ها معنای گذشته را از دست داده و بخش زیادی از معرفت بشری و اندیشه‌ها از طریق رسانه‌ها شکل می‌گیرد و با قدرت اعجاب آور خود قادر است جوامع مختلف را در نقاط مختلف دنیا در شکل‌گیری یک جریان فکری مشترک رهنمون سازد. در این عصر، استعمارگران در خارج و معاندان در داخل کشور، از رسانه به عنوان ابزاری برای دستیابی به مقاصد خویش نگاه می‌کنند.^۱

جنگ نرم، به ابزارهای گوناگون و همه امکانات موجود نیاز دارد؛ چون هدف آن، تأثیرگذاری بر قلوب و اذهان مردم است. لذا نمی‌توان در این زمینه از ابزارهای جنگی سخت، مانند نظامی و تجهیزات سنگین استفاده کرد.

رسانه‌ها از نظر ارتباطی یا رسانه شخصی‌اند که مخاطبان محدود دارند، مانند تلفن و یا رسانه جمعی‌اند که مخاطبان‌شان انبوه هستند و در محدوده جغرافیایی گسترده‌تر به کار می‌روند.^۲ مهم‌ترین ابزارهای جنگ نرم و کارکردهای آن‌ها، به دو دسته «رسانه‌ها» و «صنایع فرهنگی» تقسیم می‌شوند؛ بدین شرح:^۳

۱. رسانه‌ها

«رسانه» در جنگ نرم به گونه‌ای است که به زعم برخی، جنگ نرم همان جنگ رسانه‌ای است؛ ولی رسانه‌ها جزیی از سیاست و قدرت‌اند. رسانه‌های صوتی، تصویری و نوشتاری، بهترین راه برای تغییر ذهنیت‌ها و باورها و ارزش‌ها یک ملت‌اند.

در حال حاضر، قدرت اول تبلیغاتی جهان، آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان هستند. شبکه‌های مختلف رویترز، آسوشیتدپرس و یونایتدپرس؛ بیش از ۵۵ هزار دفتر در جهان دارند و روزانه بیش از ۵۵ میلیون کلمه به کشورهای جهان مخابره می‌کنند و حدود ۸۵ درصد اخبار در دنیا، پرداخته

۱. جهان پرور؛ مقاله ابزار رسانه و جنگ نرم، ص ۵۵.

۲. فولادی؛ مقاله چیستی رسانه با تأکید بر رسانه دینی، ص ۱۹۶.

۳. ر.ک: شریفی، ص ۸۹.

همین غول‌های خبری است. بیش از دوازده هزار روزنامه و مجله در سراسر دنیا، از همین شبکه‌های خبری تغذیه می‌شوند.^۱

الف) روزنامه‌ها

مطبوعات، اعم از چاپی و الکترونیکی، با وجود گسترش فناوری‌های جدید ارتباطی، همچنان از رسانه‌های مهم در اطلاع‌رسانی، شکل‌دهی افکار عمومی و انتقال پیام‌های فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌روند.

ب) شبکه‌های رادیویی

دارندگان این شبکه‌ها، همیشه تلاش کرده‌اند با استفاده از آن، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را به گوش جهانیان برسانند و با تبلیغات و سیاه‌نمایی‌های گسترده در عرصه‌های مختلف کشور، مورد نظر را مورد هجوم خود قرار دهند. در حدود ۳۰ شبکه رادیویی فارسی زبان که تعداد آن‌ها نیز در حال افزایش است، اغلب به صورت شبانه روزی در حال پخش برنامه به زبان فارسی هستند و رادیوهایی مثل رادیو آزادی، بی بی سی، صدای ایران و رادیو فردا به ترویج الحاد و بی دینی می‌پردازد.

ج) شبکه‌های تلویزیونی

این جعبه جادویی، بر اندیشه‌ها و رفتارهای مخاطبان خود تأثیر سحرآمیز دارد و بخش عمده‌ای از اوقات ساکنان خانه را نیز به خود اختصاص می‌دهد. تلویزیون، مهم‌ترین کانال ارتباط جمعی است و به همین دلیل مورد توجه جدی سیاستمداران قرار گرفته است. ابزاری که حکومت‌ها می‌توانند متناسب با ایده‌های خود، از آن استفاده کنند و افکار عمومی را آن گونه که می‌خواهند، جهت‌دهی کنند. در حال حاضر تعداد زیادی شبکه تلویزیونی فارسی زبان در خارج کشور، در حال پخش برنامه علیه جمهوری اسلامی هستند؛ شبکه‌های سیاسی

۱. واعظی، استعمار فرانو، جهانی سازی و انقلاب اسلامی، ص ۹۷.

۲. صنایع فرهنگی

دسته دوم ابزارهای جنگ نرم، صنایع فرهنگی اند که عبارتند از:

الف) شبکه‌های مجازی و اینترنت

«اینترنت و شبکه‌های اجتماعی»، به دلیل دسترسی و سرعت انتشار محتوا، از مهم‌ترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، باورها و ارزش‌های جوامع محسوب می‌شوند و می‌توانند هم فرصت‌های فرهنگی و آموزشی و هم تهدیدهای شناختی و فرهنگی را به همراه داشته باشند.

ب) ماهواره

«فناوری ماهواره‌ای»، از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطات جدید به شمار می‌رود و با گسترش دسترسی به محتوای فرامرزی، ظرفیت بالایی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی جوامع دارند.

ج) ادبیات مکتوب: داستان کوتاه و رمان

«داستان کوتاه و رمان»، از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی هستند و بر شکل‌دهی نگرش‌ها و ترویج مفاهیم فکری و فرهنگی، نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

د) فیلم و سینما

«رسانه‌های تصویری»، به‌ویژه سینما، به دلیل نقش مؤثر اطلاعات بصری در ادراک انسان، از مهم‌ترین ابزارهای انتقال فرهنگ و شکل‌دهی افکار عمومی به شمار می‌روند. این رسانه‌ها با بازنمایی ارزش‌ها، هویت‌ها و الگوهای فرهنگی، بر جهت‌دهی نگرش‌های اجتماعی و انتقال پیام‌های فرهنگی و سیاسی نقش مهمی ایفا می‌کنند. هالیوود^۱ با سالانه نزدیک به ششصد حلقه

فیلم سینمایی؛^۱ افزون بر درآمد هنگفت، ۷۸ درصد سینماها و تلویزیون‌های دنیا را تغذیه می‌کند. در مقایسه ارزش‌های حاکم بر جهان غرب و ارزش‌های اسلامی، میان آن‌ها هیچ سنخیتی نیست و با توجه به محتوای ایدئولوژیکی سینمای غرب، ترویج فیلم‌های غربی در کشورهای اسلامی، جز رواج اندیشه‌های غربی پیامدی ندارد. در حوزه تغییر رفتار می‌توان به فیلم‌های خارجی و حتی داخلی اشاره کرد که اباحه‌گری، عادی بودن ارتباط با غیر همجنس، برتر بودن سبک زندگی غربی و خانواده‌های بی‌سامان را ترویج می‌کنند. فیلم‌های متعددی نظیر «روز استقلال»، «پیشگویی‌های نوسترآداموس»، «ماتریکس»، «ارباب حلقه‌ها»، «آخرالزمان» و «سفر به سرزمین موعود» به تحریف اندیشه موعودگرایی، ضدیت با ایران، استیلای غرب، کرنش دیگران در مقابل توانایی‌های تمدنی غرب به ویژه آمریکا می‌پردازد.^۲

با غفلت سینمای کشورهای اسلامی نسبت به آینده‌گرایی، در حالی‌بود به مسئله آینده‌گرایی توجه خاصی وجود دارد و از سال ۱۹۲۳ اولین تولید سینمایی با مضمون آخرالزمان تولید شده است و سال‌هاست که مسیحیان و یهودیان دنیا را آماج تبلیغات و ایدئولوژی‌های منجی‌گرایانه خود قرار داده‌اند؛ ولی آموزه مهدویت با ظرفیت بالایی که دارد، هر چه زمان می‌گذرد، امکان استفاده از بخشی از آن به دلیل رقابت و پیش‌دستی دیگران از میان می‌رود.

ها پویا نمایی

علی‌علیه: «... إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ ...»^۳.

«صنعت پویانمایی و کارتون» در میان کودکان و نوجوانان، طرفداران فراوانی دارد و مفاهیم و ارزش‌های بسیاری را به بچه‌ها می‌توان منتقل کرد. نظر به ماندگاری تعلیم و تربیت در دوران کودکی، از طریق پویانمایی و سرگرمی‌ها می‌شود آینده‌فرد و جامعه را رقم زد. تربیت‌های زمان

۱. ر.ک: نشریه اسکرین دلی، شماره ماه می سال ۲۰۰۸.

۲. عرفان، رسانه و آموزه مهدویت، ص ۴۹.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

کودکی در حقیقت تا حدود زیادی شخصیت آینده فرد را شکل می‌دهد و لذا در آموزه‌های دینی ما بر تربیت دینی دوران کودکی و نوجوانی تأکید فراوان شده است؛ اما این حقیقتی است که غرب به خوبی آن را شناخته است و از آن، استفاده‌های لازم را می‌برد و طراحی پویانمایی‌های جدید برای کودکان، عروسک‌ها و اسباب بازی‌ها در اختیار فرهنگ غرب است، نظیر کارتن‌های هری پاتر، سفید برفی.

و) بازی‌های رایانه‌ای

«بازی‌های رایانه‌ای» به عنوان یکی از تأثیرگذارترین رسانه‌های جدید، به دلیل ماهیت تعاملی، جذابیت بالا و نیز مدت زمان قابل توجه استفاده؛ نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش‌ها، ارزش‌ها، هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری کاربران، به ویژه کودکان و نوجوانان، ایفا می‌کنند. از این رو، این رسانه در ادبیات جنگ نرم، به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر انتقال پیام‌های فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیک شناخته می‌شود. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که محتوای بازی‌های رایانه‌ای می‌تواند در بازنمایی ارزش‌ها، سبک زندگی و هنجارهای فرهنگی نقش داشته باشند و از طریق تأثیر بر فرایند جامعه‌پذیری، بر نگرش و رفتار مخاطبان مؤثر باشند؛ به همین دلیل، تولید و محتوای این بازی‌ها از منظر فرهنگی و تربیتی اهمیت ویژه‌ای یافته است.^۱

ز) نمادها و مدها

استفاده وسیع و هنرمندانه از «نماد» و «مد» از ابزارهای جنگ نرم است. روحیه تنوع طلبی و نوگرایی نوجوانان و جوانان موجب می‌شود که مد و نماد، جایگاه ویژه‌ای در میان آنان داشته باشد. مدگرایی و تنوع طلبی، به خودی خود ممکن است اشکالی نداشته باشد؛ اما دشمنان اسلام سعی می‌کنند با استفاده از این روحیه ابتدا با ترویج مدها و نمادهای خاصی در میان قشر نوجوان و جوان جامعه نفوذ کنند و بعد از ترویج مدها و نمادهای مخصوص خود، سعی می‌کنند دل‌بستگان به آن‌ها

۱. حق وردی طاقانکی، مقاله بازی‌های یارانه‌ای ابزار قدرت نرم، ص ۱۲۳.

را با مبانی فکری و ارزشی مورد نظر خود آشنا کنند؛ مانند ترویج نمادهای شیطان پرستی

ج) استفاده از ظرفیت مراکز علمی

برخی دانشگاه‌های معتبر غربی، علاوه بر کارکردهای آموزشی و پژوهشی، در جهت گسترش ارزش‌ها و رویکردهای نظام لیبرالی و سکولار فعالیت می‌کنند. بر این اساس، این مراکز از طریق تولید دانش، تربیت نخبگان علمی و تأثیرگذاری بر نظام‌های آموزشی سایر کشورها؛ در توسعه نفوذ فکری و فرهنگی غرب نقش دارند. زیبایی‌شناسی برژینسکی در سال ۱۹۹۳ میلادی درباره اقتدار آموزش و دانشگاهی آمریکا می‌گوید:

«در حال حاضر بیش از پانصد هزار دانشجوی خارجی که نزدیک به دویست هزار نفر آن‌ها آسیایی هستند؛ در ایالات متحده تحصیل می‌کنند و این رقم، چندین برابر تعداد دانشجویان خارجی در هریک از دیگر کشورهاست و پیش بینی شده است که بیش از هشتاد درصد انتقال و پردازش داده‌ها، از آمریکا نشأت می‌گیرد»^۱.

اشخاصی مانند نخست وزیر سابق مالزی ماهاتیر محمد و رجب طیب اردوغان رئیس جمهور ترکیه؛ حتی دانشجویان ایرانی بازگشته از آمریکا که مروج سکولاریسم و لیبرالیسم غربی در کشورهای خود شدند؛ پس از بازگشت نسبت به گذشته کاملاً استحال شده‌اند.

«ادوارد برمن» در کتاب کنترل فرهنگ، تبیین کرده است که برخی مؤسسات بین‌المللی، از قبیل بنیاد هنری فورد، بنیاد کارنگی و راکفلر، در قالب تأسیس مراکز علمی در کشورهای جهان سوم و با عناوینی مانند توسعه کشورهای جهان سوم و رشد آموزشی مردم؛ در حقیقت به دنبال نفوذ در فرهنگ و ارزش‌های آن‌ها هستند و می‌کوشند نخبگان علمی آن‌ها را به منظور منافع غرب هدایت کنند.

حال پس از شناخت تأثیرات گسترش جنگ نرم در بین جوامع اسلامی و تأثیر آن بر تداوم تأخیر

۱. برژینسکی، خارج از روندهای کنترل، ص ۱۱۰.

ظهور؛ سزاوار است روندهای موثر بر گسترش جنگ نرم در جوامع اسلامی و به خصوص بر شیعه بررسی شود.

روندهای موثر بر گسترش جنگ نرم و افزایش سلطه رسانه مخرب

با ملاحظه قرائن موجود در روایات آخرالزمانی و شواهد تجربی حاضر، می‌توان روندهایی را که بر گسترش جنگ نرم دشمنان و عدم تحقق جامعه مهدوی منتظر در بین جوامع شیعی مؤثر است برشمرد:

روند افزایش بی‌اعتمادی به رسانه‌های داخلی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «سیأتی علی الناس... و اؤتمن الخائن و یخون الامین.»^۱

یکی از روندهایی که موجب گسترش جنگ نرم و تأثیر رسانه‌های بیگانگان بر جوامع اسلامی می‌شود؛ بی‌اعتمادی مردم به حکومت و دولت خود است.

«اعتماد»، عاملی است که در بستر زمان و با توجه به شناخت و تجربه ما نسبت به متغیرهای بیرونی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، اعتماد، محصول شرایط اقتصادی و اجتماعی است که در طول زمان و در نتیجه مجموعه‌ای از تعاملات ایجاد می‌شود. در این فرآیند ظریف و تدریجی، اعتماد ذره ذره افزایش می‌یابد؛ اما ممکن است یکباره از دست برود.

یکی از کارکردهای مهم رسانه، ایجاد همدلی و همبستگی اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اما این همبستگی فقط تا زمانی که خطا یا احساس خطا از سوی اعتمادکننده نسبت به اعتمادشونده به وجود نیاید، محقق می‌شود؛ ولی به محض بروز کوچک‌ترین شک یا تردید، این اعتماد می‌تواند به کلی بی‌اثر و حتی بازسازی مجدد آن، بسیار دشوار یا ناممکن شود.^۲

۱. شریف، المجازات النبویه، ص ۲۶۵.

۲. دانایی فرد، واکاوی سازوکارهای کلیدی تقویت اعتماد عمومی به دولت: رویکرد نگاه شهروندی، شماره ۸، ص ۱۰۵.

به عنوان مثال، در کشور ایران، طی نظر سنجی سال ۱۳۸۳، سازمان صدا و سیما با بیش از ۷۰ درصد، انتخاب نخست مردم برای دریافت اخبار بود اما این اعتماد طی روندی نزولی هفده ساله، به کم‌تر از ۴۵ درصد رسید^۱ و با شروع جنگ‌های تحمیلی دو، سه و قطعی اینترنت دوباره اعتماد افزایش یافت.

اعتماد، بنیادی‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی و شاخصی اساسی برای سنجش انسجام و پایداری اجتماعی است. این مفهوم در دو سطح اعتماد بین‌فردی و اعتماد نهادی نمود می‌یابد که به ترتیب گویای اعتماد افراد به یکدیگر و اعتماد آنان به نهادهای اجتماعی و حاکمیتی است. کاهش اعتماد نهادی، بستر مناسبی را برای گسترش جنگ نرم و افزایش نفوذ رسانه‌های معارض فراهم می‌سازد؛ زیرا در چنین اوضاعی، بخشی از افکار عمومی، منابع خبری غیررسمی و خارجی را از رسانه‌های رسمی معتبرتر تلقی می‌کند. عواملی نظیر ضعف شفافیت، ناکارآمدی مدیریتی، تحقق نیافتن وعده‌ها، رقابت‌های سیاسی، انتشار آمارهای غیرواقعی و نیز اقدامات سازمان یافته رسانه‌ای برای تضعیف مشروعیت نظام سیاسی؛ از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرسایش اعتماد عمومی و در نتیجه افزایش آسیب‌پذیری جامعه در برابر جنگ نرم به شمار می‌آیند.

کاهش اعتماد عمومی، علاوه بر افزایش پذیرش اخبار نادرست و تضعیف اعتماد نهادی؛ مشارکت و همراهی مردم با سیاست‌های عمومی را کاهش می‌دهد. از آن‌جا که موفقیت سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سایر برنامه‌های کلان، مستلزم اعتماد و همکاری شهروندان است؛ کاهش اعتماد می‌تواند اجرای مؤثر این سیاست‌ها را با چالش جدی مواجه سازد. در نظام‌های مردم‌سالار، از جمله جمهوری اسلامی ایران، اعتماد عمومی یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های حکمرانی محسوب می‌شود. از این‌رو، کاهش آن نه تنها کارآمدی سیاست‌های

۱. خبرگزاری تسنیم، به نقل از محسن شاکری نژاد، <https://tasnimnews.ir/3482913>.

جاری را تضعیف می‌کند، بلکه تحقق برنامه‌های کلان آرمانشهر مهدوی، از جمله سیاست‌های مرتبط با زمینه‌سازی ظهور و تقویت همبستگی اجتماعی را نیز با موانع جدی اجرایی روبه‌رو می‌سازد.

روند افزایش ضعف و سستی شیعیان در مقابل امپراتوری رسانه‌ای دشمن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «... و علت اصوات الفساق و استمع منهم»^۱ تلاش‌های مخرب دشمنان در جنگ نرم سبب تغییر رفتارهای مسلمانان، مانند مقاومت غیر قانونی در برابر حاکمیت، عدم مقاومت در برابر نفوذ دشمن، حتی کمک به دشمن برای نفوذ به کشور شده است. لذا یکی از روندهای تأثیر پذیر از گسترش جنگ نرم، افزایش ضعف و خمودگی در بین شیعیان است که به فرهنگی مخرب تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که برای رسیدن به اوضاع مطلوب تلاش چندانی نمی‌کنند، نظیر فتنه‌های که در ایران در دهه‌های اخیر قبل از جنگ تحمیلی دو وسه اتفاق افتاد.

عبدالکریم تاراس چرنینکو، اولین مترجم نهج البلاغه به زبان روسی می‌گوید: «به نظر من رسالت شیعیان بسیار سنگین است؛ نباید کوتاهی کنند؛ والا وهابیان و داعشی‌ها دینی وارونه از اسلام را به مردم ارائه خواهند کرد»^۲.

دشمنان علاوه بر تغییر روندهای سیاسی، فرهنگی مسلمانان، در تلاش‌اند تا ذائقه‌های مورد نظر خود را جایگزین آن سازند. رقابت دشمنان در فضای رسانه‌ای برای تسخیر افکار عمومی جهان اسلام، پیوسته در حال افزایش است و روش‌های جدیدی را می‌آزمایند؛ مانند ظهور ایردراپ (Airdrop)، به معنای توزیع رایگان ارزهای دیجیتال به کاربران، نظیر ایردرآپ‌های تلگرامی، مانند همستر، که بیش از دویست میلیون کاربر جذب کرده است و حدود چهل میلیون

۱. راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۳۴.

۲. سایت اطلاع رسانی جوان: <https://www.javanonline.ir/>؛ rD۰۰۴۶

کاربر آن ایرانی بوده اند.

برآورد می‌شود جمعیت شیعیان جهان حدود ۴۰۰ میلیون نفر است که تقریباً یک چهارم کل مسلمانان را تشکیل می‌دهد؛ ولی اینان نتوانستند به جایگاه اثرگذاری در جهان و آرمان زمینه سازی ظهور در سطح جهان دست یابند. سهم شیعیان از این فضای مجازی بسیار کم است. لذا شیعیان باید با بهره گیری از ظرفیت‌ها و تکنیک‌های رسانه ای و به کارگیری اصول تبلیغات و عملیات روانی، برای توسعه منافع امت اسلامی تلاش کنند.

بحرین از جمله کشورهای با اکثریت جمعیت شیعه است و بیش از ۷۵ درصد مسلمانان این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند. با این حال، آنان در مناصب عالی حکومتی کم‌ترین سهم و مشارکت سیاسی را دارند. کشور هند با بیش از ۱۸۰ میلیون نفر مسلمان و حدود ۲۵ میلیون شیعه، متأسفانه شیعیان از نظر سیاسی جایگاه ویژه‌ای ندارند. پاکستان پس از ایران بیشترین جمعیت شیعه (حدود ۲۵ درصد جمعیت این کشور) را داراست؛ ولی هویت آن‌ها در ساختار اجتماعی پاکستان دچار تزلزل است. در عراق نیز با آن‌که بیش‌تر جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهد، به دلیل وجود بیگانگان، هنوز شیعیان نتوانسته‌اند به قدرت سیاسی برسند. جمهوری اسلامی ایران به عنوان مهم‌ترین کشور شیعه، به دلیل برخورداری از نظام سیاسی مبتنی بر تشیع، ظرفیت‌های اقتصادی، پیشینه تمدنی و آموزه‌های انقلاب اسلامی، از توان قابل توجهی برای افزایش نفوذ و اقتدار منطقه‌ای برخوردار است. با این حال، این ظرفیت با چالش جدی جنگ رسانه‌ای مواجه است؛ به گونه‌ای که صدها شبکه ماهواره‌ای به زبان‌های مختلف با رویکردی ضد ایرانی فعالیت می‌کنند.

به نقل از مرکز افکارسنجی خبرگزاری فارس در یکی از حوادث آبان ۹۸ در ایران، پنج رسانه بی بی فارسی، ایران اینترنشنال، صدای آمریکا، رادیو فردا، من و تو و صفحات مجازی آن‌ها در

مدت ۴۶ روز (۲۳ شهریور تا ۹ آبان) مجموعاً ۳۸۰۰۳ دروغ را درباره حوادث ایران منتشر کرده اند.^۱ استعمار برای جلوگیری از نشر اسلام با سوء استفاده از جریان‌های تندرو مذهبی، شبکه‌های ماهواره‌ای مذهبی نیز تأسیس کرد تا علاوه بر رسیدن به مقاصد اصلی، برخی شبکه‌های مذهبی دیگر را که به منظور روشنگری و با روش نیکو مذهب خود را تبلیغ می‌کنند نیز، هم تحت تأثیر این شبکه‌ها قرار دهند؛ به صورتی که حدود سی شبکه ماهواره‌ای در جهان را اگر شیعی بدانیم، بیش از هفده شبکه ماهواره‌ای نظیر فدک، سلام، مرجعیت و بقیع؛ با تأمین مالی از آمریکا و انگلیس، موجب تفرقه بین شیعه و سنی می‌شوند.^۲

هجمه‌های شبکه‌های مجازی غربی، جا به جایی ارزش‌ها و فقدان تصویر کامل از نظام آرمانی جامعه شیعی، می‌تواند در زمانی که گفتمان رقبا، به شدت در حال اشباع جهان به تصویر ترسیم سازی جامعه آرمانی خود است؛ شیعه را در حالتی انفعالی فرو برده است و از فعال بودن به انفعال سوق دهد.^۳

مطرح ترین مضرات شبکه‌های اجتماعی در بین جوانان و کاربران در ایران اسلامی، ایجاد ضعف در دیده و دل، افسردگی مفرط، زایل شدن عقول، فلج مغزی، اعتیاد مجازی، تبلی و تن پروری، افت تحصیلی، نابودی اعتقادات دینی و باورهای معنوی است. در واقع رسانه، ابزاری است که با استفاده از آن می‌توان بر اندیشه ملت و به ویژه کودکان و نوجوانان اثر گذاشت و به مرور آنان را با هویت فرهنگی شان بیگانه کرد، در چنین وضعیتی لازم است ضمن اتخاذ استراتژی تدافعی و حمایت همه جانبه مردم، دانسته شود که در اوضاع فعلی، چگونه باید از امکانات رسانه ای موجود بهترین بهره را برد و در زمینه ترویج مهدویت، تبلیغات جهانی کرد و قدمی به منظور آمادگی جهانی برای ظهور برداشت.

۱. خبرگزاری کیهان، ۳۸۰۰۰ دروغ در ۴۶ روز؛ <https://kayhan.ir/>؛ nK۰۰۱۳.

۲. سید افقهی، خبرگزاری ایمن، Czy3imna.ir/x.

۳. عرفان، رسانه و آموزه مهدویت، ص ۴۹.

برنامه‌های دیگر دشمن را بر این روند، می‌توان الگوسازی‌های فرهنگی و اجتماعی، ترویج زبان انگلیسی، ترویج اسلام آمریکایی، تک محصولی کردن اقتصاد و آموزش و تربیت مهره‌های اثرگذار برشمرد.

روند افزایش بی سوادی رسانه‌ای

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: «و یصدق الکاذب و یکذب الصادق»^۱.

با گسترش فناوری‌های جدید، اینترنت و جهانی شدن، مفهوم سواد از توانایی خواندن و نوشتن فراتر رفته و مهارت‌های لازم را برای تعامل آگاهانه با رسانه‌ها و جامعه جهانی نیز دربر گرفته است. در عصر ارتباطات، افراد به‌طور مستمر در معرض پیام‌های گسترده رسانه‌ای قرار دارند و رسانه‌ها در شکل دهی به نگرش‌ها، رفتارها، عواطف و روابط اجتماعی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. از این رو، تربیت شهروندانی برخوردار از سواد رسانه‌ای و توانمند برای زیست در جامعه جهانی، به یکی از ضرورت‌های نظام‌های آموزشی تبدیل شده است.

سواد رسانه‌ای، در واقع به معنای توانایی مصرف آگاهانه و نقادانه رسانه‌ها، تحلیل و ارزیابی پیام‌ها، تشخیص منافع پنهان، پرهیز از تقلید کورکورانه، حفظ استقلال فکری و مشارکت فعال در اصلاح عملکرد رسانه‌هاست و به مخاطب کمک می‌کند تا از رسانه‌ها، هوشمندانه و سودمندانه بهره‌مند شود. لذا سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای به عنوان دو مهارت اساسی برای ارزیابی، تحلیل و استفاده صحیح از اطلاعات اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند.

فقدان سواد رسانه‌ای، زمینه‌ساز گسترش شایعات و آسیب‌های اجتماعی می‌شود؛ در حالی که سواد رسانه‌ای، با تقویت مهارت تشخیص منابع معتبر، اعتبارسنجی اخبار و مقابله با شایعات، از فریب افکار عمومی جلوگیری می‌کند. بنابراین، میان سواد رسانه‌ای و پذیرش شایعات رابطه‌ای معکوس وجود دارد. بخش مهمی از سواد رسانه‌ای، به انتخاب رسانه معتبر، برای دریافت

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲.

اطلاعات، مهارت مقابله ذهنی با شایعات و تمیز دادن و اعتبارسنجی منبع اطلاعات و اخبار بر می‌گردد. عرصه رقابت و تقابل اندیشه‌ها، به بهره‌مندی از سواد رسانه‌ای برای مواجهه آگاهانه با تبلیغات و جریان‌های فکری، به‌ویژه در موضوعات اعتقادی نیازمند است.

سطح سواد رسانه‌ای، به نقل از حجت الاسلام عاملی، عضو شورای عالی فضای مجازی در مناطق شهری بزرگ در ایران ۲۲.۹ درصد، در مناطق حومه شهر ۱۸ درصد، در شهرهای کوچک ۱۸.۹ درصد و در مناطق روستایی ۱۷.۹ درصد است. سطح سواد عمومی رسانه‌ای ایرانی‌ها نیز عدد ۱۲ از ۱۰۰ است.^۱

عوامل مؤثر بر افزایش بی‌سوادی رسانه‌ای را می‌توان به عدم سیاست‌گذاری مناسب بر ترویج سواد رسانه‌ای در سیستم‌های آموزشی، نبود زیرساخت‌های ارتباطی، عدم هوشیاری خانواده‌ها به خطرهای فضای مجازی، دسترسی آسان به اینترنت و عدم نظارت بر فضای مجازی و ضعف در قوانین حقوقی بر آن برشمرد.

افراد شایعه‌پذیر و شایعه‌گو، زود باور، ناامن و زود برانگیخته، پرگو، فاقد اعتماد به نفس و کزاندیش هستند. ضعف سواد رسانه، پیامدهای متعددی دارد، نظیر تهدید سلامت اخلاق اجتماعی، اعتیاد اینترنتی، آسیب جسمی، نقض حریم خصوصی، هدر رفتن عمر، تضییع حق الله و حق الناس و فرد گرایی.^۲

به گزارش خبرنگار ایرنا، سردار سید کمال هادیان فر، رئیس پلیس تولید و تبادل اطلاعات ناجا (فتا) ضمن تأیید افزایش شکایات اعلام کرد: «جرائم سایبری در کشور از سال ۱۳۹۰ تاکنون (۱۳۹۷)، حدود ۹۰۰ درصد افزایش یافته است».^۳

رسانه امروزه به ابزاری در دست شیطان تبدیل شده است. دشمنان اسلام برای تغییر باورها و

۱. جهانگیری، مقاله بررسی ارتباط بین سواد رسانه‌ای و سواد سلامت جسمانی، ص ۴۱.

۲. رحمتی، مقاله ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن، ص ۱۸.

۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ <https://irna.ir/xjpFyP>.

ارزش‌های جامعه مذهبی ایران از تمام روش‌ها، مثل ترویج سکولار، پلورالیسم، اومانیسم، مغایرت عقل و دین، اباحه‌گری، شریعت‌گریزی، تساهل و تسامح، فمینیسم، مخالفت با اسلام فقه‌ای و نظام ولایت فقیه، گسترش شبهات دینی در بستر رسانه، پخش شایعات، حاکم شدن اصل لذت، تغییر اولویت‌ها، فریب مخاطب و زشت نشان دادن ارزش‌ها بهره‌جسته‌اند.

روند گسترش افول اخلاق اجتماعی در رسانه

هر جامعه برای حفظ نظم، امنیت و سلامت، مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قواعد اخلاقی را تعیین می‌کند. در جوامع دینی، این قواعد علاوه بر قوانین، بر آموزه‌های دینی استوار است. با گسترش نقش رسانه در زندگی، رعایت اخلاق رسانه ضرورتی اساسی یافته است.

رسانه در شکل‌دهی و تحول روابط انسان‌ها با یکدیگر نقش مهمی دارد و از این طریق بر اخلاق اجتماعی، یعنی مجموعه هنجارها و بایدها و نبایدهای حاکم بر روابط اجتماعی، تأثیر می‌گذارد.

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «هویت حقیقی جامعه، هویت اخلاقی آن‌هاست؛ یعنی در واقع بنیان اصلی برای یک اجتماع، شاکله اخلاقی آن جامعه است»^۱.

جامعه منتظر و زمینه‌ساز ظهور که خود را برای پذیرش و همکاری با قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می‌کند، در صورتی می‌تواند بستری مناسب برای ظهور باشد که ویژگی‌هایی نظیر خدا باوری، کفر به طاغوت‌ها و مبارزه با قدرت‌های مستکبر، عدالت‌مداری و عدالت‌گستری، تکریم مومنان، حفظ عزت و احترام مسلمانان، ایثار و تعاون، وفای به عهد، امانت‌داری در آن فراهم شده باشد و بدون آن‌ها وصف زمینه‌سازی برای چنین جامعه‌ای بی‌معنا خواهد بود.

در عصر حاضر که بسیاری از فضایل اخلاقی جای خود را به رذایل اخلاقی داده‌اند؛ فضای

۱. مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان صدا و سیما، <https://khl.ink/f/۵۳۶۷۵>.

مجازی با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد؛ بیش از هر فضای دیگری به رعایت اخلاق نیاز دارد. فضای مجازی علاوه بر آزادی بیان، ارتباط با اشخاص گوناگون، امکان ناشناس بودن را نیز به افراد می‌دهد؛ ولی سبب نمی‌شود که به دروغ پردازی و اعمال غیر اخلاقی و خلاف قانون پرداخت و خدشه دار کردن حیثیت افراد، از بین رفتن ایمان، گسترش اختلافات را موجب شد. افول اخلاق اجتماعی در رسانه، کمک به دشمنان و گسترش جنگ نرم را موجب می‌شود. جنگ نرم فروپاشی روانی ملت را سبب می‌شود و دشمن تلاش می‌کند با ترویج یأس و ناامیدی در جامعه به اهداف خود برسد و بی‌اعتمادی را رواج دهد.

در یک نگرش کلی، بر اساس مطالعات انجام شده، می‌توان حوزه‌های اخلاق اجتماعی را این‌گونه فهرست کرد: اخلاق همبستگی (اعتماد، تعاون، فردگرایی و جمع‌گرایی)، اخلاق صداقت (پرهیز از دروغ و ریا)، اخلاق جنسی (وفاداری، عشق و خانواده و مناسبات جنسی)، اخلاق حرفه‌ای (اخلاق اصناف، اخلاق اقتصادی، پرهیز از ارتشا، تقلب و فرار از مالیات)^۱.

مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی جامعه ایران در سال ۱۳۹۶ به نقل از مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ایران؛ بی‌تفاوتی اجتماعی، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، کارکردهای اجتماعی فضای مجازی، فساد و تقلب علمی، به محاق رفتن عدالت آموزشی و گسترش ریسک‌پذیری جنسی بوده است.^۲

برخی از این بی‌اخلاقی‌ها در فضای رسانه‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان فشار دولتمردان بر خبرنگاران، مثل عدم پخش برخی از اخبار منفی در مورد کاندیدای انتخاباتی، پرونده‌های خاص مفسدان اقتصادی، تحریف واقعیت‌ها با تقطیع تصاویر واقعی، انتشار اخبار جعلی، عدم شفافیت سازی در شرایط جنگی، دانست.

رسانه زمینه ساز، به منظور ایجاد انگیزه در میان منتظران و ارتقای سطح عملکرد آنان در قبال

۱. یاهک، رصد ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایران، ص ۱۰.

۲. نجاتی، خبرگزاری خبرآنلاین، پنجاه و دو چالش اجتماعی ایران، zBdvkhabaronline.ir/x.

ارزش‌های مهدوی، می‌بایست تمامی فعالیت‌های جامعه منتظر قبل ظهور را ترسیم کند و برای بالارفتن همدلی و آگاهی قشرهای مختلف جامعه تلاش کند.

نتیجه گیری

در واکاوی آینده پژوهانه روندهای موثر بر گسترش سلطه رسانه‌ای غرب بر جوامع اسلامی؛ این یافته‌ها ملاحظه گردید:

- در واکاوی امتیازات جنگ نرم با جنگ‌های دیگر و ابزار و اهداف آن این نتیجه ملاحظه شد که بر خلاف جنگ سخت، آثار و نفوذ جنگ نرم از سایر جنگ‌ها بسیار عمیق‌تر است و تلفات انسانی بسیار کم‌تری دارد.

- روندهای مختلفی بر کلان روند گسترش سلطه رسانه‌ای غرب موثر است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان روند افزایش بی‌اعتمادی رسانه‌های داخلی، روند افزایش ضعف و سستی شیعیان در مقابل امپراتوری رسانه‌ای دشمن، روند افزایش بی‌سوادی رسانه‌ای و روند گسترش افول اخلاقی اجتماعی رسانه‌ای را نام برد.

- روند افزایش بی‌اعتمادی به رسانه‌های داخلی در جوامع اسلامی، می‌تواند بر اجرای مصوبات مهدوی تصویب شده دولت‌های اسلامی تاثیر بگذارد و مانعیت تشکیل آرمانشهر مهدوی را سبب گردد.

- ضعف شیعیان و عدم مقابله با جنگ نرم دشمن، تغییر سبک زندگی و پیروی از الگوی غربی را موجب می‌شود که نتیجه آن، فاصله گرفتن از آرمانشهر مهدوی و زمینه سازی ظهور می‌باشد.

- عدم سواد رسانه در جوامع اسلامی، تسهیل تاثیر پذیری در جنگ نرم و پذیرش شایعات، شبهات و آسیب‌های اجتماعی و دینی را موجب می‌شود.

- یکی از روندهای موثر بر گسترش سلطه رسانه‌ای غرب بر جوامع اسلامی، افول اخلاق اجتماعی در فضای رسانه است که سبب می‌شود، ویژگی‌های مهم آرمانشهر، نظیر خدا باوری، مبارزه با قدرت‌های مستکبر، عدالت‌مداری، تکریم مومنان، ایثار و وفای به عهد؛ به تدریج از جامعه رخت بربندد و بدون آن‌ها، وصف زمینه سازی برای چنین جامعه‌ای بی‌معنا خواهد بود.

منابع:

۱. آقای، سید داوود، نقد و بررسی نظریه‌های مطرح درباره نقش رسانه‌ها در مدیریت بحران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۵۶، ۱۳۸۷.
۲. امیرتیموری، محمدحسن، رسانه‌ها و محیط‌های آموزشی. یادگیری، نشر سمت، تهران، ۱۳۹۸.
۳. اینگلیس، فرد، نظریه رسانه‌ها، ترجمه: محمود حقیقت کاشانی، دانشکده صدا و سیما، تهران، ۱۳۷۷.
۴. برژینسکی، زبیبگنیو، خارج از روندهای کنترل، ترجمه: عبدالرحیم نوّه ابراهیم، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۹۴.
۵. بوشهری، علیرضا و فرهاد نظری‌زاده، روندهای راهبردی جهان مؤثر بر دفاع و صنایع دفاعی، مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران، ۱۳۸۹.
۶. پدram، عبدالرحیم، روندهای حاکم بر آینده جهان اسلام، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۶۵، ۱۳۹۲.
۷. جهان‌پور، محمد مهدی و بهرخ گنجی، ابزار رسانه و جنگ نرم، فصلنامه مدیریت رسانه، دوره ۷، ش ۴۴، ۱۳۹۸.
۸. جهانگیری زرقانی، رؤیا؛ شهناز هاشمی و علی گرانمایه‌پور، بررسی سطح سواد رسانه‌ای و سواد سلامت جسمانی، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۵۵، ۱۴۰۰.
۹. حیدری، امیر هوشنگ، مبانی و مفاهیم آینده‌پژوهی، فصلنامه ترویج علم، شماره ۷، ۱۳۹۳.
۱۰. حسن دانایی‌فرد، حسن؛ علیرضا حسن‌زاده و سمیه نصراللهی، واکاوی سازوکارهای کلیدی تقویت اعتماد عمومی به دولت: رویکرد نگاه شهروندی، فصلنامه پژوهش‌های

- راهبردی سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۸، تهران، ۱۳۹۳.
۱۱. حق‌وردی طاقانکی، بازی‌های یارانه قدرت جنگ نرم، مطالعات عملیات روانی، شماره ۱۶، ۱۳۸۶.
۱۲. دارمستتر، جیمز، مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری، ترجمه: محسن جهانسوز، تهران، ۱۳۱۷.
۱۳. رحمتی، حسینعلی، ضعف سواد خانواده در استفاده از فضای مجازی و پیامدهای اخلاقی آن، مطالعات اخلاق کاربردی، شماره ۲۸، ۱۳۹۶.
۱۴. سلطانی‌فر، محمدمهدی، رسانه و مشارکت سیاسی، مرکز تحقیقات استراتژیک، مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهران، ۱۳۸۸.
۱۵. شریف رضی، محمد بن حسین، المجازات النبویه، مؤسسه علمی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۰.
۱۶. شریفی، احمدحسین، جنگ نرم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۹.
۱۷. شکرخواه، یونس، جنگ روانی رسانه‌ای، فصلنامه عملیات روانی، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۲.
۱۸. ضیایی‌پرور، حمید، جنگ نرم ۱، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۶.
۱۹. عرفان، محسن، رسانه و آموزه مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۹۴.
۲۰. عسگری، محمود، رویکردی انتقادی به نظریه قدرت نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۸، تهران، ۱۳۸۹.
۲۱. فولادی‌وند، محمد، چپستی رسانه با تأکید بر رسانه دینی، فصلنامه معرفت فلسفی، شماره ۳۶، قم، ۱۳۹۱.

۲۲. قطب‌الدین راوندی، **الخراج و الجرائح**، ترجمه علامه محمدشریف خادم و غلامحسن محرمی، مؤسسه الامام المهدی، قم، ۱۴۰۹ق.

۲۳. کارگر، رحیم، **آینده پژوهی خانواده در ایران**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۷.

۲۴. _____، **جستارهایی در مهدویت**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، قم، ۱۳۸۶.

۲۵. کورنیش، ادوارد، **آینده پژوهی پیشرفته**، ترجمه سیاوش ملکی فر و فرخنده ملکی فر، نشر آینده پژوه، تهران، ۱۳۹۴.

۲۶. محدث نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، ۲۹ جلد، آل‌البیت، قم، ۱۳۶۵.

۲۷. محمودزاده، امیر؛ شهرام شاکریان و زهرا شاهقلی، **روش‌های تحلیل آینده با رویکرد راهبردی**، نشر علم‌آفرین، تهران، ۱۳۹۲.

۲۸. نایینی، مرتضی، **جان و جانان از نظر مقام معظم رهبری**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۲، ۱۳۸۰.

۲۹. واعظی، حسن، **استعمار فرانکو، جهانی‌سازی و انقلاب اسلامی**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۶.

۳۰. یاهک، سجاد و سما کشاورز دیزجینی، **رصد ارزش‌های اخلاقی در جامعه ایران**، پژوهشگاه هنر و فرهنگ ارتباطات، تهران، ۱۴۰۰.

منابع اینترنتی

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، جرایم سایبری در کشور ۹۰۰ درصد افزایش یافت،
<https://irna.ir/xjpFyP>، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
۲. خبرگزاری جوان، مصاحبه عبدالکریم تاراس، خبرگزاری جوان،
<https://www.javanonline.ir/0046rD>.
۳. خبرگزاری خبرآنلاین، خبرآنلاین، <https://www.khabaronline.ir>.
۴. خبرگزاری مهر، خبرگزاری مهر، <https://www.mehrnews.com/>.
۵. خبرگزاری مشرق، خبرگزاری مشرق، <https://www.mashreghnews.ir>.
۶. خبرگزاری هوشمند خبری خبرفarsi، خبرفarsi، <https://khabarfarsi.com/>.
۷. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، قله پاسداری، khamenei.ir،
<https://khl.ink/f/53675>.

بررسی تحلیلی خرافات در فرهنگ مهدویت با رویکرد ایجابی «انتظار عقلانی»

فاضل فاضلی داود^۱

چکیده

باور به منجی و فرهنگ مهدویت، یکی از پویاترین و امیدبخش‌ترین ارکان اندیشه شیعی است که در طول تاریخ، موتور محرکه جوامع اسلامی برای ظلم‌ستیزی و کمال‌جویی بوده است. پژوهش حاضر، با هدف تحلیل خرافات و پیرایه‌های راه‌یافته به فرهنگ مهدویت و تبیین راهبردهای مقابله ایجابی با آن‌ها، با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان ضمن شناسایی زمینه‌های شکل‌گیری خرافه‌گرایی در حوزه مهدویت، از تقلیل این فرهنگ به آسیب‌شناسی سلبی پرهیز و الگوی «انتظار عقلانی» را تبیین کرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پدیده‌هایی همچون توقیت، ملاقات‌گرایی افراطی، تقلیل مهدویت به مناسک و کنش‌های فردی و پیروی از مدعیان دروغین؛ بیش از هر چیز از عواملی مانند ناآگاهی، غلبه احساسات بر تعقل، فهم نادرست نصوص دینی و سوء استفاده سودجویان ناشی می‌شوند. در برابر این آسیب‌ها، انتظار عقلانی به عنوان رویکردهی ایجابی، بر مؤلفه‌هایی همچون خردورزی در فهم آموزه‌های مهدوی، التزام به مسئولیت‌پذیری اجتماعی، تقویت رویکرد اجتماعی و حکومتی فقه و مشارکت فعال در زمینه‌سازی برای تحقق تمدن جدید اسلامی استوار است. بر اساس نتایج تحقیق، صیانت از فرهنگ مهدویت، مستلزم نقد مستمر خرافات، تقویت مرجعیت علمی و دینی، ارتقای سواد مهدوی و تربیت انسان منتظر عقل‌گرا، مسئول و جامعه‌ساز است.

واژگان کلیدی: مهدویت، خرافات، انتظار عقلانی، مدعیان دروغین، آسیب‌شناسی دینی، توقیت.

اندیشه مهدویت و انتظار موعود، نقطه اوج فلسفه تاریخ از نظر اسلام و شیعه است. این اندیشه، نه باوری صرفاً کلامی، بلکه نظامی معنایی است که به زندگی فردی و اجتماعی انسان هدف می‌بخشد.^۱ با این حال، هر حقیقت سترگی، به همان میزان که بر هدایت بشر مؤثر است، در صورت تحریف، می‌تواند منشأ انحرافات جبران‌ناپذیری شود. در طول تاریخ، فرهنگ مهدویت به دلیل جذابیت‌های فطری و ظرفیت‌های بالای عاطفی و اجتماعی، همواره مورد طمع شیادان و بستر مناسبی برای رشد خرافات بوده است. مقاله حاضر بر آن است تا نشان دهد که راه مقابله با این خرافات، صرفاً نفی آن‌ها نیست، بلکه ایجاد سپری محافظتی از طریق تبیین «انتظار عقلانی» است؛ انتظاری که بر شعور، آگاهی، تحرک و خردورزی مبتنی است.

مسئله اصلی این پژوهش، چالش تقابل میان «مهدویت عاطفی - خرافی» و «مهدویت معرفتی - عقلانی» است. نفوذ خرافات در آموزه مهدویت، دارای پیامدهای مخربی همچون انفعال اجتماعی، یأس پس از عدم تحقق وعده‌های دروغین، و وهن مذهب در نگاه نخبگان و جامعه جهانی است. پرسش اساسی این است که خرافات چگونه و از چه مجاری وارد فرهنگ مهدویت شده‌اند و رویکرد ایجابی «انتظار عقلانی» چه مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی برای مقابله با این آسیب‌ها ارائه می‌کند؟

در زمینه پیرامون آسیب‌شناسی مهدویت، اندیشمندان اسلامی آثار گران‌سنگی نگاشته‌اند. مطهری (۱۳۷۳)، در کتاب «قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ»، به تفاوت انتظار ویرانگر و انتظار سازنده پرداخته است. صدر (۱۳۷۸)، در «بحث حول المهدی»، رویکردی کاملاً تحلیلی و عقلی به مسئله طول عمر و قیام حضرت داشته است. دانش (۱۳۹۸)، در کتاب «راهکارهای مقابله با خرافات در فرهنگ عمومی»، به تحلیل ریشه‌های روان‌شناختی و اجتماعی

۱. جوادی آملی، امام مهدی موجود موعود، ص ۴۵.

خرافات پرداخته و راهکارهایی برای ارتقای تفکر عقلانی در جامعه ارائه کرده است. این اثر، به صورت خاص به مهدویت نمی‌پردازد؛ اما چارچوبی کلی برای فهم پدیده خرافه ارائه می‌کند. جباری (۱۳۹۹)، در کتاب «مهدویت؛ ریشه‌ها، انحرافات و راهکارها»، به صورت جامع به بررسی مباحث مهدویت پرداخته و بخشی از کتاب را به ریشه‌یابی و معرفی انحرافات رایج اختصاص داده است. وی بر لزوم بازگشت به منابع اصیل و فهم صحیح روایات تأکید می‌کند. ربانی (۱۴۰۰)، در کتاب «انتظار عقلانی؛ راهی به سوی جامعه مهدوی»، به تفکیک میان انواع انتظار پرداخته و با استناد به منابع دینی، چارچوبی عملیاتی برای انتظار عقلانی مبتنی بر بصیرت، علم و عمل ارائه می‌کند. وی انتظار عقلانی را کلید اصلی مقابله با انحرافات و زمینه‌ساز تحقق جامعه مهدوی می‌داند. با وجود این، وجه تمایز و ضرورت نگارش این مقاله، تمرکز بر «رویکرد ایجابی» است؛ بدین معنا که به جای توقف در بررسی آسیب‌ها، مدل جایگزین و سازنده، یعنی «انتظار عقلانی» را با ادبیاتی جدید و متناسب با نیازهای جامعه امروز تبیین می‌کند.

مفهوم‌شناسی

خرافات؛ واژه خُرافات، جمع خُرافه، به معنای سخن دروغ اما با نمک (مستملح)^۱، است؛ و به معنای سخنان بیهوده و نامربوط^۲ نیز می‌باشد. خرافه در اصطلاح به چند معناست: ۱. اعتقاد به این که برخی کارها یا برخی کلمات یا اعداد یا بعضی از مدرکات حسی، مایه خوش‌بختی یا بدبختی می‌شوند؛ ۲. هرگونه اعتقاد باطل یا ضعیف؛ ۳. هرگونه آیین یا مذهبی که بی‌اندازه و نسنجیده مورد مبالغه قرار گرفته باشد.^۴

علامه طباطبایی، باورهای بی‌اساس را خرافه می‌داند و می‌نویسد: «اعتقاد به آنچه علم به

۱. فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۲۵۲.

۲. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۶۶.

۳. معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۴۰۵.

۴. جمیل صلیبا، واژه‌نامه فلسفی و علوم اجتماعی ترجمه: کاظم برگ‌نسی و صادق سجادی، ص ۲۰۰.

حقیقت آن نداریم و نمی‌دانیم خیر است یا شر، جزو خرافات است.^۱ در معانی اصطلاحی خرافات باید گفت که عموم تعاریف ارائه شده، در حد و بسط معنای لغوی آن بوده است. برخی خرافات را عبارت از عقاید باطل و بی‌اساس عنوان کرده‌اند که به کلی خلاف منطق و واقعیات است.^۲ پس می‌توان گفت خرافات مجموعه‌ای از باورهای باطل، بی‌اساس و رفتارهای غلط مبتنی بر جهل و بر خلاف منطق است.

مهدویت در اصطلاح: «مجموعه باورها، آموزه‌ها و انتظاراتی است که به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غیبت، ظهور، عدالت جهانی و نقش ایشان در تحقق وعده الهی مربوط می‌شود.»^۳ این مفهوم در شیعه امامیه جایگاهی محوری دارد و با مسئله امامت، آخرالزمان، عدالت خواهی و امید تاریخی پیوند خورده است.

انتظار عقلانی: نوعی انتظار آگاهانه، فعال و مسئولانه است که بر معرفت صحیح، التزام اخلاقی، اصلاح فرد و جامعه و آمادگی برای یاری حق استوار است. در این نگاه انتظار با رخوت، انفعال و دل‌مشغولی‌های غیرواقع‌بینانه تفاوت دارد.^۴

تحلیل ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری خرافات در فرهنگ مهدویت

برای درمان هر بیماری، ابتدا باید ریشه‌های آن بیماری را شناخت. نفوذ بسترهای شکل‌گیری خرافات در مهدویت در چند عامل عمده ریشه دارد:

۱. ضعف معرفت دینی

ناآشنایی با مبانی کلامی شیعه و ضعف در روش‌شناسی فهم احادیث، باعث می‌شود عوام، هر روایتی، حتی ضعیف یا مجعول را بپذیرند. زمانی که شناخت مردم از مهدویت سطحی و احساسی

۱. پاکدامن، جامعه در قبال خرافات، ص ۳۶.

۲. نوری، اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، ص ۴۸۰.

۳. حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۳-۲۸.

۴. مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۵-۷۲.

باشد، پذیرش ادعاهای بی‌اساس آسان می‌شود. بسیاری از خرافات، نه از دشمنی با دین، بلکه از ناآگاهی دینی و نبود آموزش صحیح برخاسته‌اند. ضعف معرفت دینی، ریشه اصلی «ساده‌انگاری» در پذیرش ادعاهاست. به زعم عالمان، دینی فقدان «عقلانیت» در آموزه‌های مهدوی، راه را برای جریان‌های انحرافی باز می‌کند.^۱

۲. نقل‌گرایی بی‌ضابطه

برخی از روایت‌ها بدون بررسی سند و دلالت، به صورت خام در فضای عمومی بازنشر می‌شوند. این امر شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی یا تفسیرهای عجیب از نشانه‌های ظهور را موجب می‌گردد.^۲ نقل‌گرایی بی‌ضابطه این آسیب که از آن به «نقل‌گرایی بدون سند» یاد می‌شود؛ یکی از چالش‌های جدی در فضای مجازی و کتاب‌های عامیانه است.^۳

۳. بحران‌های اجتماعی و روانی

در دوران فشارهای اقتصادی و سیاسی، تمایل روانی به فرار از واقعیت و پناه بردن به معجزات زودرس افزایش می‌یابد. این نیاز کاذب، بازار مدعیان ارتباط با امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف را داغ می‌کند.^۴ مهدویت به سبب نوع نگرش به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی است بر دردهای انسان‌های ستم‌دیده و فرودست؛ ولی گاهی ملاحظه این کارکرد با افراط‌هایی روبه‌رو بوده است؛ به‌ویژه دوره‌هایی که برخی عوامل وضعیت افراد را در عرصه اجتماعی، اقتصادی و روانی دچار آشفتگی کرده است. مردم در این آشفتگی، در پی پناه‌گاهی هستند که در آن، به آرامش برسند. از این رو، گاهی هر دارویی را بر درد خویش می‌آزمایند، بدون آن‌که بیندیشند آنچه درمان می‌پنداشته‌اند، خود دردی بر دردهای آن‌ها است. برخی انسان‌های نابکار با سوءاستفاده از این حالت افراد و

۱. سلیمیان، درس‌نامه مهدویت، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۸.

۲. طبسی، نشانه‌های ظهور در ترازوی نقد، ص ۱۳-۳۷.

۳. کارگر، آسیب‌شناسی جریان‌های نوظهور مهدویت، ص ۹۲ (فصل مربوط به روش‌های تمسک به روایات).

۴. جعفری، آسیب‌شناسی باورهای دینی، ص ۱۱۲.

جایگاه مهدویت در نظر آنان؛ اهداف شیطننت آمیز خود را پی می‌گیرند و با القای برخی ذکرها و وردها و نقل برخی حکایت‌های ساختگی در پی جذب افراد آماده هستند.

۴. سوء استفاده سودجویانه

متأسفانه گاهی برای جذب مخاطب یا تحریک عواطف، از داستان‌های بی‌اساس، خواب‌ها و مکاشفات اثبات‌ناپذیر در منابر استفاده می‌شود که این داستان‌ها و خواب‌ها، به مرور به باورهای قطعی تبدیل می‌گردند. برخی افراد با بهره‌برداری از عواطف مذهبی، نذرها، مراسم، مکاشفات ساختگی یا ادعاهای خاص به دنبال کسب نفوذ، قدرت یا منافع مالی هستند. سوءاستفاده سودجویانه استفاده ابزاری از «مکاشفات»، «خواب‌دیدن» و «ارتباط با امام» برای کسب قدرت و ثروت، از قدیمی‌ترین آسیب‌های این حوزه است.^۱

۵. رسانه و بازنمایی غیرعلمی

در برخی موارد، رسانه‌های غیرمسئول یا فضای مجازی با بازنشر محتوای هیجانی و غیرمستند؛ خرافه را تقویت و مرز میان معارف اصیل و جعلی را مخدوش می‌کنند. در دنیای مدرن امروز رسانه‌ها ابزاری قدرتمند برای رسیدن به اهداف جهانی محسوب می‌شوند. رسانه تصویری که پیام را بهتر و با کیفیت‌تر می‌تواند انتقال بدهد، بیش‌تر مورد توجه بوده است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آن‌جا که کشورهای غربی، بهتر و بیش‌تر تسلط رسانه‌ای دارند؛ سال‌هاست در سوژه‌های فیلم هالیوود که مخاطبان جهانی دارد، به موضوعاتی همچون آخرالزمان‌گرایی، پایان دنیا، جنگ ملت‌ها و مهدویت ستیزی پرداخته‌اند که هدف از این عملکرد رسانه‌ای، جز سلطه‌گری و نشان دادن ابر قدرت بودن خود به جهانیان چیز دیگر نمی‌تواند باشد.

مصادیق بارز خرافات در مهدویت

۱. توقیت (تعیین زمان ظهور): یکی از خطرناک‌ترین انحرافات، تعیین زمان برای ظهور

۱. مرکز تخصصی مهدویت، درس‌نامه نقد جریان‌های انحرافی مهدویت، ص ۲۰۳.

است که در احادیث با عبارت «كَذَّبَ الْوَقَاتُونَ» (تعیین کنندگان وقت دروغ می گویند) به شدت رد شده است.^۱ توقیت باعث امید کاذب و سپس یأس و سرخوردگی در مؤمنان می شود. در مورد نشانه های آخرالزمان و ظهور سه جریان وجود دارد: ۱. جریان افراط: این جریان عبارت است از توقیت و تعیین وقت مشخص برای ظهور و نیز انطباق قطعی پاره ای از نشانه های عمومی و یا نشانه های حتمی با مصادیق خاص. بدون شک توقیت مردود است و روایات اهل بیت علیهم السلام صراحتاً از آن نهی کرده اند و حتی از برخی روایات چنین استفاده می شود که توقیت از عوامل تاخیر در ظهور خواهد بود. اهل بیت علیهم السلام به ما توصیه کرده اند که در امر ظهور شتابزدگی نکنیم و تسلیم تقدیر و تصمیم الهی باشیم و البته توقیت می تواند منشأ زیان های فراوانی باشد، از جمله بی اعتقاد شدن عده ای نسبت به اصل مهدویت شود. ب. جریان تفریط: این جریان به رغم اعتقاد به اصل مهدویت، یا به کلی در باره موضوع مهدویت و ظهور و نشانه های ظهور حرفی نمی زند و بعضاً دیده خرافات به حجم عظیم روایات دارد؛ و یا صرفاً به شکلی تشریفاتی و صرفاً مناسبتی به آن می پردازد. در واقع، مشکل اصلی این جریان، آن است که به غیبت امام معصوم علیه السلام به عنوان ضایعه و مصیبتی بس بزرگ و جانکاه برای بشر و شیعه نمی نگرد و تصورش آن است که به رغم غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له، تقریباً همه چیز سر جای خودش است و ما مشکلی جدی نداریم و همه مشکلات مثلاً به عدم آگاهی و فقدان تلاش بشر و نبود مبارزه و انقلابی گری بر می گردد و اگر بتوان این نقایص را برطرف کرد، قادر خواهیم بود، مدینه ای فاضله بسازیم و تمدن تراز اسلام و عدالت کامل اسلامی را محقق کنیم؛ در حالی که این گمان و این نحوه زمان شناسی، بر خلاف آموزه های قرانی و روایی و واقعیات آشکار تاریخی و معاصر است. غیبت، بزرگ ترین مصیبت برای بشر است که جای دارد اهل فهم و خرد و ایمان، روز و شب برای آن محزون باشند و مویه کنند. شیعه باید در عصر غیبت، زمزمه گر چنین عباراتی باشد: «اللَّهُمَّ إِنَّا

۱. طوسی، الغیبه، ص ۴۲۵.

نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْنَا وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بَيْنَا وَتَظَاهُرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَإِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ» ج. جریان اعتدال: این جریان ضمن آن که از توقیت قویا پرهیز می‌کند و شتابزدگی به خرج نمی‌دهد و در عین بی‌قراری برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، با رضا و قضای الهی در تعجیل یا تاخیر در ظهور سر ناسازگاری ندارد؛ در عین حال، پیوسته در باره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حرف می‌زند و به‌ویژه برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا می‌کند و نشانه‌های ظهور او را در متون روایی دنبال می‌کند و حوادث و رویدادهای زمانه را که می‌تواند با ظهور ارتباطی هر چند احتمالی داشته باشد، رصد می‌کند و بر این باور است که آنچه اهل بیت علیهم السلام در باره نشانه‌های آخرالزمان و ظهور بیان داشته‌اند، از باب تفنن و قصه پردازی نبوده است، بلکه به خاطر اهدافی خاص، از جمله ایجاد و زنده نگه داشتن حالت امید و انتظار بوده است. صرف حرف زدن از ظهور و نشانه‌های آن بدون تطبیق قطعی، نه تنها به معنای توقیت نیست، بلکه از برخی روایات استفاده می‌شود که تفال به قرب ظهور و نزدیک دانستن آن — بدون تعیین وقتی مشخص — امری مطلوب و مورد سفارش است. در دعای عهد در باره ظهور چنین رهنمود داده شده است که «یرونه بعیدا و نریه قریبا»؛ یعنی دشمنان، ظهور را دور می‌بینند؛ اما ما آن را نزدیک می‌دانیم. در روایتی این تعبیر وجود دارد که «توقعوا الفرج صباحا و مساء»؛ یعنی صبح و شام منتظر ظهور باشید.

۲. ملاقات‌گرایی: عدم معرفت به حقیقت وجود امام و چگونگی ارتباط صحیح با ایشان و اساساً عدم درک دلیل ارتباط و نیاز انسان به امام، باعث شده است تا فرصتی مناسب برای دشمنان الهی و معاندان و منکران مهدویت فراهم آید تا نهایت استفاده را از آن ببرند و به فریب اذهان عمومی پردازند و در این میان، شاید مناسب‌ترین گزینه، گرایش فطری و عشق مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. لذا دشمن برای خاموش کردن این عشق و خنثا کردن کارکردهای فردی و اجتماعی انتظار کوشیده است تا مشتاقان را به اموری ظاهری، چون اصرار بر ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و رؤیت بصری ایشان در خواب و بیداری مشغول کند و در سایه غفلت مشتاقان و

منتظران، تیشه بر ریشه دین داری و مهدی باوری بزند. اگرچه امکان تشرف به محضر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای اوحدی از مؤمنان وجود دارد، تبدیل کردن «ملاقات» به هدف نهایی و دایر کردن دکان های معنویت به ادعای ارتباط مستمر با حضرت، انحراف از مسیر اصیل غیبت کبراست. در توقیع شریف به علی بن محمد سمری، ادعای مشاهده (به معنای ارتباط مستمر و نیابت) صریحاً تکذیب شده است.^۱

انتظار عقلانی

«انتظار عقلانی» بدان معناست که انسان منتظر خود را برای حضور در جبهه حق از این طریق آماده کند: تهذیب نفس، تحصیل معرفت، عدالت خواهی و مسئولیت پذیری اجتماعی. برای انتظار عقلانی می توان به مفهوم آمادگی و تهذیب نفس از منظر قرآن، سوره یوسف^۲ اشاره کرد که به آمادگی حضرت یوسف علیه السلام برای حکومت اشاره دارد: «و این گونه ما به یوسف در سرزمین [مصر] قدرت دادیم، که هر جا می خواست در آن منزل می گزید [و تصرف می کرد] ما رحمت خود را به هر کس بخواهیم [و شایسته بدانیم] می بخشیم؛ و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم!؛ یا آیاتی که بر تزکیه نفس و تقوا تأکید دارند.^۳ و همچنین در نهج البلاغه، به خطبه ها و نامه هایی می توان اشاره کرد که به اهمیت آمادگی لشکریان، به ضرورت تهذیب اخلاقی فرماندهان و آمادگی روحی برای دفاع از حق اشاره دارند.^۴ در باب تحصیل معرفت، می توان اشاره کرد به آیاتی از قرآن کریم که بر تفکر، تعقل و طلب علم تأکید می کنند؛^۵ یا آیاتی که به مسئولیت اجتماعی مسلمانان

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶.

۲. وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَ لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (یوسف: ۵۶).

۳. «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا، فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا، قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» شمس: ۷-۱۰.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ (درباره آمادگی در برابر دشمن).

۵. «أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» زمر: ۹.

در قبال جامعه اشاره می‌کند؛ مثلاً: «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ [چه این‌که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، [به چنین برنامه و آیین درخشانی] ایمان آورند؛ برای آن‌ها بهتر است! [ولی تنها] عده کمی از آن‌ها با ایمانند، و بیش‌تر آن‌ها فاسقند [و خارج از اطاعت پروردگار]».^۱

راهکارهای مقابله با خرافات و انحراف‌ها

مقابله با خرافات و انحراف‌های مهدوی، بیش از هر چیز به آموزش صحیح، اصلاح برداشت‌های نادرست، پالایش منابع از جعل و تحریف، و پاسخ‌گویی تخصصی به شبهات نیازمند است. در پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناسی فرهنگ مهدویت، تأکید شده است که غفلت از آسیب‌ها می‌تواند به سستی اعتقاد، به‌ویژه در میان جوانان، بینجامد. از این‌رو، شناخت و نقد آسیب‌ها، خود بخشی از راهکار است. همچنین برداشت‌های غلط از مفهوم «انتظار»، از جمله آسیب‌های مهم فرهنگ مهدوی دانسته شده و بر این نکته تأکید گردیده است که انتظار نباید به بی‌عملی و توجیه انفعال اجتماعی بینجامد. از سوی دیگر، سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) آن‌گونه است که ابتدا تلاش می‌کنند تا از سقوط افراد در ورطه شبهات جلوگیری کنند. بدین منظور از روش‌هایی مانند دعوت به تقوای پیشگی، توکل، تعقل، ترک مجالست با اهل معاصی و اشرار، شناخت جاهلان عالم نما، تبیین و حفظ مرزهای دوستی و دشمنی، مراجعه به امام، تفقه در دین، دشمن‌شناسی، مجالست با علما، توقف در مقابل شبهه و عرضه درست دین و تبیین معارف، پیش از بروز شبهه بهره می‌برند. با استفاده درست و دقیق از همان روش‌های دفع شبهه، اغلب راه‌های بروز شبهه بسته می‌شود؛ اما از آن‌جا که معمولاً در استفاده از آن روش‌ها و عملیاتی کردن آن‌ها کاستی‌هایی به وجود خواهد آمد، ضرورت دارد به بیان راه‌های رفع شبهه

۱. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» آل عمران: ۱۱۰.

پرداخته شود؛ یعنی باید روشن گردد که اگر شبهه شکل گرفت، چه باید کرد و چه روش‌ها و مسیرهایی برای رفع آن وجود دارد. بنابراین، در عصر رسانه نیز استفاده از فضای مجازی برای نشر معارف اصیل و مقابله فعال با شبهه‌افکنی، به عنوان راهبرد ضروری مطرح شده است.^۱

۱. بازگشت به منابع اصیل

آموزش مهدویت باید بر قرآن، روایات معتبر، و آثار علمی استوار باشد، نه بر نقل‌های عامیانه و فضای مجازی.

بی تردید، عقیده به ظهور منجی و بشارت به قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان، یکی از مفاهیم اصیل اسلامی است که در کتاب و سنت متواتر و قطعی ریشه دارد و سوء استفاده از آن، نه تنها به معنای سستی این عقیده و باور نیست، بلکه به عکس، نشانه روشنی بر اصالت آن شمرده می‌شود؛ زیرا باطل، تا با حق آمیخته نگردد، هوادار پیدا نمی‌کند. از این رو، گمراهان، همواره از مفاهیم اصیل برای گم راه کردن دیگران استفاده می‌کنند. مقوله منجی و مهدویت نیز از این اصل کلی، مستثنا نیست و سوء استفاده از این مفهوم ریشه دار، شبیه سوء استفاده از اصل نبوت است؛ چنان که مدعیان دروغین نبوت با بهره‌گیری از این مفهوم اصیل، توانسته اند عده‌ای را گمراه کنند و آیین‌های جدیدی را پدید آورند.^۲

۲. تقویت سواد دینی و رسانه‌ای

در جهان امروز، هر ادعای مذهبی باید با دقت بررسی شود و نباید آن را بدون ارزیابی پذیرفت. پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناسی فرهنگ مهدویت نشان می‌دهد که غفلت از آسیب‌ها می‌تواند به سستی اعتقاد، به ویژه در نسل جوان، منجر شود. بنابراین، شناخت آسیب‌ها و تحلیل

۱. جعفری، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، ص ۴۵-۷۴.

۲. طباطبایی، دانشنامه امام مهدی، ج ۴، ص ۷.

آن‌ها، خود بخشی از راهکار مقابله است.^۱ جامعه دینی باید بیاموزد که هر ادعای مذهبی را بدون بررسی نپذیرد. سواد رسانه‌ای در عصر اطلاعات، بخشی از دینداری مسئولانه است. تقویت سواد دینی و رسانه‌ای زمینه ساز ظهور منجی باید در زمینه ایجاد تغییرات مورد نظر اجتماعی از ویژگی‌های خاصی بهره مند باشد، و ترویج صحیح فرهنگ مهدویت، یکی از اساسی‌ترین کارکردهای رسانه زمینه ساز ظهور می‌باشد.

۳. آموزش تفکر انتقادی

عقل در دین، رقیب ایمان نیست، بلکه حافظ آن است. هر جا عقلانیت تضعیف شود، خرافه، جعل و ادعاهای بی‌پایه فرصت گسترش می‌یابند. از این رو، تقویت عقلانیت در کنار معنویت، یکی از ضرورت‌های اساسی در حوزه مهدویت است.^۲ عقل در دین، ابزار حذف ایمان نیست، بلکه ضامن سلامت ایمان است. نهادهای آموزشی و دینی باید عقلانیت را در کنار معنویت تقویت کنند.

۴. مقابله با مدعیان دروغین

نظام دینی و فرهنگی، باید نسبت به مدعیان نیابت، مکاشفه، یا مهدویت جعلی حساس، شفاف و مستند عمل کند. مدعیان دروغین مهدویت و اعتقاد به آن، یکی از مهم‌ترین مصادیق اعتقادی مسلمانان به ویژه شیعیان می‌باشد. به عبارت دیگر، همه مسلمانان معتقدند که رسول اسلام ﷺ فرمود: «مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد. وی همانم من و اخلاقش همانند اخلاق من است. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند چنان‌که از ظلم و جور پر شده باشد.»^۳ این اعتقاد به صورت کلی در ادیان توحیدی و حتی مسلک‌های غیرتوحیدی دیده می‌شود و بی‌تردید

۱. نعمانی الغیبة، ص ۲۰۰.

۲. همان.

۳. اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۲، ص ۴۷۱.

باور تشیع در این زمینه از چنان شفافیتی برخوردار است که هیچ راه شکی برای محققان و عموم مردم نخواهد ماند.

همین گستره باور به مهدویت، باعث شده است تا آسیب‌های جدی در عرصه مهدویت بروز یابد که از این جمله می‌توان وجود متمه‌دیان و مهدیان دروغین را عنوان کرده که آن‌ها در آموزه‌ها و مصداق امام، حق تحریف ایجاد کردند. در این میان، عالمان دینی به این ادعاها واکنش نشان دادند و نیز برخی از مکتوبات به بررسی کلی این جریان‌ها و گونه‌شناسی آن پرداختند.^۱

۵. بازتعریف انتظار در افکار عمومی

باید انتظار را از حالت انفعالی و رمزآلود، به معنای مسئولیت‌محور و تمدن‌ساز بازشناساند. بازتعریف مفهوم انتظار نباید به انفعال، رهاشدگی یا بی‌تفاوتی اجتماعی تعبیر شود، بلکه باید مفهومی مسئولیت‌محور، اصلاح‌گر و تمدن‌ساز بازشناسی شود. همچنین، با توجه به گسترش فضای مجازی، باید از همین بستر برای ترویج معارف اصیل و پاسخ‌گویی تخصصی به شبهات بهره گرفت.^۲

۶. انتظار و عمل صالح

در منطق دینی، امید راستین، از عمل جدا نیست. انتظار صادقانه باید به اصلاح فردی، رعایت اخلاق، کمک به مظلوم و پاسداشت حق بینجامد. به عبارتی، جدایی ناپذیری امید از عمل، در

۱. مانند «متمه‌دیان و مدعیان مهدویت»، اثر محمدرضا نصوری؛ انتظار پیاپی و «پیچک انحراف»، اثر جواد اسحاقیان درجه؛ «قبیله تزویر»، اثر امیرمحسن عرفان؛ «مقایسه نقش موعودباوری در ایجاد فرقه‌های نو در اسلام و مسیحیت در قرن اخیر»، مهرباب صادق‌نیا و رضا کاظمی راد؛ «بررسی تاثیر شخصیت مدعیان در بروز ادعاهای مهدوی»، مرتضی‌عبدی چاری و محمود ملکی راد، فصلنامه مشرق موعود شماره پاییز.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۰.

آیاتی که مقبولیت ایمان را همراه با عمل صالح ذکر کرده‌اند؛^۱ ملاحظه می‌شود. همچنین آیاتی که وعده پاداش الهی را به ایمان و عمل مشروط دانسته و بر خودسازی، دوری از گناه، و اخلاق حسنه تأکید فراوانی دارند.^۲ سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام که اوج اخلاق حسنه و خودسازی بودند، گویای این نکته است. حدیث معروف «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۳؛ همچنین آیاتی که به دفاع از مظلوم و یاری رساندن به نیازمندان امر می‌کنند؛^۴ شاهد این ادعا هستند.

۷. انتظار و نقد خرافه

منتظر واقعی کسی است که به جای دل بستگی به نشانه‌های موهوم، به سنجه‌های عقل، قرآن و سنت معتبر تکیه می‌کند. چنین دیدگاهی، خرافه را نه حاشیه‌ای فرعی، بلکه تهدیدی جدی برای ایمان می‌داند؛ مانند آیاتی که پیروان خود را به تفکر و پیروی از آنچه نازل شده است (قرآن) و سنت پیامبر ﷺ دعوت می‌کنند.^۵ نقد خرافه و نشانه‌های موهوم، در قرآن به رد بت پرستی، فال گیری، سحر و جادو و سایر اشکال خرافه گرایی و تاریخ صدر اسلام و نیز مواردی

۱. «وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ» عصر: ۱-۳.

۲. «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يُعْطِيهِ يَا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿۱۱﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۲﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي سَمَاوَاتٍ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۱۳﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۱۴﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۱۵﴾ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصِصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۱۶﴾ لقمان: ۱۲-۱۹.

۳. «به راستی من مبعوث گردیدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم» (مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۲۱۰).

۴. «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» نساء: ۷۵.

۵. «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله واطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم فإن تنازعتم فی شئ فزدوه إلی الله والرسول إن کُنتم تُؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر وأحسن تأویلاً» همان، ۵۹.

که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام با رسوم جاهلی و خرافی مبارزه می کردند؛^۱ همه و همه گویای این نکته می باشد.

۴. انتظار و جامعه سازی

انتظار و جامعه سازی انتظار ایجابی، جامعه را به سوی عدالت، آگاهی، همبستگی و مقاومت سوق می دهد. در این دیدگاه، «منتظر بودن»، یعنی «ساختن»، نه «فقط چشم دوختن».^۲ امام شهید در مورد نقش سازنده انتظار در تحولات اجتماعی و سیاسی، و مفهوم «انسان ۲۵۰ ساله» اشاره می کنند که به تداوم مبارزه و سازندگی در طول تاریخ اشاره دارد.^۳ همچنین است آیاتی که بر تشکیل امت واحده، همبستگی، صبر و مقاومت در برابر دشمنان تأکید دارند.^۴ جامعه آرمانی و عدالت از دیدگاه قرآن عبارت است از: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾.^۵

۱. نقد باورهای خرافی و تبیین مبانی عقلانی و نقلی» (ر.ک: طباطبایی، تفسیر المیزان)

۲. ر.ک: موسوی خمینی، صحیفه امام (مجموعه آثار)، ج ۲۱، ص ۱۴ و ۱۷ (مفهوم جامعه سازی و انتظار ایجابی: اندیشه های امام خمینی)

۳. خامنه ای، انسان ۲۵۰ ساله، (انتظار).

۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْخَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» صف: ۱۴.

۵. همانا کسانی که چون در زمین به آنان متمکن [و حکومت] دهیم، نماز را [با شرایطش] برپا می دارند و زکات [حق فقیران] را می پردازند و به کار شایسته وامی دارند و از کار ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها [به دست] خداست.

حج: ۴۱.

نتیجه‌گیری

اندیشه مهدویت و انتظار موعود، اوج فلسفه تاریخ از دیدگاه اسلام و شیعه است. این اندیشه، نه باوری صرفاً کلامی، بلکه نظامی معنایی است که به زندگی فردی و اجتماعی انسان هدف می‌بخشد. اندیشه مهدویت، قلب تپنده و چشم‌انداز روشن آینده در تفکر اسلامی است. نفوذ و رواج خرافاتی چون مدعیان ارتباط، تعیین وقت، تقلیل اهداف جهانی امام عجله به حوائج شخصی، و انفعال توجیه‌شده تحت لوای انتظار، بزرگترین موانع در مسیر تمدن‌سازی اسلامی هستند. پژوهش حاضر نشان داد که مقابله با این انحرافات، با روش‌های صرفاً سلبی (رد و تکفیر) کافی نیست، بلکه نیازمند استقرار «نظریه انتظار عقلانی» هستیم. انتظار عقلانی، منتظر را از موجودی خیال‌پرداز و منفعل، به عنصری فعال، نقاد، متشرع و خردورز تبدیل می‌کند که به جای جست‌وجوی نشانه‌ها در خواب، به دنبال بسترسازی ظهور در بیداری و در کف میدان علم، اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. صیانت از این آموزه، ضامن پویایی و اقتدار جامعه شیعی در عصر غیبت خواهد بود. نتیجه آن‌که، صیانت از فرهنگ مهدویت، تنها با پالایش مستمر آن از پیرایه‌ها و تبیین شاخصه‌های انسان منتظر عقل‌گرا محقق می‌گردد.

منابع

۱. قرآن کریم.
- نهیج البلاغه.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۳، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۲، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابراهیم پور، علی، *روش شناسی جریان شناسی*، طه، قم، ۱۳۹۹.
۴. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، ج ۲، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۴۰.
۵. پاکدامن، محمدحسن، *جامعه در قبال خرافات*، مرنديز، گناباد، ۱۳۷۸.
۶. جوادی آملی، عبدالله، *امام مهدی (عج) موجود موعود*، اسراء، قم، ۱۳۸۸.
۷. جعفریان، رسول، *تاریخ تشیع در ایران*، نشر علم، تهران، ۱۳۸۷.
۸. جعفری، محمدصابر، *اندیشه مهدویت و آسیب ها*، بنیاد فرهنگی مهدوی، تهران، ۱۳۸۷.
۹. جعفری، سید محمد مهدی، *آسیب شناسی باورهای دینی*، نشر نی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. جمیل صلیبا، *واژه نامه فلسفی و علوم اجتماعی*، ترجمه: کاظم برگ نیسی و صادق سجادی، شرکت سهامی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. خمینی، روح الله، *صحیفه امام (مجموعه آثار)*، موسسه تنظیم نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۹.
۱۳. خامنه ای، سیدعلی، *انسان ۲۵۰ ساله*، صهبا، تهران، ۱۴۰۰.
۱۴. رحیم کارگر، *آسیب شناسی جریان های نوظهور مهدویت*، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۹۱.
۱۵. رضوانی، علی اصغر، *موعود شناسی و پاسخ به شبهات*، چ چهارم، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷.

۱۶. سلیمیان، خدامراد، **فرهنگ نامه مهدویت**، بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج)، تهران، ۱۳۸۸.
۱۷. صدر، سید محمدباقر، **بحث حول المهدی**، غدیر، قم، ۱۳۷۶.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، انتشارات الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
۲۰. طباطبایی، سید محمدکاظم، **دانشنامه امام مهدی بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ**، ج ۴، دارالحديث، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. طبسی، نجم الدین، **نشانه های ظهور در ترازوی نقد**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۹.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن، **الغیبه**، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، ج ۲، هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۴. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ**، صدرا، تهران، ۱۳۷۳.
۲۵. مطهری، **تفکر فلسفی غرب**، هماهنگ، قم، ۱۳۷۷.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۶۲.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، **جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن**، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۹۱.
۲۸. معین، محمد، **فرهنگ فارسی معین**، ج ۱، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۲۹. مدرسی، سید محمد تقی، **من هدی القرآن**، دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبه**، صدوق، تهران، ۱۳۷۶.
۳۱. نوری، یحیی، **اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام**، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، تهران، ۱۳۵۷.

بررسی و تحلیل فصل نخست سریال «سیلو»، با تأکید بر نقش منجی در گفتمان دیستوپیایی

مسعود برکتی^۱

چکیده

سواد رسانه‌ای و واریسی نقادانه آثار دیداری-شنیداری؛ از جمله مؤثرترین راهکارها برای مصون‌سازی ذهن مخاطب در برابر دام‌های فریب‌رسانه‌ای و بزرگ‌نمایی‌های ایدئولوژیک، به‌ویژه در محصولات هالیوود، به‌شمار می‌رود. صنعت سینمای آمریکا، در مسیر رسیدن به اهداف فراداستانی خویش، همواره درصدد تسخیر ناخودآگاه جمعی ملت‌هاست. نوشتار حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و در زمره تحقیقات کیفی، می‌کوشد با مطالعه موشکافانه فصل نخست سریال «سیلو» و تطبیق آن با آموزه‌های دینی و نیز تحلیل‌های برجسته سینمای ایران؛ ابعاد پنهان این اثر را واکاوی کند. روش پژوهش، بر توصیف نظام‌مند وضعیت موجود و بررسی پیوندهای میان عناصر بصری، دیالوگ‌ها و نشانه‌های روایی مبتنی است. این سریال ده‌قسمتی، تصویری از جهانی آخرالزمانی و پادآرمان‌شهری را باز می‌نماید که مخاطب را برای ظهور منجی‌یی از بطن رکود و یأس آماده می‌سازد. تبیین این مبانی، مسیری هموار برای مواجهه آگاهانه‌تر با رسانه فراهم می‌آورد.

همچنین فصل دوم سریال سیلو ساخته و منتشر شده است و به دلیل آن‌که به نظر نگارنده، فصل دوم ارزش بررسی ندارد، آن را تحلیل و بررسی نمی‌کنیم. دلیل آن هم نبود داستان ارزشمند و طول دادن‌های بیهوده و خسته‌کننده در سکانس‌های مختلف است.

واژگان کلیدی: سیلو، دیستوپیا، منجی، آخرالزمان، سواد رسانه.

سینما، به مثابه تأثیرگذارترین رسانه‌ی دیداری-شنیداری و ارتباط جمعی؛ همواره یکی از پرجاذبه‌ترین عرصه‌های بیان اندیشه و هنر بوده است. این صنعت، با گذشت زمان، نه تنها بر دامنه نفوذ خود افزوده، بلکه ظرفیت‌های بیانی خویش را نیز گسترش داده است. انتقال مفاهیم عمیق و نشان دادن پیام‌ها در لایه‌های ناخودآگاه مخاطب - که خاصه در فیلم‌های معناگرا رخ می‌نماید - از شگفت‌آورترین ابعاد جادوی سینما به شمار می‌رود. در این میان، مصون ماندن از امواج رسانه‌های سلطه‌گر، جز با توسل به «سواد رسانه‌ای» و بررسی نقادانه آثار، میسر نیست.

با عنایت به این مهم، واکاوی لایه‌های نهان و پیام‌های ضمنی فیلم‌ها، نقشی تعیین‌کننده در فهم چگونگی شکل‌گیری معنا در ذهن مخاطب ایفا می‌کند. امروزه، پیشینه نقد و تحلیل فیلم در عرصه هنر بر کسی پوشیده نیست و استادان بزرگی در این حوزه به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. اگرچه در فضای مجازی، معرفی‌های مختصری از سریال «سیلو» در دسترس است؛ پژوهشی مدوّن و تحلیلی که به کندوکاو دقیق دیالوگ‌ها، سکانس‌ها و نشانه‌شناسی آن بپردازد؛ تاکنون ارائه نشده است. مقاله حاضر، در زمینه پر کردن این خلأ، می‌کوشد با بررسی ترتیبی اثر، ریزپردازی‌های روایی و پیام‌های پنهان آن را به مخاطب عرضه کند.

سریال «سیلو» (محصول ۲۰۲۳)، جهانی «پادآرمان‌شهری» را به تصویر می‌کشد که هدف از ترسیم آن، عبرت‌آموزی اخلاقی و سیاسی در بستری علمی-تخیلی است. واژه «دستوپیا» که نخستین بار توسط جان استوارت میل، فیلسوف انگلیسی، در ۱۸۶۸ به کار گرفته شد؛ در تقابل با «یوتوپیا» (آرمان‌شهر) قرار می‌گیرد. رمان‌های شاخصی همچون «۱۹۸۴»، اثر جرج اورول؛ «دنیای قشنگ نو»، از آلدوس هاکسلی و «فارنهایت ۴۵۱»، از ری برادبری؛ نمونه‌های کلاسیک این ژانر به شمار می‌روند. در سینما نیز آثاری چون «متروپولیس» (۱۹۲۷)، از فریتس لانگ؛ «پرتقال کوکی» و «اودیسه فضایی»، از استنلی کوبریک؛ جلوه‌های کم‌نظیری از جوامع دیستوپیایی‌اند. در ادبیات و سینمای ایران، آثاری چون «بوف کور»، «سمفونی مردگان» و

فیلم‌های محمد رسول‌اف؛ رویکردهایی پادآرمان‌شهری را بازنمایی کرده‌اند. آنچه در تمامی این جهان‌ها مشترک است، ساختاری پدرسالارانه و سلسله‌مراتبی است که در آن، اقلیتی نخبه‌بر اکثریت فرمان می‌راند؛ مفهومی که در سریال «سیلو» با صراحت تمام به نمایش درآمده است.

مبانی نظری و معناشناسی دیستوپیا

واژه «دیس‌توپیا» در معنای لغوی، به «مکان بد»، «ویران‌شهر» یا «جامعه خیالی نامطلوب» ترجمه شده است. این واژه در معنای اصطلاحی، به جامعه‌ای ویران یا سکونت‌گاهی خیالی در داستان‌های علمی-تخیلی اطلاق می‌شود که در آن، ویژگی‌های منفی و انحطاط‌آمیز بر تمام شئون حیات بشر سایه افکنده و زندگی در آن، فاقد هرگونه جذابیت انسانی است.^۱ این جوامع، معمولاً در اوج هرج و مرج و افول ارزش‌های اخلاقی ترسیم می‌شوند و برای آزمون مفاهیمی همچون منجی‌باوری و تاب‌آوری انسانی بستری فراهم می‌آورند؛ چنان‌که در نظریه توماس مور، تبدیل افراد به برده از سه راه خروج غیرمجاز از شهر، نقض قوانین یا صدور حکم اعدام صورت می‌گیرد؛ قاعده‌ای که در ساختار سخت‌گیرانه سیلو نیز بازتابی عینی یافته است.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب پژوهش‌های کیفی صورت پذیرفته است. در این رویکرد، محقق ضمن توصیف نظام‌مند پدیده مورد مطالعه (فیلم)، به بررسی روابط میان متغیرها و لایه‌های معنایی پنهان در عناصر دیداری و شنیداری می‌پردازد. داده‌های پژوهش، برگرفته از مطالعه دقیق سکانس‌ها، دیالوگ‌ها و میزانشن سریال است و تحلیل یافته‌ها بر اساس تطبیق با مبانی دینی و نظریه‌های نقد سینمایی صورت گرفته است.

بررسی و تحلیل سریال

«سیلو»، آینده‌ای تاریک و آخرالزمانی را روایت می‌کند که در آن، تمام بازماندگان بشر در اعماق

۱. ویکی پدیا، ویران‌شهر.

زمین و درون سیلوی عظیم الجثه‌ای محصور شده‌اند. داستان، حول محور ژولیت، مهندس جوانی می‌گردد که در تلاش برای کشف راز مرگ همکارش، به اسرار شگفت‌آوری دست می‌یابد که ساختار جهان بسته آنان را به چالش می‌کشد. این سریال که بر اساس رمانی از هیو هوی ساخته شده، به کارگردانی مورتن تیلدام و با بازی ربکا فرگوسن، تیم رابینز و کامن، در سال ۲۰۲۳ توسط آمریکا تولید شده است.

نکته شایان تأمل آن‌که، برخلاف روایت‌های آغازین که در آن، هالستون بکر (کلانتر سیلو) در مقام فردی خلافکار یا فراری جلوه می‌کند؛ پیشبرد روایت، مخاطب را به بازتعریف قضاوت‌های اولیه‌اش وامی‌دارد. فیلم‌های معناگرا معمولاً حقیقت نهایی را یک باره آشکار نمی‌سازند، بلکه از رهگذر نشانه‌هایی چون گریم، حرکت، دیالوگ‌های موقعیت‌مند و میزانشن، به انتقال تدریجی پیام می‌پردازند. جهان «سیلو»، سرشار است از قوانین خشک و انعطاف‌ناپذیری که خروج از آن، بی‌آن‌که مجازاتی فراتر از مرگ در پی داشته باشد، جرمی نابخشودنی محسوب می‌شود. از این حیث، می‌توان تشابهات ساختاری عمیقی میان این سریال و انیمیشن «وال-ای» مشاهده کرد. اما آنچه در گام نخست و به‌ویژه در سکانس آغازین سریال، بیش از هر چیز جلوه‌گر می‌شود، تقابل معنایی عمیق با جهان‌بینی توحیدی است. در حالی که در حقیقت و بر اساس انگاره‌های دینی، نخستین مخلوق الهی، بشری در سایه هدایت و نبوت است؛ این سریال با دیالوگ‌ها و فضاسازی آغازین خود، گفتمان‌هایی پوچ‌گرایانه (نیپیلیستی) را طنین‌انداز می‌سازد.



چهره نخستین شخصیت - کلانتری سیاه‌پوست با ظاهری شبه‌مذهبی^۱ - در عین حال که نمادی از نظم و قانون را یدک می‌کشد، در بستری از بی‌خدایی و پوچی تعریف می‌شود. گویی این جهان زیرزمینی، فارغ از هرگونه حضور متعالی، صرفاً با تکیه بر قوانین

۱. منظور از مذهبی، معنای عام آن است؛ چه مذهبی مسیحی چه یهودی چه مسلمان.

وضعی بشر سرگشته، به حیات خویش ادامه می‌دهد. این تضاد بنیادین میان «آغاز هدایت محور» در باورهای دینی و «آغاز نیهیلیستی» در روایت هالیوودی، یکی از محورهای اصلی نقد این مقاله به‌شمار می‌رود.

در تقابل با رویکرد نیهیلیستی کلانتر هالستون که در دیالوگ ابتدایی «نمی‌دانیم چرا این‌جا هستیم...»؛ تجلی یافته است؛ حکمت فلسفی-اسلامی بر پایهٔ حدیث «رحم الله امرء علم من این و فی این و الی این»^۱ استوار است؛ اصلی که بر ضرورت آگاهی وجودشناختی انسان از مبدأ، موقعیت و مقصد خویش تأکید می‌ورزد. این قاعده، حاکی از غایتشناسی نظام آفرینش، پیوستگی زمانی-هویتی عالم و لزوم تفکر در چیستی هدف خلقت است؛ امری که جز با شناخت خالق متعال و تدبّر در سرانجام بشر میسر نمی‌گردد.

در سوی دیگر، روایت سیلو، تصویری وارونه از این جهان‌بینی را به نمایش می‌گذارد. ساکنان این زیست جهان زیرزمینی، فارغ از هرگونه معرفت نسبت به علت غایی حضور خویش، در حصار ندانستن محصور شده‌اند. سازندهٔ این کلانشهر مدفون ناشناس است و افق بیرونی - که در این اسطوره پردازی، حکم عالم برزخ و قیامت را دارد - چنان آلوده و مهلک ترسیم می‌شود که هرگونه کنش استعلایی قصد خروج از آن، نه تنها ناپسند، که تباه‌کننده تلقی می‌گردد. در نظم دیستوپیایی حاکم، تمامی عناصر حیات (از مسکن‌های سلول وار تا نظام پولی درون زاد) درون همین فضای بسته تعریف و اندیشیدن به فراسوی آن، خود به مثابهٔ جرمی بزرگ انگاشته می‌شود.

جای‌گیری سیلو در اعماق زمین، تداعی گر سازه‌های پناهگاهی آخرالزمانی است که معمولاً برای گریز از فجایع فرضی پایان جهان طراحی میشوند؛ اما در اینجا، این مکان نه پناهی موقت، که مقصدی ابدی تلقی می‌شود و روایت «پایان دنیا» و دوران موسوم به «شورش و پس از آن» را

۱. ملاصدرا، اسفار اربعه، ج ۸، ص ۳۵۵.

بازتولید می‌کند. نظام هنجاری سیلو که در قالب «پیمان» و متنی مقدس گونه، مدوّن شده است، بیرون را چنان خطرناک و مجرمانه معرفی می‌کند که حتی ابراز تمایل زبانی «می‌خواهم به بیرون بروم» خود مجازاتی هولناک - یعنی طردشدن به همان فضای مهلک - را در پی دارد.

دیالوگ تأکیدی کلانتر که «نمی‌دانیم چه زمانی شرایط خروج امن میشود؛ ولی امروز آن روز نیست»؛ در واقع نفی هرگونه نقش غایبانه برای مشیّت الهی و استقرار اومانسیسم افراطی و تفویض مطلق امر به انسان است؛ پارادایمی که در تقابل آشکار با آموزه‌های اسلامی مبتنی بر توکل و مشیّت ربوبی قرار می‌گیرد و مرگ و زندگی را صرفاً در دست اختیار بشر می‌نگرد.

این سیطرهٔ قانون مند، به تمامی شئون زیستی تسری یافته است. همسو با سرکوب تمامیت خواهانه، ابزارهای پیشگیری از بارداری برای تمامی زنان به صورت فراگیر تعبیه شده و هرگونه تولیدمثل، به اخذ مجوز و رفع محدودیت مصنوعی منوط گردیده است؛ گویی باروری در این جامعه، نه حقی طبیعی، که امتیازی مشروط به اذن قدرت است. سرانجام، دیالوگ اعتراض آمیز «زیادی قانون داریم»؛ بیانگر تضاد درونی این نظام بسته است؛ جایی که افراط در قانونگذاری، خود به عاملی برای بازتولید سرخوردگی و تناقض وجودی شهروندان بدل می‌شود.

با توجه به ماهیت دیستوپیایی سریال «سیلو» و مؤلفه‌های برجسته آن؛ تحلیل حاضر در چند محور به هم پیوسته دنبال می‌شود: نخست، ساختار قدرت و سازکارهای سلطه، از جمله کنترل جمعیت، محدودسازی معرفت، حذف حافظه تاریخی و نظارت بر کنش‌های فردی، بررسی می‌شود. سپس، بازنمایی دین، هویت و برخی مفاهیم دینی در ساختار روایی اثر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ و در نهایت، الگوی منجی، نشانه‌های آخرالزمانی و نسبت آن با گفتمان منجی‌باوری و آموزه‌های مهدوی تحلیل خواهد شد. این دسته‌بندی، امکان می‌دهد عناصر پراکنده داستان در چارچوبی منسجم تحلیل شوند و نسبت میان ساختار دیستوپیایی، نظام قدرت و بازنمایی منجی در سریال روشن‌تر شود.

فصل نخست سریال «سیلو»، در کنار روایت یک جامعه پادآرمان‌شهری، مجموعه‌ای از

مؤلفه‌های مرتبط با قدرت، معرفت، دین، هویت و منجی‌باوری را در بستر نظامی بسته و کنترل شده بازنمایی می‌کند. از این رو، تحلیل این اثر، صرفاً با توصیف خط داستانی یا بررسی برخی نشانه‌های بصری و دیالوگ‌ها کامل نمی‌شود، بلکه نیاز به توجه هم‌زمان به ساختار قدرت، نحوه مواجهه با حقیقت و تاریخ، بازنمایی مفاهیم دینی و چگونگی صورت‌بندی منجی در جهان روایی آن نیازمند است. بر همین اساس، در ادامه، عناصر و نشانه‌های برجسته فصل نخست در سه محور اصلی بررسی می‌شوند: نخست، ساختار قدرت و سازکارهای سلطه در جهان دیستوپیایی سیلو؛ دوم، دین، هویت و بازنمایی مفاهیم دینی؛ و سوم، آخرالزمان، منجی‌باوری و نسبت الگوی منجی در سریال با گفتمان مهدوی. این تقسیم‌بندی، تحلیل منسجم‌تر عناصر روایی، دیالوگ‌ها و نشانه‌های بصری اثر و تبیین نسبت میان آن‌ها را ممکن می‌سازد.

بازخوانی تحلیلی سریال «سیلو»، در چارچوب گفتمان قدرت، دین و آخرالزمان‌شناسی تطبیقی

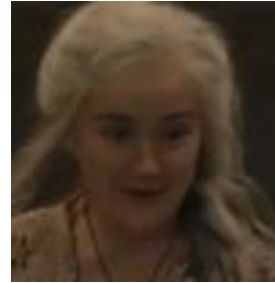
تحلیل فصل نخست سریال «سیلو» در سه محور اصلی دنبال می‌شود: نخست، ساختار قدرت و سازکارهای سلطه در جهان دیستوپیایی اثر؛ دوم، دین، هویت و بازنمایی مفاهیم دینی؛ و سوم، آخرالزمان، منجی‌باوری و پایان تاریخی. این تقسیم‌بندی، بررسی منسجم‌تر عناصر روایی، دیالوگ‌ها و نشانه‌های بصری سریال و تبیین پیوند میان آن‌ها را ممکن می‌سازد.

۱. ساختار قدرت و سازکارهای سلطه در جهان دیستوپیایی سیلو

ساختار قدرت در «سیلو»، بر کنترل آگاهی، اطلاعات و ابعاد مختلف زندگی شهروندان استوار است. این سلطه از طریق سازوکارهایی چون کنترل جمعیت، مدیریت معرفت و تاریخ، نظارت و محدودسازی کنش‌های اجتماعی بازتولید می‌شود.

۱۱. سازکارهای جمعیتی و نظارت بر تولیدمثل

در جامعه سیلو، تولیدمثل نه امری طبیعی و مبتنی بر اراده فردی، بلکه پدیده‌های کاملاً اداری-مجوزمحور تلقی می‌شود. دیالوگ آلیسون، همسر کلانتر، مبنی بر این که «اگر درباره بچه حرف بزنیم، به تو لطف می‌کنم؛ چون هر اسمی که خودم بخواهم، برای بچه می‌گذارم»؛ نشان از آن دارد که حتی در سطح خرد



خانواده، سوژگی فردی در چارچوب نظام سلطه تعریف می‌شود. صدور مجوز بارداری برای این زوج، چنان نادر است که مایه شگفتی و تبریک جامعه پیرامون می‌شود؛ اما پیرزنی حقیقت جو، به نام گلوریا دریافته است که حاکمان سیلو اساساً با افزایش جمعیت مخالفت می‌ورزند؛ چراکه جمعیت کنترل شده، نظارت پذیرتر است.



برنارد، شخصیتی مرموز و از ارکان اصلی قدرت در سیلو، بازخواستی از همسر کلانتر به عمل می‌آورد، مبنی بر این که چرا نوشتاری درباره بازیابی فایل‌های پاک شده در تابلو اعلانات نصب کرده است. این واقعه، از یک سیاست کلان تر پرده برمی‌دارد: گذشت زمان و محو عمدی حافظه، ابزار اصلی تسلط بر ذهن‌هاست. اگرچه در سیلو



نشانه‌هایی از تکنولوژی‌های قدیمی (همچون رایانه‌ها) دیده می‌شود؛ دسترسی به محتوای تاریخی پیشین، به شدت محدود و ممنوع است. روایت رسمی می‌گوید که شورشیان پیش از انقلاب، همه تاریخ را نابود کرده‌اند. از این رو هرگونه پرسش از گذشته یا نگهداری یادگارهای تاریخی، مجازات تبعید به معدن را در پی دارد؛ معدنی که کارکردی تنبیهی-تبعیضی داشته و نمادی از حذف فیزیکی عناصر ناهمساز است.

۲.۱. معرفت، حقیقت‌پوشی و مهندسی حافظه

گلوریا، به مثابه کنشگری شگاک، دیالوگ راهبردی: «اسم جشن آزادی خیلی ساده انگارانه است و بهتر است بگوییم جشن سرکوب انقلاب» را بر زبان می‌آورد. این گزاره، نه فقط نقدی بر گفتمان مسلط، بلکه کلیدی است برای درک ماهیت دوپهلوی نظام روایی سیلو؛ نظامی که ظاهراً شفافیت را می‌ستاید؛ اما در پس آن، برساخت حقیقتی یک سویه را به اجرا می‌گذارد. با این حال، تحلیل صرفاً خوش‌بینانه از این نقدها، به ساده انگاری دچار است. باید با توجه به مبانی فکری سازندگان اثر، فرم و محتوا را همزمان به بوته نقد نهاد. گلوریا، به بخشی از حقایق دست می‌یابد؛ اما نهایتاً به دست همان نظام سلطه، کنترل و خنثا می‌شود. وی با طرح پرسش‌هایی چون: «تا حالا برات سوال شده که روی سرورها چی بود که پاک کردن؟ روی کتاب‌هایی که سوزاندند؟ اصلاً کار شورشی‌ها بوده؟»؛ مخاطب را به گسست معرفتی عظیمی راهبری می‌کند که بر اثر پاکسازی‌های پی‌درپی، در بطن جامعه سیلو شکل گرفته است.

سیلو برای مدیریت ذهن‌ها، از ابزارهای متعددی بهره می‌گیرد؛ از تئاترها و جشن‌هایی که با مضامین مورد تایید حاکمیت طراحی شده‌اند، تا جاسوسان بخش قضایی.

هرم قدرت در سیلو، شکلی سلسله‌مراتبی دارد: در رأس، نهاد قضایی، سپس شهردار، کلانتر و زیردستان و در قاعده، مردم عادی که خود به طبقات بالا و پایین بخش می‌شوند. لایه فراتر از قضاوت، افرادی سایه‌گون قرار دارند که جایگاهشان از همگان بالاتر است. این ساختار، یادآور نظام‌های پنهان قدرت در اندیشه صهیونیسم جهانی است که به زعم برخی تحلیلگران، در پس پرده سیاست‌های ظاهری، شبکه‌های موازی از قدرت را اداره می‌کنند.

۳.۱. بر ساخت دروغین تاریخ و کارکرد آن در هژمونی

در دیالوگی کلیدی، جورج ویلکینز، یک هارد قدیمی به همسر کلانتر نشان می‌دهد. او با تعجب می‌پرسد: «انقلاب ما ۱۴۰ سال پیش بوده، چه طور این درایو از آن زمان مانده؟» و جورج پاسخ می‌دهد: «همه چیز از زمان انقلاب ثبت شده، و این شاید خطای ثبت بوده یا نبوده.» این مکالمه، به



صراحت نشان می‌دهد که روایت رسمی از انقلاب و پیش از آن، نه حقیقتی تام، بلکه برساختی هدفمند است. در ادبیات قرآنی، بنی اسرائیل به تحریف کلمات از مواضعش متهم شده‌اند: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ»؛ و این جا نیز نظام سلطه با روشی مشابه، دروغ را به سان حقیقت بنیان می‌نهد.

از منظر تحلیلی، صهیونیسم، فراماسونری و جریانهای انحرافی منسوب به یهودیت؛ همگی در روندی راهبردی همگرا هستند: به اسارت کشیدن انسان‌ها در دام شهوت، و در نتیجه، تبدیل آنان به سپاهی برای شیطان انس و جن. این جریان، با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، هویتی استعماری و سلطه‌جو دارد و در پی ایجاد جامعه‌ای است که در آن، انسان‌ها از فطرت خویش منفک شده و جز خدمت به نظام طاغوت، کارکردی دیگر ندارند.

۴.۱. نمادپردازی قدرت و بازنمایی فراماسونری



در صحنه ای، دستیار کلانتر به شهردار والکر می‌گوید که از زمان تصدی وی و در دوران کلانتری، روز آزادی بدون حادثه برگزار شده است. هویت شهردار با گردنبندی خاص که تداعی

کننده نمادهای درجات بالای فراماسونری است؛ به نمایش در می‌آید.

این نشانه گذاری بصری، معنایی آشکار در نظام نمادین فیلم دارد: یهودیت صهیونیستی در بالاترین رده‌های حکمرانی این جهان، حضور و نفوذی هدفمند دارد. کلانتری نیز به مثابه نهادی که از این فرقه حمایت می‌کند، قابل تأویل است.



شهردار والکر در حالی سخنرانی می‌کند که تصویر وی در بالاترین نقطه و مردم در طبقات فروتر قرار گرفته اند. در همین سخنرانی، عدد ۶۶۶ را

بدین صورت بیان می‌کند: «۶ ساعت و ۶ دقیقه و ۶ ثانیه». این عدد که در گفتمان فراماسونری و شیطان پرستی، نمادین است، در کنار جمله «در این زمان آزادی خود را به دست آوردیم»؛ این پیام را منتقل می‌کند که رهایی انسان، در گرو تسلیم به پرستش شیطان است؛ تقابلی آشکار با آموزه توحیدی که آزادی حقیقی را در بندگی خدا می‌داند.

۵.۱. راهبرد پرت کردن حواس و انحراف افکار عمومی



رابرت سیمز و برنارد، برای پنهان کردن کم کاری های خویش، به طور مداوم افکار عمومی را به مسائل حاشیه ای منحرف می کنند. این تاکتیک که در پروتکل های صهیونیسم نیز مدون است؛ در عرصه رسانه ای با نمونه هایی، چون «پوشش جام جهانی در مقابل کشتار فلسطین» قابل تطبیق است. اتاق فکر اصلی این جریان، برنارد و دستیارش سیمز هستند که فعالیتشان کاملاً پنهانی است؛ چنان که در پروتکل شماره ۱ می خوانیم: «قدرت سیاسی ما دارای پایه های استواری است؛ زیرا وجود آن محسوس نیست.»^۱

۶.۱. شکایت روشمند و سیاست سرپوش گذاری

جورج ویلکینز با طرح این پرسش که «اگر همه حقایق که میدونی و تمام چیزهایی که عزیزانت بهت گفتن، فقط یه دروغ باشه، چی؟»؛ همه باورهای بنیادین شخصیت ها؛ از جمله ایمان به برزخ، معاد، بهشت و جهنم و حتی وجود خدا را به چالش می کشد. این لادریگری^۲ روشمند، دقیقاً همان ابزاری است که جریان سلطه برای تضعیف یقین دینی و جایگزینی حسیات نقدی به جای وحی، از آن بهره می برد. طرح این شبهات در کنار شخصیت منجی (ژولیت)، به این معناست که حتی منجی با شک و تردید نسبت به ماورا، زیسته و حقیقت دین را بر ساخته ای کاذب می انگارد. این نقطه، اوج الحاد سیستماتیک مورد نظر سازندگان است.

در همین زمینه، رجینا، که رابطه ای پیشین با جورج داشته و اکنون رها شده است؛ بر شنود همه جانبه حاکمان و دانش آن ها از ترس های افراد تأکید می کند.^۳ بخش تعمیرات، که در ظاهر

۱. پروتکل های یهود، شماره ۱.

۲. ندانستن هیچ چیز.

۳. این تصویر، به وضوح بازتابی است از نظام های نظارت دیجیتال فراگیر در عصر حاضر که با شبکه هایی نظیر (P2P) و کنترل نامرئی بر داده ها، امکان نظارت همگانی را فراهم آورده اند. در این شبکه، هر گره، به گرهی دیگر

مسئول امور فنی است، در واقع به جاسوسی و شنود اشتغال دارد و هرگونه پرسش از کارکرد آن، با مجازات همراه است. این استراتژی، بازتولید همان «پروتکل سکوت» است که در گفت‌وگوهای اقتدارگرایانه، با تهدید ضمنی، هرگونه کنش پرسشگرانه را سرکوب می‌کند.

۷.۱. قدرت، زور و ترور؛ ماهیت پروتکل‌ها

برنارد، با رفتار زورگویانه و ترور مخالفان، عین آموزه‌های پروتکل‌های یهود را به اجرا می‌گذارد: «برای حکومت بر انسانها، باید به زور و ترور متوسل شد»؛ «حق یعنی اعمال زور»، و «میان سیاست و اخلاق هیچ اشتراکی نیست». او با جمله «مشکلات ما از وقتی شروع شد که مادرت تو را باردار شد»؛ به صراحت، تولد منجی را منشأ تهدید بقای خویش می‌داند و این را می‌توان به تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر کرد.

در سکانس‌های پایانی، ژولیت (منجی) از سیلو خارج می‌شود؛ اما برخلاف انتظار، دوربین بیرون را تمیز نمی‌کند. این امتناع از افشای حقیقت بیرونی، پیامی کلیدی دارد: منجی این داستان، نمی‌خواهد مردم درون سیلو به حقیقت بیرون دست یابند. دوربین پس از مدتی بالا می‌رود و ده‌ها سیلوی مشابه دیگر را نشان می‌دهد؛ استعاره‌ای از جهان‌های موازی انسانی که هرکدام در جهل خود اسیر است. در انتهای این افق سیلووار، بنایی دیده می‌شود که به گنبد و گلدسته شباهت دارد؛ گویی انتهای هر باور دینی، به نیستی و تباهی می‌انجامد. پایان سریال، با جلوه‌ای از نیهیلیسم مطلق، مخاطب را در یک پرسش بی پاسخ رها می‌کند.

متصل است و هیچ مرکزیتی به چشم نمی‌خورد، اما در سیلو، این شبکه در خدمت قدرت متمرکز پنهان است. (برگرفته از factcoins.com)

۲. دین، هویت و بازنمایی مفاهیم دینی در سریال

در «سیلو»، برخی نشانه‌ها و مؤلفه‌های دینی در کنار هویت‌های مذهبی و رفتار شخصیت‌ها بازنمایی می‌شوند. بررسی این عناصر، نحوه بازنمایی دین و هویت دینی و کارکرد آن‌ها را در پیشبرد روایت سریال آشکار می‌سازد.

۱.۲. بیرون؛ از تمیزکاری تا حذف فیزیکی

هنگامی که همسر کلانتر و جورج به محتوای هارد دست می‌یابند؛ برای نخستین بار تصویری از بیرون سیلو نشان داده می‌شود که چشم اندازی زیبا و رؤیایی دارد. نام فایل، «تمیزکاری» است. در نظام سیلو، «تمیزکار» به کسی گفته می‌شود که از جامعه اخراج شده است و وظیفه پاک کردن لنز دوربین بیرون را بر عهده دارد.

این جا تقابل جالب توجهی شکل می‌گیرد: بیرون و درون؛ بیرون که در روایت رسمی، سوزانده شده و غیرقابل سکونت معرفی می‌شود، در این فایل، کاملاً زیست پذیر به نظر می‌رسد؛ اما رابطه میان تصویر و حقیقت، همچنان در ابهام باقی می‌ماند. این شکاف میان روایت رسمی و تصویر بیرونی، مؤید این فرضیه است که حقیقت، نه در خود تصویر، بلکه در تفسیر نظام قدرت از آن نهفته است.

همسر کلانتر در ادامه می‌گوید: «من آدمی نیستم که اجراکنندگان پیمان بخواهند بچه دار بشم.» این جمله، کنترلی جمعیتی و نژادی را آشکار می‌سازد. در الگوی فکری صهیونیسم، انسان‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: یهودیان اصیل (انسان)؛ غیریهودیان همکار (حيوانات خوب) و غیریهودیان مخالف (حيوانات بد). سیاست سیلو برای محدودسازی زاد و ولد، بازتابی از این دیدگاه طبقاتی در سطح جهانی است. اخراج‌های دوره‌ای افراد از سیلو نیز می‌تواند تمثیلی از سیاست‌های جمعیتی برای کاهش جمعیت جهان باشد؛ سیاستی که در بستر رسانه‌ها و نظریه‌های توطئه، با نام‌های متفاوتی همچون «طرح کاهش جمعیت» شناخته می‌شود.



در اقدامی نمادین، آلیسون با چاقو، دستگاه جلوگیری از بارداری را از بدن خود خارج می‌کند. تصویر چاقو در کنار سیب، ارجاعی است به روایت آدم و حوا و درخت ممنوعه؛ استعاره‌های از سرپیچی از قانون و کسب معرفتی ممنوعه که به هیوطی دوباره می‌انجامد.

۲.۲. نشانه‌شناسی پرسشگرانه و بازنمایی هویت اسلامی

در طبقات زیرین سیلو، کافه‌ای با مدیریت مردی «سبزه و ریش‌دار» - که رمزگان بصری هویت اسلامی را یدک می‌کشد - به تصویر کشیده می‌شود. این شخص، با نگاه به بیرون و شمردن ستارگان، از قوانین حاکم تخطی می‌کند و بنابراین، باید در انتظار عواقب وخیم باشد. این بازنمایی، با کلیشه رایج «مسلمان پرسشگر و سرکش» در سینمای غرب هماهنگ است و پیامی دوگانه دارد: مسلمانان اگر در چارچوب نظام سلطه عمل نکنند، مجازات خواهند شد. چنین موردی در سریال منجی محور "ماشیح"^۱ نیز دیده می‌شود.

۳.۲. تناسخ‌انگاری و چرخه جاودانگی

در مراسم خاکسپاری روث جانز و ساموئل، برنارد - که با همان گردنبند فراماسونری حاضر می‌شود - این جمله را بر زبان می‌آورد: «روث و ساموئل با روحشان خدمت کردند و اکنون با جسمشان. مرگ، چرخه‌ای بی‌پایان است.» این دیالوگ، به صراحت عقیده تناسخ را بازتولید می‌کند: دفن اجساد در کنار باغ سیب، و حلول روح در دیگران از طریق خوردن آن سیب‌ها. این نگرش چرخه‌ای، در تقابل آشکار با معاد توحیدی قرار دارد.

۴.۲. تبعید مسلمان‌نما و مجازات تفکر

همان مسئول کافه که با نمادهای اسلامی به تصویر کشیده شده است؛ به بهانه گزارش ندادن موضوع هارد، به معدن تبعید می‌شود؛ اما دلیل اصلی، کاوش او در نقض قوانین حاکم و

۱. محصول سال ۲۰۲۰ نتفلیکس که با محوریت ظهور یک منجی ساخته شده است.

پرسش‌گری در مورد بیرون است. این سکانس، یادآور آیه «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِي عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ»^۱ است و پیام می‌دهد که مسلمانان – که روزگاری سرآمدِ علوم بودند – نباید برخلاف منافع یهود گام بردارند.

۳. آخرالزمان، منجی باوری و پایان تاریخی

جهان‌روایی «سیلو»، در بستری آخرالزمانی و آمیخته با ترس از نابودی، سرگشتگی و انتظار برای رهایی شکل گرفته است. در چنین فضایی، مسئله منجی و امکان رهایی از وضعیت موجود، به یکی از عناصر مهم پیش‌برنده روایت تبدیل می‌شود؛ بااین‌حال، منجی در این اثر، نه در قالب الگوی دینی و موعودگرایانه، بلکه در صورتی متفاوت و همراه با ابهام و تردید بازنمایی می‌شود. ازاین‌رو، بررسی مؤلفه‌های آخرالزمانی، الگوی منجی، تصویر پایان تاریخ و نحوه بازنمایی رهایی، تحلیل دقیق‌تر نسبت این روایت با انگاره‌های منجی‌باورانه و به‌طور خاص، مقایسه آن با گفتمان مهدوی را ممکن می‌سازد. در این محور، مؤلفه‌های یادشده و نحوه صورت‌بندی آن‌ها در ساختار روایی سریال بررسی خواهد شد.

۱.۳. الگوی منجی و ظهور دگرگونه

در ادامه، کلانتر از سیلو اخراج می‌شود و شهردار والکر در لحظه خروج، جمله «نمی‌دانیم چرا این جاییم و چه کسی سیلو را ساخته» را تکرار می‌کند. این تکرار، نه فقط نماد جهل بنیادین، بلکه پیامی است نیهیلیستی که بر نفی هرگونه غایت متعالی تأکید دارد. شهردار والکر که با مطالعه کتاب‌هایی به پرسش‌هایی دچار شده بود؛ در ادامه، با یک ترور پنهانی از میان برداشته می‌شود. این شیوه حذف، یادآور سیاست پنهانکاری و ترور شخصیت‌هایی



است که به زعم نظام یهود جهانی، تهدیدی برای منافعشان محسوب می‌شوند؛ حتی اگر از خود آنان باشند.

در این زیست جهان، جامعه در وضعیت «تیه»^۱ به سر می‌برد؛ سرگستگی و حیرانی معرفتی. همه افراد، به دنبال نجاتند؛ اما هیچ راه روشنی در برابرشان نیست.

در این میان، ژولیت به عنوان منجی داستان معرفی می‌شود؛ اما تصویری که از او ارائه می‌گردد، نه تنها با آرمان منجی حقیقی در فرهنگ انتظار شیعی مطابق نیست، بلکه با صفاتی چون مشروب خواری، خشم بی حاصل و خشونت، به تصویر کشیده می‌شود. این بازنمایی دجال گونه، رویه‌ای آشنا در سینمای هالیوود است^۲ که میکوشد چهره منجی را مخدوش و ناموفق جلوه دهد. در جهان بینی یهود، در باور یهودیان مسیح (منجی) کذاب است^۳ و «مسیح کذاب» (دجال) جایگزین مسیح موعود می‌گردد و این بازنمایی، همان پروژه تحریف اساسی مفهوم منجی است.

البته خاطر نشان می‌شود که شاید فیلمساز از به تصویر کشیدن ژولیت به دنبال ترسیم یک «قهرمان تراژیک مدرن» بوده است (چندبعدی و خاکستری)؛ اما خروجی اثر در بستر هژمونی رسانه‌ای به نفع گفتمان سلطه تمام می‌شود و موعودی دجال صفت می‌نمایند.

پدر ژولیت، او را به طبقات پایین (معدن) می‌فرستد تا جانش از گزند حاکمان در امان باشد. این جابه جایی، به روشنی با روایت غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل قیاس است که از کودکی، در پنهان زیستی به سر برده و در میان مردم؛ اما ناشناس، زندگی کرده است. همچنین سرداب

۱. «تیه»، به بیابانی گفته می‌شود که بنی اسرائیل در پی خروج از مصر بر اثر نافرمانی خدا، چهل سال در آن سرگردان بودند. (محمدین جریر، تاریخ طبری، ج ۱۰ ص ۱۹۰)

۲. فیلم هایی مثل تبدیل شوندگان ۲؛ مرد پولادین و مردان ایکس.

۳. فرج نژاد، دین در سینمای شرق و غرب، استقرای ویژگی های منجی، ص ۳۶۶.

مقدس سامرا^۱ که به عنوان زیرزمینی منسوب به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) شهرت دارد، شباهتی نمادین با زیستگاه زیرزمینی ژولیت دارد. این همریختی، یک شبیه سازی هدفمند در خدمت به حذف اعتبار منجی اصیل است.

۲.۳. یأجوج و مأجوج در بازنمایی پایان زمانی

دستیار کلانتر در صحنه‌ای که ژنراتور در حال تعمیر است، هشدار می‌دهد: «ممکنه همه چیز خراب بشه و آب بیاد بالا و همه غرق بشن یا از بالا یه مشت روانی بیان داخل.» این جمله، به روشنی با روایت یأجوج و مأجوج و سد ذوالقرنین قابل تطبیق است؛ جایی که پس از تخریب سد، اقوامی وحشی به جامعه انسانی حمله ور می‌شوند. در این تفسیر، سیلو زمین مسکونی و بیرون، محدوده سد دفاعی است. برق، استعاره‌ای است از نیروی نگهدارنده این سد؛ و ژولیت، منجی‌یی است که باید از نفوذ این اقوام روانی جلوگیری کند؛ اما باز هم، منجی ترسیم شده است نه پیروزی قطعی، بلکه کشمکشی ناتمام با قدرت حاکمه را تجربه می‌کند.

۳.۳. حق و باطل، پایان‌بندی نیهیلیستی و تحریف تاریخ

برنارد، به عنوان کارگردان پشت پرده سیلو، با مظلوم‌نمایی و سیاه‌نمایی هدفمند، با گفتن «من رو تهدید کردند»؛ چهره‌ای از خود قربانی می‌سازد. این رفتار، در گفتمان تاریخی صهیونیسم، سابقه‌ای طولانی دارد؛ از جعل هولوکاست تا تحریف وقایع صدر اسلام، مثل قتل عام بنی قریظه^۲ گلوریا تصریح می‌کند که آن‌ها (یهود) کاری کردند که گذشته را فراموش کنیم. چنین سیاستی، یعنی حذف تاریخ و برساخت تاریخی نو، در پروتکل‌های صهیونیسم پیش بینی شده است و در سیلو با دقتی وسواس گونه به اجرا در می‌آید.

۱. ر.ک: ویکی شیعه، سرداب مقدس.

۲. ر.ک: اندیشکده مطالعات یهود - هفته ایراد بر اکذوبه ی بنی قریظه.

ترس یهود از مرگ؛ گواهی قرآنی

سیمز، در مواجهه با خطر، درخواست اسکورت می‌کند و این ترس آشکار، بازتاب آیه قرآن است: ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَخَّرٍ مِنْ الْعَذَابِ إِنَّ يَوْمَ الْعَذَابِ أَلْوَنٌ ۚ﴾^۱؛ و آن‌ها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان - بر زندگی [این دنیا، و اندوختن ثروت] خواهی یافت؛ [تا آن‌جا] که هر يك از آن‌ها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود؛ در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر [الاهی] باز نخواهد داشت و خداوند به اعمال آن‌ها بیناست.

یهود، حریص‌ترین مردم بر زندگی دنیوی هستند و این دلبستگی، آنان را از عذاب الاهی باز نمی‌دارد. آن‌ها آن قدر به زندگی دنیا دل بسته‌اند که حتی پست‌ترین زندگی این جهان را که در نهایت بدبختی باشد بر سرای آخرت ترجیح می‌دهند.^۲

انتشار علیه خود؛ فریب راهبردی

اگر پرسش شود که چرا یهود، گاه حتی یک فریم^۳ از فیلم‌هایی بر ضد خود منتشر می‌کند، پاسخ را در پروتکل شماره ۱۲ می‌توان یافت: «ما گاهی موضوعاتی را در رسانه‌ها علیه خودمان انتشار می‌دهیم و بدین‌وسیله بدگمانی مخالفان را نسبت به تسلط ما بر رسانه‌ها از میان می‌بریم».^۴

بخش تعمیرات؛ نهاد اطلاعاتی پنهان

پاول، معاون کلانتر، هشدار می‌دهد که «کار بخش تعمیرات را زیر سوال نبرید، مگر این‌که بخواهید توالی تان کار نکند». این جمله نشان می‌دهد که بخش تعمیرات در پوشش امور فنی،

۱. بقره: ۹۶.

۲. مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۳.

۳. قاب، چهارچوب، دیکشنری آبادیس.

۴. پروتکل‌های یهود، پروتکل ۱۲.

به جاسوسی و شنود اشتغال دارد^۱ و هرگونه پرسش از عملکرد آن، با مجازات ضمنی همراه است. این همان منطق یهود است که «همه چیز را بدون سوال بپذیرید، در غیر این صورت، عواقب بدی خواهد داشت».

مترسک قدرت و بازی پنهان

قاضی مدور، در ظاهر رأس هرم قضایی سیلو است؛ اما به تدریج آشکار می شود که برنارد، همه کاره واقعی است و قاضی تنها «مترسکی» برای پنهان سازی کنش های اوست. این الگو، با سنت تاریخی یهود در مخفی کاری و پشت پرده گردانی هماهنگ است؛ از ترور اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا تلاش برای ترور خود ایشان و امامان معصوم علیهم السلام که خود بحثی مفصل می طلبد.

۱. همانگونه که در ادامه فیلم مشخص می شود.

نتیجه گیری

بررسی توصیفی-تحلیلی سریال «سیلو» نشان می‌دهد که این اثر، اگرچه در ظاهر، روایتی دیستوپیایی با مضامین انتقادی اجتماعی است؛ در لایه‌های عمیق‌تر، روایتی همسو با جهان بینی صهیونیستی از تاریخ، قدرت و منجی ارائه می‌کند. در این روایت، قدرت حاکمه نامرئی، غیرقابل چالش و نهایتاً پیروز است. هرگونه کنش اعتراضی، اصلاح طلبانه یا انقلابی، سرکوب یا خنثا می‌شود. منجی، اگرچه با صفاتی وحشیانه و غیراخلاقی به تصویر درآمده است؛ نهایتاً توان مقابله با این نظام را ندارد و حذف یا به حاشیه رانده می‌شود. این پیام نهایی - یعنی شکست ناپذیری قدرت پنهان و ناتوانی هرگونه منجی حقیقی - با آموزه‌های پروتکل‌های صهیونیسم کاملاً هماهنگ است که در آن‌ها بر ضرورت حفظ سلطه پنهان بر توده‌ها، و نیز تخریب هرگونه آرمان‌رهایی بخش (به ویژه آرمان مهدویت در اسلام) تأکید شده است.

در مقابل، تاریخ معاصر، به ویژه رویارویی‌های مقاومت اسلامی با ارتش اسرائیل، نشان داده است که این قدرت ظاهراً شکست ناپذیر، در عمل، آسیب‌پذیر و به بسترهای روانی و رسانه‌ای ساختگی وابسته است. پیروزی‌های جبهه مقاومت، از لبنان تا فلسطین، گواهی است بر این مدعا که «قدرت یهود» در صورت اتحاد مسلمانان و پایبندی به آموزه‌های توحیدی و انتظار حقیقی، نه تنها شکست ناپذیر نیست، بلکه رو به زوال خواهد رفت. وعده الهی در قرآن که ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفَئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَ اللَّهُ مَتِّمٌ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾؛ همچنان به عنوان حقیقتی انکارناپذیر، افق تازه‌ای از امید را برای موحدان ترسیم می‌کند.

منابع:

قرآن کریم.

۱. آبادیس، **مدخل واژه «دییستوپیا»**، فرهنگ نامه آبادیس،
دییستوپیا. <https://abadis.ir/fatofa/>
۲. صدرالمآلهین شیرازی (ملاصدرا)، **الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة (اسفار اربعة)**، انتشارات مصطفوی، ۹ جلد، نوبت سوم، قم، ۱۳۶۸.
۳. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الأمم والملوک (تاریخ طبری)**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، ۱۶ جلد، نوبت پنجم، تهران، ۱۳۷۵.
۴. فرج نژاد، محمدحسین، **دین در سینمای شرق و غرب**، انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۳۹۶.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیة، ۲۷ جلد، نوبت بیست و پنجم، تهران، ۱۳۸۰.
۶. نیلوس، سرگی، (منتسب به)، **پروتکل های بزرگان صهیون**، نشر کتاب صبح، خرداد ۱۳۸۷.
۷. ویکی پدیا، **مدخل «ویران شهر»**، دانشنامه ویکی پدیا،
https://fa.wikipedia.org/wiki/ویران_شهر

An Analysis of Season One of *Silo*, with Emphasis on the Savior Figure in Dystopian Discourse

***Masoud Barakati*¹**

Media literacy and critical scrutiny of audiovisual works are among the most effective ways to protect audiences from media manipulation and ideological exaggeration, particularly in Hollywood productions. In pursuing its metanarrative objectives, the American film industry has consistently sought to capture the collective unconscious of nations. Adopting a descriptive-analytical approach within a qualitative research framework, this article closely examines the first season of *Silo* and relates it to religious teachings and influential Iranian film criticism in order to explore the work's less apparent dimensions. The research systematically describes the series and examines the relationships among its visual elements, dialogue, and narrative signs. The ten-episode series depicts an apocalyptic, dystopian world that prepares viewers for the emergence of a savior from within stagnation and despair. Clarifying these foundations can support a more informed engagement with media.

Although the second season of *Silo* has also been produced and released, it is not examined here. In the author's assessment, its narrative offers insufficient analytical value, and various scenes are unnecessarily and tediously prolonged.

Keywords: *Silo*; Dystopia; Savior; End times; Media literacy.

¹. Level 3 seminary student at the Specialized Mahdism Center, Qom Seminary.

Email: masoodtalabe@gmail.com

An Analytical Study of Superstition in Mahdist Culture: A Constructive Approach through “Rational Awaiting”

Fazel Fazeli Davoud¹

Belief in the promised savior and the culture of Mahdism are among the most dynamic and hope-inspiring pillars of Shi‘i thought. Throughout history, they have served as driving forces for Muslim societies in resisting oppression and striving for human perfection. This study analyzes superstitions and spurious accretions within Mahdist culture and presents constructive strategies for addressing them. It employs a descriptive-analytical method based on library research. The central question is how to identify the conditions that give rise to superstition in the field of Mahdism without reducing the study of this culture to a purely negative diagnosis, and how to articulate a model of “Rational Awaiting.” The findings indicate that practices such as setting dates for the Mahdi’s advent (*tawqīt*), excessive preoccupation with encounters with the Imam, reducing Mahdism to rituals and individual actions, and following false claimants stem primarily from factors such as ignorance, the dominance of emotion over reason, misinterpretation of religious texts, and exploitation by self-interested individuals. As a constructive response to these harms, Rational Awaiting rests on rational engagement with Mahdist teachings, commitment to social responsibility, strengthening the social and governance-oriented dimensions of Islamic jurisprudence, and active participation in laying the groundwork for a new Islamic civilization. The findings further suggest that safeguarding Mahdist culture requires sustained critique of superstition, strengthening scholarly and religious authority, improving public literacy about Mahdism, and cultivating believers who await the Mahdi with rationality, responsibility, and a commitment to building society.

Keywords: Mahdism; Superstition; Rational Awaiting; False Claimants; Religious Pathology; Time-Setting (*tawqīt*).

¹. Member of the Department of Islamic Studies and Law, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

Email: f.fazeli4336@iau.ir

A Futures-Oriented Analysis of the Expansion of Western Media Hegemony over Muslim Societies and Its Implications for Mahdism

Alireza Akbari¹

This article examines the expansion of soft warfare and its detrimental effects on the beliefs and cultural values of Muslim societies, particularly Shi'i communities, with a focus on its implications for the Mahdi's advent and the pursuit of Islamic ideals. Comparing hard and soft warfare, the study analyzes the characteristics, instruments, and adverse consequences of soft warfare and examines how it impedes efforts to prepare the ground for Imam al-Mahdi's advent.

In soft warfare, Islam's adversaries use modern media to steer public opinion toward their preferred cultural and political objectives. The study also considers factors contributing to the expansion of adversarial media hegemony over Muslim populations, including Shi'i communities' vulnerability to adversaries' media empires, low levels of media literacy, the erosion of social ethics in the media, and growing public distrust of domestic media in Muslim societies.

Keywords: Soft warfare; Media; Trend analysis; The Mahdi's advent; Mahdism.

¹. Level 3 graduate of the Specialized Mahdism Center, Qom Seminary.

Email: Hajalireza313@gmail.com

An Examination and Typology of Mahdist Reports in *Kifāyat al-Athar fī al-Naṣṣ ‘alā al-A’imma al-Ithnā ‘Ashar*

*Seyyed Ali Kazemi*¹

This study examines and classifies the Mahdist reports in *Kifāyat al-Athar fī al-Naṣṣ ‘alā al-A’imma al-Ithnā ‘Ashar*, by ‘Alī b. Muḥammad al-Khazzāz al-Qummī. A fourth-century AH work, it is recognized as a collection of reports and explicit textual designations concerning the caliphate and imamate of the Twelve Imams; part of it directly addresses Mahdism and reports concerning Imam al-Mahdī. The study aims to extract and systematize the Mahdist teachings contained in this early source and to assess their evidentiary value in terms of both chains of transmission and content. It employs critical textual analysis of relevant reports, including their thematic identification, classification of Mahdist themes, and examination of their isnāds and transmission routes. The findings indicate that al-Khazzāz al-Qummī included a considerable number of explicit reports concerning the Imamate and the advent of the eschatological savior; some accounts cite approximately 170 related reports. These reports can be classified under several key themes, including the textual designation of the Imamate, the signs and responsibilities of the eschatological reformer, and his lineage and connection to the Ahl al-Bayt. Moreover, the quality of the isnāds and the recurrence of parallel reports across hadith sources from different Muslim traditions enhance the work’s significance within Shi‘i Mahdist discourse.

Keywords: Mahdism; Imam al-Mahdi; *Kifāyat al-Athar*; Mahdist reports; Hadith.

¹. Level 4 graduate of the Ayandeh Roshan Research Institute, Qom Seminary.

Email: sayed.ali.kazemi67@gmail.com

Reframing the Formative Role of Imam al-Mahdi during the Occultation: Emphasis on Modes of Guidance and Education

Mina Sadat Hosseini Khanagahi¹

In Shi'i thought, the infallible Imam, as the successor to the Prophet Muhammad, assumes all of the Prophet's functions except the reception of revelation. Among the Imam's most important responsibilities are guiding the community, serving as an authoritative source of religious knowledge, and providing spiritual education and formation. As the Perfect Human, the infallible Imam has an ontological role in guiding believers and leading them toward perfection, and the light of his guidance flows within their hearts. This raises a fundamental question: how are the Imam's responsibilities—particularly the spiritual formation of believers—fulfilled during the Occultation? This article explains that, although the Imam is not outwardly accessible during the Occultation, he remains inwardly present and his non-manifest functions continue. The formative role of Imam al-Mahdi during the Occultation can be examined through his ontological and inward guidance, his guidance of believers through divine trials, guidance through the system of deputyship and mediation, special acts of grace, and the cultivation of a culture of awaiting the Mahdi's advent. The article employs a descriptive-analytical method.

Keywords: Mahdism; Imam al-Mahdi; Education; Guidance; Occultation.

مطابق مبدء

سال شانزدهم / شماره ۶۰ / پاییز و زمستان ۱۴۰۴

¹. PhD student at Bint al-Huda Higher Education Center.

Email: shamim.sadati1366@gmail.com

A Cross-Tradition Reading of the Wars Preceding the Mahdi's Advent Based on Prophetic Reports

Seyyed Mohammad Hossein Taghavi¹

Using an analytical and cross-tradition comparative approach, this study examines the scope and dimensions of eschatological developments, focusing on Mahdist reports attributed to the Prophet and preserved in Shi'i and Sunni sources. It investigates the military, social, and theological dimensions of the tribulations preceding the advent and interprets them not merely as political turmoil, but as a broader crisis in the social and moral order of Muslim society. The study employs qualitative content analysis of hadith reports, focusing on such tribulations as the tribulation of al-Ahlās, the Sufyani's emergence, and the role of forces from the East. On this basis, it reconstructs a phased pattern of eschatological developments. The findings indicate that the pre-advent period begins with internal disintegration and intra-Muslim strife driven by worldly ambition, and reaches its climax with the expansion of regional wars, particularly in the Levant (al-Shām) and Iraq. In this process, divine aid originates in the East and among its people, paving the way for the uprising of the Promised Mahdi. The findings further indicate that passing through these foundational tribulations constitutes an important part of the path leading to the advent. Accordingly, active preparedness, spiritual patience and steadfastness, and—above all—practical unity among Muslims in confronting the forces of unbelief and tyranny are essential. Moreover, the shared Shi'i and Sunni reports concerning these events can provide a basis for mutual understanding and strategic unity within the Muslim ummah in pursuit of the objectives of Mahdism.

Keywords

Eschatological tribulations; Developments in the East; War and bloodshed; Prophetic reports; The Mahdi's advent.

¹. Level 3 seminary student at the Specialized Mahdism Center, Qom Seminary.

In the Name of Allah, the Most Beneficent, the Most Merciful

دوفصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات مهدوی

Fourteenth Year, Vol. 60, Autumn and winter 1404 (2025-2026)

Magazine Owner: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya
(Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Responsible Manager:

Clergy of Islam and Muslimin Mahdi
Yousefiyan

Editor in Chief:

Sa'eed Tavasoli Khah

Internal Manager and Editorial Staff:

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

Editor:

Abolfazl Alidoost

Translator:

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Tavasoli Khah, Sa'eed (Ph.D. in Teaching Islamic Studies, Researcher at the Specialized Center of Mahdism)

Heidari Charati, Hojjat. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Kamyab, Moslem. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

Moslehi, Ali. (Seminary Scholar, Professor at the Specialized Center of Mahdism)

Ma'navi, Seyyed Mojtaba. (Seminary Scholar, Professor at Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya)

Mollaei, Hasan. (Seminary Scholar, Head of Group of Ethics at the Specialized Center of Mahdism)

Contributors of this Issue:

Ali Rabbani, Mohsen Shari'ati

Address: Mahdism and Messianism Research Center
of Intezar Pouya, Specialized Center of Mahdism,
Amar Alley, Shohada St. (Safaeeyeh), Qom.

Tel: 025-37841410

Fax: 025-37737160

P.O.B: 37135119.

Website: <http://mamdimag.ir>

Email: mahdimag@gmail.com

Social network channel Address:

@mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 7.500.000 Rials

